



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

فانما

ظنکرمای

کتابخانه  
شیرازی

نویسنده: حقیقی زاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# تلنگر های عاشورا

نویسنده:

عباسعلی حقیقی زاده

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۶	..... تلنگر های عاشورا
۶	..... مشخصات کتاب
۶	..... مقدمه
۸	..... تلنگرهای عاشورا
۱۶	..... درس های عاشورا به نظر بنده حقیر شامل موارد زیر است .
۱۶	..... درس ظلم ستیزی واجتناب از پذیرش ظلم:
۳۴	..... امام صادق علیه السلام می فرمایند:
۴۱	..... امام صادق علیه السلام می فرمایند:
۵۰	..... ترجمه زیارت اربعین:
۵۱	..... نقشه بیست و پنج گنج بزرگ دنیا از زبان امام صادق علیه السلام
۵۷	..... حدیث پایانی::
۵۸	..... درباره مرکز

## تلنگر های عاشورا

## مشخصات کتاب

نویسنده: عباسعلی حقیقی زاده

ناشر: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم والعاقبه لاهل التقوى واليقن، يا ايها الناس انما بغيكم على انفسكم، (قرآن الكريم)  
بنام خداوند بخشنده مهربان وحسن عاقبت برای اهل تقوا و یقین است. ای مردم، نتیجه ظلم شما به خودتان برمی گردد.  
رستگاری انسانها منوط به اعمالشان است، و از آنجائیکه در دنیا درگیر وساوس شیطانی و انسانی و خواسته های مادی و حیوانی هستیم، در انسانهای معمولی ایجاد کشش و جذابیت میکند، که آنها یتا خواسته های حسی انسان تا مین می شود. ولی جهت رستگاری جاویدانی، از دستورالعملهای خداوند متعال ( کتاب الله ) و گفتار پیامبران و جانشینان آنها بایستی پیروی نمود، و در این راستا باید از دریا های رحمانیت به دریای رحیمیت و سپس از دریای ولایت گذر نموده تا انشا الله به رستگاری و رضایت پروردگار و بهشت نائل شویم.

خلقت الهی، یا سنگ و خاک، یا درخت و گیاه، یا حیوان و مشتقات آنهاست. برای اجسام خاکی و سنگی حرکات آنچنانی که به فوریت بدید بیایند، مشهود نیست، و درختان و گیاهان رشد و نمو آنان با شرایط لازم و در طول و عرض محدودی است و حیوانات و جانوران دارای حس گرسنگی و شهوت و قدرتند و برای خود هیچ محدودیتی قائل نیستند. ولی انسان که اشرف مخلوقات است، باید به خود متذکر شود که، من انسانم. نه سنگم نه گیاهم و نه حیوان، بلکه انسانم که خداوند متعال برای جاویدان بودن خلقم نموده نه برای چند دهه زود گذر دنیا، چون در قرآن کریم، خبر به تاریک شدن خورشید و دیگر ستارگان و آتش گرفتن دریاها و پراکنده شدن کوهها می دهد، ولی انسان پس از گذراندن چند مرحله به جاودانگی خواهد رسید.

موجوداتی که در زمین خلق شده اند، از بدو خلقت، شامل رحمانیت خالق خود که خدای لاشریک است قرار می گیرند، (سوره حمد خلاصه شده کل قرآن است و مهمترین فراز آن رب العالمین است، که هر گونه شرک را نفی می کند) تا آخرین لحظه حیات. از پایان حیات به بعد، شرایط انسانها بستگی به اعمالشان و رحیمیت خداوند که تنها شامل حال مومنین و مومنات میشود، خواهد داشت و سپس کسانی به رستگاری میرسند که از دریای ولایت (اطاعت از پیامبر و ائمه اطهار) گذر کرده باشند.  
در روابط حشر و نشرهای روزمره انسانها بعضا به اقدامات فرصت طلبها بر خورد می کنند، که ناشی از بی دینی و دنیا طلبی و حرص و ولع به دنیای گذراست. دلیل آنهم از هایل و قابیل و برادران یوسف و پادشاهانی که بیش از یک فرزند ذکور داشتند، پر واضح است.

از طرف دیگر برای انجام هر کاری احتیاج به دانائی و دارائی داریم، امام حسین علیه السلام دانای مطلق انسانهای زمان خودش بود و ایشان علاوه بر تمکن مالی (موقعیکه به کربلا رسیدند تمام اراضی آن منطقه را از صاحبانشان خریداری کردند) که به شهادت تاریخ به تجارت عادلانه، پیامبر و دیگر ائمه مبادرت داشته اند. ولی دارائی حسین مال و ثروت و قبیله و عشیره و زن و فرزند و برادر و یاور نبود، بلکه دارائی را فقط در عبودیت و بندگی می دانستند، عبادت او بود که دستش را پر کرده بود، و خود را از غیر خدا بی نیاز میدانست، چون حسین کارش عندالله و فی سبیل الله بود، که تا قیامت کارش باقیست، ولی اگر برای مقاصد دنیوی و مردم بود همان روزهای اول قیچی شده بود. و بدست فراموشی، در حالیکه هر سال محرم و صفر باشکوه ترو گنج واقعه کربلا- گران قیمت تر و پر

محتواتر به مردم جهان ارائه می شود.

دشمن کشت ولی نورتو خاموش نگشت آری آن جلوه که خاموش نشود نور خداست

الله متم نوره ولا کره المشرکون. (خداوند نور خودش را تکمیل و جاودانه می کند اگرچه مشرکان خوششان نیاید.)

دارئی اگر می خواهی داشته باشی باید کارت برای خدا و عبودیت او باشد و لا غیر. دارائیهای دنیوی مقطعی است، و حداکثر تا لب مرگ و گور است (مگر اینکه با آن مال آخرت را تحصیل کنیم) لذا دانائی و دارائی با هم موفقیت می آورد و دین، انسان را در علم کمک میکند. نتیجه دینداری بهشت است. دین و ایمان یعنی قبول ولایت علی بن ابیطالب و یازده فرزندشان. و ولایت یعنی علاوه بر محبت و عشق اطاعت از دستورات و اعمال ایشان است. کلمه ایمان از امن می آید یعنی پناهگاه داشتن، و اسلام، گفتن شهادتین است. آقا امیرالمومنین فرمودند، کامل نمیشود ایمان بنده تا مرا به نورانیت قبول داشته باشد. (اول ما خلق الله نوری) پیامبر فرمودند اولین چیزیکه خداوند خلق کرد نور من بوده است و بقیه ما خلق الله از نور پیامبر و علی خلق شده است و فرمودند من و علی یک نور بودیم و به قدرت خداوند ۱۴۰۰ سال طواف کردیم بعدا خداوند مرا محمد و ترا علی اعلان کرد. علی علیه السلام نور بوده است و در زمان حضرت ابراهیم و موسی و عیسی حضور داشته .

عالم دیگر بدست آور که در زیر قلک گر هزاران سال می مانی همین روز و شب است

نقل است از ایشان که فرمودند: سعادت انسان در چهار چیز است.

۱- آنکه تاکی در دنیا میمانی به همان اندازه جمع مال کن. (سعادت کسی است که امروزش فردایش را آباد کند. نه اینکه فکر کند دنیا جایگاه ابدی اوست و فقط دیگران میمیرند)

۲- در برزخ و قیامت چقدر میمانی، همان مقدار بار و توشه بردار.

۳- تحمل عذاب جهنم را چقدر داری؟ به همان اندازه گناه کن.

۴- به پرورگار متعال چقدر محتاجی؟ به همان اندازه او را عبادت و بندگی کن.

بعد از دانائی و دارائی، متخلق به اخلاق حسنه و مکارم اخلاق شدن است، که باختصار عبارتند از ۱- یقین: (شامل علم الیقین که اطلاع ثوری داشتن از هر مطلبی است و عین الیقین که با چشم نظاره کردن و حق الیقین که لمس کردن و در بوران آن قرار گرفتن است) ۲- قناعت، به آنچه خداوند از راه حلال برایش مقدر کرده راضی باشد ۳- صبر در ثروت، و صبر در گناه و صبر در مصیبت ۴- شکر (بابر والدین میسر است) ۵- رضای پروردگار در کل امور ۶- حسن خلق (رعایت حدود الهی و یاد مرگ) ۷- سخاوت (بخشش بدون منت) نقل است سائلی از حضرت یعقوب چیزی خواست، و یعقوب گفت بعدا میدهم و داشت و نداد، خداوند هم یوسفش را ازش گرفت و او را کور کرد و به روایتی گوساله ای را جلو مادرش ذبح کرد ۸- غیرت، نسبت به ناموس و دین و شخصیت ۹- شجاعت (در کلام و عمل) ۱۰- جوانمردی و مروت، که آقا یمان اسوه مکارم اخلاق مذکور بودند و برای دیگران راهکارهای زیرارائه میشود.

اولین راهکار - قبول کردن و اطاعت از دستورات بحق مکتب هدایتگر قرآن و سنت است، بطوریکه قبل از هر اقدامی، نظر قرآن و سنت را چراغ راه خود قرار دهیم و سپس قدم برداریم، تا در صراط مستقیم و از تاریکی دور، و بسوی نور نزدیک شویم.

در این راستا آیاتی که در یکی از سوره قرآن است، بیاری آیه دیگر آمده و مشابه آنرا در احادیث و روایات معصومین داریم که مکمل یکدیگرند.

با مطابقت زندگی روزمره خود، و با رویه فوق، مدینه فاضله و زندگی برزخی بهشتی خواهیم داشت. بنده کمترین، در حد بضاعت خود هر چند نا چیز، با استعانت از خداوند متعال و چهارده معصوم پاک شروع میکنم. باشد که تنها به گریه کردن بر مصائب آقا یمان ابا عبدالله الحسین علیه السلام بسنده نکنیم (اگر چه عزاداری و اشگ ریختن در امتحان عظیم آن بزرگوار از قدر و ارزش

والائی برخوردار است) و بیش از لیبک گفتن به عزاداری، به اهداف و درسها و رهنمودها و اندیشه‌ها و آههای درونی آن بزرگ مرد تاریخ بشریت لیبک گوئیم تا انشاءالله در لیبک گفتن به صاحب الزمان آگاهانه لیبک گفته و صدای یابن الحسن در کنارش تقوا و عدالت و اخلاق دیده شود، نه شعار باشد و شرمندگی و گناه و.....

لذا با استعانت از خداوند متعال و انبیا و اولیا خصوصاً، چهارده معصوم علیهم آلا ف تهیت والسلام، بنا به انگیزه اینکه من اصبح ولم يتمم به امور المسلمین (کسیکه شب خود را صبح کند و فعالیتی برای مشکلات مسلمین در فکر و عمل نداشته باشد مسلمان نیست) تلنگری که به بنده عنایت شد و آن تلنگر از این قرار بود:

اواخر ماه محرم سال ۱۴۳۳ قمری بود که بر روی یک بنر، واقعه کربلا را مشاهده کردم که در زیر آن نوشته بود ما برای عاشورا چه کرده ایم؟!!!

لذا با توجه به اینکه ما انسانها تاریخ را میسازیم و شروع تاریخ ما از انتهای نسل قبل است و با دست نوشته‌ها و خاطرات و کتب به جا مانده از پیشینیان، کارها و تجربیات آنها را استمرار میدهیم و این مسیر ادامه دارد تا ظهور حضرت بقیت الله الاعظم که بشر تا آنموقع ۲/۲۷ علم و تکنولوژی را بدست آورده و در حکومت ایشان به ۲۵/۲۷ علم دست خواهد یافت. از طرف دیگر نوع حکومت و ایدئولوژی و محیط و ثروت و مادیات، بسیاری از افراد عادی را همچون سیل با خود می برد، در حالیکه افراد قلبی هستند که همچون کوه استوار و پای برجا میمانند (پیامبران و ائمه اطهار و اولیا) و با استمداد از نیرویهای لایزال الهی، حکومتها و مادیگرائیها و ناسیونالیستها و... را تغییر داده و فقط بدستورات خالق بی همتا عمل میکنند. تا در این راستا بندگان خوب که اطاعت از اوامر و نواهی الهی می کنند، بهشتی شوند، و معاندان و مترفین و متکبرین و طاغوت صفتان و متابعت آنان که در خط شیطانند به جهنم. بنابراین در حد بضاعت کم و ناقابل خود تصمیم به نوشتاری هر چند ناچیز در انجام وظیفه خود جهت بزرگ مرد تاریخ و بشریت که الگو و اسوه انقلابات موفق جهان بوده اند راجع آوری و به سمع و نظر شیعیان جهان برسانم.

باشد که همچون حیوانات و پرندگان و چرندگان و جامدات و سیالات که به فطرت و غریزه و آنچه برایشان مقدر شده است و خود تکرار مکررات است نه نوآوری، عمل نکرده باشیم، زیرا پس از نعمت حیات و هستی نعمت عقل و ادراک از اعظم نعم است. آدم که از بهشت رانده گشت پس از توبه و انابه و قبولی ترک اولی، جبرئیل بر او ناظر شد و سه هدیه از طرف خداوند آورد، مشروط بر اینکه آدم یکی از آن سه را انتخاب کند. و آن سه هدیه ۱- عقل ۲- حیا ۳- دین بود.

بنابراین حضرت آدم فقط حق انتخاب یک مورد را داشت، لذا آدم نعمت عقل را انتخاب نمود و جبرئیل آن دو را هم فرو گذاشت، آدم علت آن را پرسید جواب شنید حیا و دین در کنار عقل است و هر کجا عقل باشد حیا و دین هم وجود دارد و هر سه هدیه از آن توست که رستگار شوی.

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

السلام علی مهدی و علی آباءه طاهرین

الهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و العن عدوهم و بارک علی ابراهیم و آل ابراهیم انک بصیر با لعیباد (ثواب هزار صلوات دارد و قدرت صلوات را امام محمد باقر علیه السلام، بشنوید که می فرمایند: اگر صبح از خواب بیدار شدید و بنا به دلایلی نماز شب را نخواندید و یک صلوات بفرستید ثواب نماز شب را به شما خواهند داد.)

## تلنگر های عاشورا

(درس ها و عبرت های عاشورا)

حیات روح به علم است وفوت روح به جهل است. صحت روح به یقین است و آنچه با عث مردن روح است شهوت است که غفلت می آورد و روح بخواب و مرگ می رود.

روح را اگر حفظ کردی روح بیدار است و بیداری روح صحت و سلامت روح است. و قلب انسان به موعظه زنده می شود. نفست را بوسیله زهد بمیران و به گذشته ات افسوس مخور و به آنچه در دست هست مقرر نشو، و قلب را بوسیله حکمت و دانش نورانی کن.

با نگرشی گذرا به رسالت حضرت ختمی مرتبت و مجاهدتها و تبلیغات ایشان در طول ۲۳ سال، انسان نماهای جاهلیت را تا حدودی از قهقرائی و جهالت و سبوتیت به انسانیت و تعالی سوق دادند که متأسفانه باشهادت ایشان مسیر حق از جاده اتوبان انسانیت به جاده خاکی، پر از سنگلاخ جاهلیت دیگری سوق داده شد و کم کم تلاش های آن بزرگوار و خلیفه بر حقش مولی الموحدین حضرت علی بن ابیطالب، بخاطر شیطنت ها و هوا و هوسها و مقدم داشتن نفس بر عقل بدست فراموشی گذاشت تا جائی که اقدام به شهادت بزرگ مرد تاریخ بشریت کرده و بخاطر تعصبات جاهلیت خود که در کُرک هوا و هوس مخفی شده بود و ایمانی ظاهری و ریاکارانه را مطرح کرده بود را به جامعه ارائه می داد که با مخالفت حسن بن علی ابتداً و سپس حسین بن علی با دستگاه ریاکارانه معاویه و یزید ادامه یافت، تا جائی که در سفر حج واجب آن امام سوم واجب تر دیدند که حج واجب را به عمره تبدیل کرده و در هجرت خود بنا به دعوت کوفیان به طرف کوفه هجرت نمودند که در این زمینه کتاب هایی نوشته شده و از چهل منزل ایشان و بخوردهایشان نقل ها شده که ذکر مجدد آنها را لزومی نیست ولی آنچه قابل تحمل و بررسی است عوامل مؤثر در مقابله با حق و حقیقت و رهبری عادل و دانا و پاک را بر رهبران ناحق و ریاکار و نادان و ناپاک ترجیح داده و از پیروی آنان تا جایی پیش رفته که منتهی به شهادت فرزند پیامبر و عزیز طفل شیرخوار ایشان و اسارت خاندان نبوت و رسالت شده و متأسفانه این همه شرور را جنبه عبادت و جهاد جاهلان داده و به علت شعور و بصیرت دینی دست به بزرگترین جنایت تاریخ انسانیت زدند. عاشورا غیر از درس، یک صفحه عبرت است، انسان باید به این صفحه نگاه کند تا عبرت بگیرد، اینکه حسین بن علی علیها السلام در مرکز اسلام، در مدینه به دنیا بیاید و پس از گذشت کمتر از یک قرن جگر گوشه پیامبر اکرم را به شهادت برسانند قابل تجزیه و تحلیل است.

حادثه عاشورا، بی شک از عظیم ترین رخدادهایی بوده که در تاریخ بشر موجدی عظیم پدید آورده و مسلمانان و غیرمسلمانان را با ارزش های متعالی و مفهوم حیات بخش و هدفدار آشنا ساخت و انگیزه های مبارزه برای حفظ کرامت انسان و نفی سلطه ستم را در انسان ایجاد کرد، با تقویت نمود. هر اندازه که مسلمانان و انسان ها با درس های نهفته در آن حرکت خونین و عمیق آشناتر شده از آن بهره بیشتری برده اند و به همان میزان عزتمند و بزرگوارانه زیسته و پایه های حکومت طاغوت ها را لرزانده، درس هایی که از عاشورا می توان گرفت، در سخنان امام حسین علیه السلام و عملکرد یارانش، درس ها و عبرت هایی است که تاثیر آنها در زندگی و فکر مسلمانان بایستی الگو شود و در جای جای زندگی آنها را پیاده نمود.

می دانیم که امام در حکم کعبه است و مردم در حکم طواف، بنابراین تکلیف است که مردمان مسلمان پیرامون امام باشند و برای حُسن عاقبت دارین از امام معصوم و عالم و عادل خود پیروی کنند. به همین دلیل امام حسین علیه السلام در هجرت خود از مدینه به کوفه با زن و فرزند خویشان خود هجرت نمودند، چون یقین به صحت راه خود داشتند.

یقین منجر به علم و عمل صالح می شود و شک و تردید و دو دلی منجر به جهل و عمل غیر صالح می شود، کسانی که غذای پاک و حلال و به اندازه تناول می کنند، از فکر پاک و طیب و عمل صالح برخوردارند و برعکس کسانی که از غذاهای شبهناک و حرام تغذیه می شوند و یا هر غذائی را می خورند نوعاً دارای افکار پلید و اعمالی شنیع می باشند. لذا در اتمام حاجتی که آقا اباعبدالله الحسین با یزدیان انجام دادند، فرزندشان می پرسند، پدرجان مگر ما بر حق نیستیم، حضرت می فرمایند چرا فرزندم و

سؤال می‌کنند، پس چرا حرف حق را نمی‌پذیرند امام می‌فرماید شکم‌هایشان از حرام پر شده است، لذا نه حرف حق را می‌پذیرند و نه تشخیص می‌دهند. شکم‌هایشان از حرام پر شده است، لذا نه حرف حق را می‌پذیرند و نه تشخیص می‌دهند. و برای هدایت اینگونه افراد هیچ امیدی نیست، که جایگاه ایشان جهنم است، چون عناد دارند. عمان سامانی در محاربه آن موحد صاحب یقین در مصاف با مشرکین و پیغام آوردن جبرئیل امین از حضرت رب العالمین و افتادن آن حضرت از زین ذولجناح آن رخس وزین بر زمین، که سلام الله علیه، و لعنت الله علی اعدائهم الی یوم الدین به شعر در آورده است، بدین منوال

گشت تیغ لا مثالش گرم سیر از پی اثبات حق و نفی غیر  
ریخت بر خاک از جلادت خون شرک شست ز آب وحدت از دین، زنگ و چرک  
جبرئیل آمد که ای سلطان عشق یکه تاز عرصه میدان عشق  
دارم از حق بر تو ای فرخ امام هم سلام وهم تحیت هم پیام  
گوید ای جان، حضرت جان آفرین مر ترا، بر جسم و بر جان آفرین  
محکمها از تو میثاق مراست رو سپیدی از تو، عشاق مراست  
این دوئی با شد ز تسویلات ظن من توام، ای من، تودر وحدت، تومن  
چون خودی رادر رهم کردی رها تو مرا، خون من ترایم، خو نبها  
مصدری وما سوامشقی، تراست بندگی کردی، خدائی حق، تراست  
هر چه بودت، دادهای اندر رهم در رهم من هر چه دارم، میدهم  
کشتگان ترا، من دهم زندگی دو لت را تا ابد پایندگی  
شاه گفت، ای محرم اسرار ما محرم اسرار ما، از یار ما (به جبرئیل)  
گر چه تو محرم، بصا حبخا نه ای لیک تا اندازه ای، بیگانه ای  
آنکه از پیشش، سلام آورده ای و آنکه از نزدش، پیام آورده ای  
بیمجاب، اینک در آغوش من است بی تو، رازش، جمله در گوش منست  
از میان رفت، آن منی و آن توئی شد یکی مقصود و بیرون شد دوئی  
گر تو هم بیرون روی اولی تر است ز آنکه غیرت آتش، این شهپر است  
جبرئیل رفتت ز اینجا نکوست پرده کم شو در میان ما و دوست  
رنجش طبع مرا ما یل مشو در میان ما و دوست حائل مشو  
از سر زین، بر زمین آمد فراز وز دل و جان برد، جانان را نماز  
با وضوئی از دل و جان شسته دست چار تکبیری، بزد بر هر چه هست  
گشته پر گل، ساجدی عما مه اش غرقه اندر خون، نمازی جامه اش  
بر فقیه از آن رکوع و آن سجود گفت اسرار نزول، وهم صعود  
بر حکیم از آن قعود و آن قیام حل نمود اشکال خرق و التیام  
و آن سپاه ظلم و آن احزاب جور چون شیاطین مر نمازی را بدور  
تیر بر بالای تیر بیدریغ نیزه، بعد از نیزه، تیغ از بعد تیغ  
قصه کوته شمر، ذی الجوشن رسید گفتگو را آتش، خر من رسید  
ز آستین غیرت، برون آورد دست صفحه را شست و قلم را سر شکست

از شنیدن دیده، بی تابست و گوش شد سخنگوی از زبان من، خموش  
آنکه عمان را در آوردی ب موج گاه بردی در حَضِیض و گه به اوج  
نا له های، بیخودانه، بس کشید اندر اینجا، پای خود واپس کشید  
بیش از آن یارای در سفتن نداشت قدرت زین بیشتر گفتن نداشت  
شرمسارم از معانی جوئیش عذر خواهم، از پریشان گوئیش  
حق همیداند که غالی نیستم اشعری و اعتراضی نیستم  
اتحادی و حلو لی نیستم فارغ از اقوال بی، مغیستم  
لیک من دارم دل دیوانه ای با جنون خویش از خرد بیگانه ای  
گا هگا هی، از گریبان جنون سر بشیدائی، همی آرد برون  
سعیهها دارد پی خامی من سخت میکوشد، ببد نامی من  
لغزشی گرفت نی از قائل است آنهم از دیوانگیهای دل است  
منتهی چون رشته باشد با حسین (علیه السلام) شاید ای دانا کنی گر غمض عین  
قافیه مجهول اگر شد در پذیر و آن چه باشد شور و دور وزیر و پیر  
دل بسی زاین کار کرده است و کند عشق از این بسیار کرده است و کند  
چونکه از اسرار، سنگین بار شد نام او گنجینه اسرار شد

درس دیگر، عمل خُربن زیاد بود، که اگر چه سد راه امام معصوم شد ولی در اشتباه خود پافشاری نکرد و در زمانی که تشخیص داد که دینش وجه المصالحه دیگران است از لشکر یزدیان فاصله گرفت و به امام خود پیوست و الامعاند می شد. بنده فکر میکنم، حر از سیاسی کاریهای حکام زر و زور و تزویر به ستوه آمده بود و از آنجائیکه ملاقات اولی و دومی با دخت پیامبر، تنها جنبه تزویروریا داشت، والا... سند فدک فاطمه الزهرا که ملک تلک او بود را محترمانه تقدیم کرده و حق ولایت را به صاحبش (امیرالمومنین) واگذار و از کرده های خود ابراز ندامت کرده و از اطاعت هوای نفس و شیطان همچون حرسر باز زده و خود و دیگران را از معضلات دارین نجات می دادند و به توبه واقعی و خالصانه عمل میکردند. ولی آزادگان از اشتباه دیگران پند و عبرت

میگیرند و آنچه را خدا و پیامبر و امام معصوم تأیید میکنند را عمل می کنند تا انشا الله رستگار دارین شوند.  
درس دیگر اینکه:

آدمی از بی بصری بندگی آدم کرد گوهری داشت ولی خرج قباد و جم کرد  
یعنی از خوی غلامی زسگان پست تراستمن ندیدم که سگی پیش سگی سرخم کرد (اقبال)  
در اعتقادات مسلمین، اعتقاد به وحدانیت باری تعالی و یگانگی او و شریک قرار ندادن، کسی یا چیزی را با او توحید گویند و هر چیز که محبت آن بر محبت خداوند و اوامرش مقدم شود شرک است.  
بیش از چهار هزار سال است که انسان ها برای اینکه منطق خود را بر دیگری یا نژادی تحمیل کنند، درگیر قتل و کشتار و کشمکش می باشند ولی تنها راه صلح و آسایش، قبول قانون الهی است، حتی کسانی که می گویند، دین قانون جنگل است، معتقد به قانون جنگل هستند که اصول خودش را دارد.

لذا بدترین نوع زندگی، زندگی بدون قید و بند و قانون است و بهترین نوع زندگی، زندگی در لوای قانون اسلام است، در کشورهای اروپایی کم کم به تعالی قوانین اسلام پی برده اند و برای مثال قانون ارث اسلام و ازدواج و طلاق اسلام را از ضروریات

جامعه مترقی خود دانسته و از آنها پیروی می کنند که به مرور به بقیه حقیقت های آن خواهند رسید. انشاءالله بعضاً در انتخابات و تصمیم گیری های خود، متکی به عقل می باشند که چیز خوبی هم هست ولی آیا همه عقول از یک میزان بهره مندند یا عقل علماء و عوام و پیامبران و ائمه متفاوت است، اگر چنین است باید از عقل کامل که شامل عقول و اوامر پیامبران و ائمه اطهار است پیروی نمود تا هیچگونه پشیمانی در زندگی دنیوی و اخروی خود نداشته باشیم.

اینگونه کسان دارای بصیرت و بینش الهی شده و راه را از چاه تمیز داده و با پیروی از چراغ های هدایت (پیامبران و ائمه) به سلامتی به مقصد خواهند رسید.

در نقطه مقابل کسانی که از بصیرت الهی بهره ای ندارند، دائماً در شک و دودلی و تردید به سر برده و این شک او را به تاریکی و گمراهی و هوا و هوس دنیوی سوق داده تا جایی که نه از دنیا و نه از آخرت بهره ای نخواهد برد.

در تعقیب نماز مغرب از خداوند بصیرت در دین و یقین در قلب و اخلاص در عمل را استمداد می کنیم که هر کدام لازم و ملزوم یکدیگرند.

بصیرت در دین، یعنی در مسائل روزمره و تکراری غرق نشویم و سعی کنیم از یکنواختی به پویایی و شکوفا شدن برسیم و در این راستا احتیاج به دقت عمل و کیس و زیرکی داریم که معنای آن سیاست زندگی است که منطبق بر شرع و عقل می باشد نه اینکه سیاستی داشته باشیم که با قرآن و عترت در تضاد بوده باشند. در جنگ صفین آقا امیرالمؤمنین با معاویه بن ابوسفیان در جنگ بودند و شخصی به آقایمان امیرالمؤمنین عرض کرد. یا علی، معاویه خیلی سیاست دارد! حضرت علی علیه السلام فرمودند اینها شیطنت است نه زیرکی و من از او زیرک ترم.

کائنات افتاده دام علی است حضرت خضر خود تشنه نام علی است

نام مولا زینت عرش است اگر نام زینب، زینت نام علی است

دید مولایمان فقط به مقطع جنگ و حکومت چند روزه دنیا نبوده است و بصیرت ایشان تا قیامت و بهشت و جهنم را رصد می نمود. حب علی جنده، وصی المصطفی حقا، قسیم النار والجنه (محبت و دوستی علی علیه السلام سپری است در مقابل آتش، وصی و جانشین بحق پیامبر، و تقسیم کننده بهشت و دوزخ است. از طرف دیگر هر کس بمیرد، قبل از مرگ امیر المؤمنین را می بیند. (مو من با روی باز و کافر و منافق با ترش روئی) ای که گفتمی فمن یموت یرنی، جان فدای کلام شیرینت، کاش روزی هزار بار من، مردمی تا بدیدمی رویت. علی کسی است حضرت خضر، در زمان حضرت موسی علیه السلام، اقرار به پیروی او و فرزندانش داشته و کرامات الهی را بسبب پیروی کامل از طریقت و شریعت و حقیقت علی علیه السلام می داند. و پیروانش در زندگی گذرای دنیا مصداق بارز این بیت هستند. در طریقت، هر چه پیش سا لک، آید خیر اوست در صراط المستقیم، کسی گمراه نیست

در آن شرایط سخت جناب عماره یاسر که از یاران مخلص و همیشگی امیرالمؤمنین علیه السلام بود، به روشنگری افراد کم بصیرت پرداخت و به افراد متزلزل و دمدمی مزاج، حقیقت را بازگو می کرد و در این راه جان خود را از دست داد.

او می گفت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از طرف خداوند برگزیده شده است و اولی و دومی غاصب خلافتند و سومی با تزور و خدعه بر روی کار آمده است و ابوسفیان که پیرمردی نابینا شده بود، در جلسه ای که عثمان و معاویه و چند نفر دیگر از بنی امیه حضور داشتند، سوال کرد آیا غیر از بنی امیه کس دیگری هست و چون مطمئن شده تأکید نمود که رسالت پیامبر را حکومت و پادشاهی به حساب آورید و سعی کنید آن را دست به دست دهید و از بنی امیه خارج نشود.

لذا معاویه که در زمان عثمان دارای موقعیتی بود، از امکانات بیت المال بی حد و حصر بهره مند شد و از همان زمان شیطنتهای ایشان شروع و برنامه ریزی شد، لذا اگر چه سقیفه بنی ساعد، اولین جلسه خیانت به مسلمین بحساب می آید (بر حسب ظاهر، در صورتیکه در حجه الوداع، در مکه نقشه قتل پیامبر بخاطر خیانت عایشه و حفصه از ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین توسط فرشته

وحی به رسول الله سقیفه اولی بوده است. که بحمدالله موفق نشدند) ولی، ترفندهای معاویه که تا زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام به طول انجامید و حکومت استبدادی از ضرباتی که بر پیکر اسلام و خصوصاً تشیع وارد آورد، هنوز تاثیرات آن را در جوامع اسلامی شاهدیم.

موجی به جنبش آمد و برخاست کوه، کوه ابری به بارش آمد بگریست زار، زار

در نامه ای ابوبکر به پدر خود نوشت که مردم مرا برای کهولت سن، بعد از پیامبر انتخاب کردند(و الا از من با فضیلت تر و با علم تر بود) پدرش در جواب نوشت اگر سن مطرح است من که پدر تو هستم به امر خلافت سزاوارترم. ولی حقیقت مطلب در این بوده است که کسانی که ایمان در قلبشان رسوخ نکنند موقعی که فتنه ای پیش آید یا فرصت طلبی می کنند و یا از صحنه خود را فرار می دهند.

پس از فوت ابوبکر، خلیفه زور و تزویر با عده و نیروئی که از قبل تهیه دیده بود و به آنها وعده و وعید داده بود برسر کار آمد و خود بارها اقرار نمود که اگر علی علیه السلام نبود، عمر هلاک می شد تا اینکه در بستر مرضی به او گفتند حقیقت را بگو و خود و دیگر پیروانت را از دست آتش جهنم نجات بده، او گفت النار و لا عار(یعنی من آتش را بر ننگ و عار ترجیح می دهم) و پس وی چنانچه می دانید قدرت ظاهری به دست عثمان و امویان افتاد و تا جائیکه توانستند به دنیاطلبی خود ادامه دادند که منجر به شهادت امام حسین علیه السلام و هفتاد یک تن از یارانش و اسارت فرزند کبار و خانواده اش انجامید که امام حسین در یکی از سخنان خود به لشکریان یزیدی در حال اتمام حجت بود که شمر لعنت الله علیه به امام گفت تو تا زمانی دیگر کشته خواهی شد و امام فرمودند این خبر را پیامبر از قبل به من دادند که تو به دست سگی از بنی امیه به شهادت خواهی رسید. در تاریخ می خوانیم که شمر لعنت الله علیه از یاوران امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ صفین بوده و حتی جزء جانبازان بوده و در جنگ نهران جزء توابین می شود که از کشته شدن نجات پیدا کند و از آنجا به لشکر معاویه می پیوندد و بعضاً حافظ قرآن بوده ولی بصیرتی نداشتند و هدفشان در این بوده که از دیگران عقب نمانند و دین لقلقه زبانشان بود و به آن احاطه داشتند تا منافعشان تامین شود. ولی به محض اینکه احساس ضرر مالی یا جانی می کردند، با دین کاری نداشتند. قرآن در سوره اعراف می فرماید برای ایشان قلب هست ولی ایمان ندارند و برایشان گوشی هست ولی حرف حق را نمی شنوند و برای ایشان چشم هست ولی با آنها چیزی را نمی بینند بعضی کور دلند.

بصیرت و بینایی با تفکر و تحقیق و منطق و علم و درایت و آینده نگری اجین است و از پیروی کورکورانه و برای بدست آوردن مطامع دنیوی زندگی جاویدان خود را برای چند روز دنیا از دست نمی دهند.

ابو الفضل العباس علیه السلام: برادر بزرگوار آقا امام حسین علیه السلام هستند، که با وجود اینکه از پدر یکی و از مادر دوتا بودند، به مردم جهان درس وفا داری به برادر و امام برحق خود آموختند. و ثابت نمودن، برادری به وفاداری و رعایت حدود الهی است، نه به عده و عوده(تعداد و ظاهر). زیرا یوسف یازده برادر داشت و همگی بر علیه او شدند، و آقا ابا عبد الله در کربلا یک برادر داشت، که افضل از یازده برادر یوسف بودند، چون در زیارتشان می خوانیم السلام علیک ایها العبد الصالح المطیع لله و لرسوله.....

با ید این دیده و این دست دهم قربانی تا که تکمیل شود، حج من و تقدیرم نام ابوالفضل و صاحب الزمان هر دو روی حروف ابجد ۳۳۱ می شود.

شاعری در این مورد می گوید :

دامن علقمه و باغ گل یاس یکی استقم هاشمیان بین همه ناس یکی است  
سیر کردم عدد ابجد و دیدم به حساب نام زیبای اباصالح و عباس یکی است  
باید این دیده و این دست دهم قربانی تا که تکمیل شود، حج من و تقدیرم

خوش است غمزه، دریغا که جاودانی نیست پس اعتماد بر این چند روز فانی نیست

پس اعتماد بر این چند روز فانی نیستخوش است عمر، دریغا که جاودانی نیست

در حدیث قدسی آمده است، دین اسلام همچون درخت ثابتی است در زمین، که ریشه این درخت، ایمان (اعتقادات قلبی و اعمال صالح) است و تنه و ساق آن، نماز است و آبیاری آن انفاق و خمس و ذکاه است و شاخه آن روزه و برگ آن حسن خلق و میوه اش تقوا (اجتناب از حرام و گناه و عمل به واجبات و ترک محرمات) است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر کس بخواهد از شرفتنه ها در امان بماند باید به ولایت امیرالمؤمنین تمسک بجوید.

و فرمودند: یا علی اگر خداوند به وسیله تو یک نفر را هدایت کند، برای تو بهتر است از دنیا و آنچه در آن است.

و به علی علیه السلام فرمودند: علی را بعد از خودم برای شما خلیفه قرار دادم تا زندگی مسلمانان را شکوفا کند و مظلومان را پناه باشد و حدود خداوند را بر تجاوزکاران به پا دارد.

حسین بن علی علیه السلام آنچه بصیرت و آگاهی و اتمام حجت باید برای یزیدیان اعلام کنند، انجام دادند من جمله اینکه ان لم یکن لکم دین و کنتم ولا تخافون المعاد فکونوا احواراً فی الدنيا: اگر دین ندارید و از معاد نمی ترسید، لا اقل در دنیا آزاده باشید.

درس آزادی بدنیا داد افکار حسین (علیه السلام) بذر همت در جهان افشاند رفتار حسین (علیه السلام)

و به شیعیان خود سفارش کرد:

ای شیعیان من اگر آب گوارا نوشیدید پس مرا یاد کنید و یا اگر نام (خبر) غریب یا شهیدی را شنیدید، پس بر من بگیرید، من فرزند پیامبر هستم، که بدون جرمی مرا کشتند و بعد از کشتن من با اسبهای چالاک استخوانهای مرا نرم نمودند، ای کاش شما روز عاشورا نظاره گر من بودید که چگونه برای کودکم طلب آب کردم و آنها (یزیدیان) به من رحم نکردند. درس این فراز رقت قلب و ترحم است، نه قسی القلب و بی رحم بودن، بخصوص در برابر ذریه معصومین و محبان و مدعیان محبانشان.

قال الصادق علیه السلام: من بکی او ابکی او تباکی علی الحسین مجبت له الجنة (هر کس گریه کند یا بگریاند یا ششیه گریه کنندگان در آید، برای حسین علیه السلام، بهشت بر او واجب می شود). (لازم به تذکر است این روایت را در کنار آیات قرآن باید قرار داد و به هر دو عمل کنیم)

ماه محرم اولین ماه سال قمری است و در گذشته در این ماه جنگ حرام بود (و هم اکنون) چرا که شروع سال با شادی و سرود و جشن برگزار می شد همانند ماه فروردین سال شمسی ما ایرانیان ولی بنی امیه لعنت ابدی را بر خود و نیکان و آیندگانشان خریدار شدند و با بشهادت رسانیدن آن امام همام ماه محرم را با حزن و غم و اندوه و اشک و آه توأم نمود که می خوانیم

باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین

بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است

جن و ملک بر آدمیان نوحه می کنند

گویا عزای اشرف اولاد آدم است

گر چشم روزگار به روزار می گریست

خون می گذشت از سر ایوان کربلا

روزی که شد به نیزه سر آن بزرگوار

خورشید سربرهنه برآمد ز کوهسار  
 عرش آن زمان، به لرزه درآمد که چرخ پیر  
 افتاد در گمان که قیامت شد آشکار

مسئله کربلا یک حادثه یا واقعه نبود بلکه یک فرهنگ بود که استاد آن حسین بن علی علیه السلام است.

پیامبر اکرم فرمودند: هر کس حسن و حسین و فرزندان آنها را با اخلاص دوست بدارد، آتش جهنم بصورتش نمی خورد و هر چشمی در روز قیامت گریان است، مگر چشمی که در مصیبت حسین اشک بریزد، خداوند به عوض شهادت امام حسین علیه السلام امامت را در نسل او، شفا را در تربت قبر او و اجابت دعا را در زیر قبه او قرار داد.

عالم همه محو گل رخسار حسین استذرات جهان در عجب کار حسین است  
 دانی که چرا خانه حق گشته سیه پوشی یعنی که خدای تو، عزادار حسین است  
 امام رضا علیه السلام فرمودند:

برای مثل حسین علیه السلام باید گریه کنند که گریه بر او گناهان بزرگ را پاک می کند و رسول خدا فرمودند: همانا حسین دری است از درهای بهشت، کسی که با او دشمنی کند بوی بهشت را خداوند بر او حرام می کند.

و فرمودند: انا من حسین و حسین منی: من از حسینم و حسین از من است  
 روشن جهان ز نور جمال محمد استخرم ز چشمه های کمال محمد است  
 ما دست کی ز نیم، به دامان دیگران تا دامن محمد و آل محمد است

ائمه اطهار علیهم السلام دنیا در نظرشان کوچک بوده است و کرامت انسان بزرگ خود را مبتلا به معصیت و گناه نکردند چون معصیت ابدیت و آدمیت انسان را تحلیل می دهد.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشقش است در جریحه عالم دوام ما

افرادی که دارای بصیرت هستند نگاهی سطحی ندارند، بلکه نگاه هایشان جامع و عمیق به مسائل قرآنی است.

شب عاشورا امام حسین علیه السلام به یاورانشان فرمودند اگر کسی حق الناسی در زندگی اش است یا بدهکار مردم است من بیعتم را از او بر می دارم و راضی نیستم بگویند، یاران حسین به ما بدهکار بودند و فرمودند: پیرو ما خانواده کسی نیست که مال مؤمن را از راه حرام بخورد.

و پدرشان امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: اعتماد کردن به افراد، قبل از آزمون و امتحان وی ساده لوحی است.

و قال امام سجاد علیه السلام: إِنَّ لَعَمَى الْعَبَّاسِ دَرَجَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَغِيْطُهُ جَمِيعُ الشَّهَدَاءِ

امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: همانا برای عمویم حضرت عباس علیه السلام در روز قیامت درجه و مقامی است که همه شهدا به حال او غبطه می خورند. وایشان دارای بصیرتی نافذ بودند که این نوع بصیرت اطلاق شده است باینکه میدید آنچه امام می دیدند و اگرچه امام نبودند ولی قرین عصمت بودند. به همین دلیل تا آخرین نفس و تا آخرین قطره خونشان به امام و برادرشان وفادار بودن اسلام علیک یا عبد الصالح المطع لله وللرسول.....

و از معصوم علیه السلام رسیده است، کسی که به عمد زیارت آقا اباعبدالله الحسین را ترک کند، عاق پیامبر اکرم خواهد شد.

و اما وراثت آقا امام حسین بهترین وراثت، از نظر پاکی، خداوند تعهد کرده است که رجس و پلیدی را از اهل البیت دور کند. جد بزرگوارشان خاتم پیامبران، پدرشان اولین امام و جانشین پیامبر و مادرشان باعث مباهات جهانیان، مخصوصاً پیامبران و ائمه اطهار و برادرشان دومین امام معصوم و خواهرشان علل مبقیه کربلا (زیرا کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود) و نه فرزندشان امام برحق، که آخرینشان علاوه بر امام بودن، مصلح و عدالت گستر و احیا کننده دین و..... جهان خواهند بود.

## درس های عاشورا به نظر بنده حقیر شامل موارد زیر است .

### ۱- درس کمک و یاری کردن دین:

ان نصرکم الله ینصرکم : اگر دین خدا را یاری و کمک کنید، خداوند هم شما را یاری خواهد کرد. که آقا اباعبدالله برای یاری دین خدا هجرت کردند و فرمودند اگر دین محمد به جز با کشته شدن من تحقق پیدا نمی کند پس ای شمشیرها مرا بگیرید. کسیکه محبت امیرالمومنین علیه السلام و ذریه او را دردل داشته باشد مومن است، و کسیکه عداوت ایشان را داشته باشد کافر است. علاقه و محبت به اهل البیت موجب عزت و دوستی و دشمنی با این خانواده موجب خضلان و خواریست در دنیا و آخرت. حتی در موقع فوت و برزخ و قیامت عزتی اگر هست از برکت اهل البیت است (ولی نسبت به صاحب الزمان علاقه و احترام بیشتری باید قائل شویم) (اگرچه کلهم نورواحدند)

امام صادق علیه السلام میفرماید، اگر زمان او را درک کنم حاضرم تمام عمر در خدمت ایشان باشم و در فکر ایشان گریه و زاری میکردند.

### درس ظلم ستیزی و اجتناب از پذیرش ظلم:

۲- ظلم ستیزی با کفار و منافقین: در مقابل ظلم و ستم و زورگویی تا پای جان استقامت ورزید. و فرمود من زندگی با ظالمان را جز ذلت و خواری نمی دانم و کشته شدن در راه آزادگی را جز رستگاری نمی دانم. ظلم ستیزی آنقدر تاکید شده، که بر قبور منافقین نه توقف کنید و نه نماز بخوانید. (چون منافقین از کفار بدتر و خطرناکترند، چون دروغگویشان کمترین نکبتشان است)

۳- تعیین و تائید اسلام: در راه رسیدن به هدف از اتمام حجت و هدایت دیگران چه در راه رسیدن به کربلا و چه در مقابل لشکر یزید و فرماندهانش به عنوان امر به معروف و نهی از منکر دست از این ضرورت دین برنداشت. و می فرمود: هر گز هدف، وسیله را توجیه نمی کند .

۴- اتمام حجت: در روز عاشورا شروع کننده جنگ، لشکر یزدیان بودند و حتی قبل از روز عاشورا موقعی که خُرد راه امام شده از طرف یاران امام پیشنهاد جنگ داده شد ولی ایشان ابتداء به جنگ را نپذیرفتند.

۵- آزادگی، و آزاد اندیشی و آزادیخواهی: به زور، یاران را در صحنه جنگ نگه نداشتند و حتی پیشنهاد نمودند از تاریکی شب می توانید استفاده کرده و از صحنه گریز نمایید. آنان که ماندند، جایگاه خود را در بهشت دیدند. به همین دلیل شب عاشورا همه شاد بودند و حتی با یکدیگر شوخی می کردند.

۶- یقین کامل: با یقین عمل کردند و دیگر هرچه تکلیف است باید انجام داد و در این راستا خوف و ترسی و نگرانی نداشتند. إِنَّ اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون. (همانا کسانی که دوست خدایند نه ترسی دارند نه غصه ای). میوه یقین، توکل، اخلاص، تحمل مصیبتهاست و یقین انسانها موقعی تحقق می پذیرد که به اصلاح نفس پرداخته باشد. در حکایت حضرت ابراهیم علیه السلام که از خداوند متعال سؤال می کنند، زنده شدن چگونه است؟ و خداوند می فرماید مگر ایمان نداری؟ ابراهیم میگوید، ایمان دارم و لکن لیطمئن قلبی. لذا خداوند دستور میدهد، چهار مرغ (طاوس، خروس، کلاغ، و کبوتر) را سرشان را برد و تن آنان را مخلوط کرده و آنان را در بالای قلعه ده کوه قرار دهد و سرهای آن چهار مرغ را در دست گرفته و هر کدام را جدا گانه صدا کند. و ابراهیم علیه السلام چنین کرد، و به قدرت پروردگار اجزا و اعضای هر مرغ به سر خودش می پیوندد و یقین حضرت ابراهیم کامل می شود. در تفسیر است که چهار مرغ مذکور هر کدام دارای صفت زشتی هستند، طاوس دارای صفت قبیح تکبر است، همان صفتی که شیطان رابعده شش هزار سال عبادت رانده در گاه الهی نمود. و خروس دارای صفت زشت شهوت پرستی است و کلاغ

دارای صفت زشت آمال و آرزوهای طولانی است و کبوتر دارای صفت قبیح لهُو و لعب است و انسان کامل همه امور نفسی را در اختیار خود دارد نه اینکه تابع آنها باشد. و امام حسین علیه السلام به یقین رسیده بودند، زیرا اسوه آیه یا ایتهل النفس المطمئنه ارجی الی ربک راضیتا مرضیا فدخلی فی عبادی والدخلی جنتی (ای نفس مطمئن بیا بسوی پروردگارت که او از تو راضی و خشنود است، پس داخل شو جزء بندگام و داخل شو در بهشت خودم. در قرآن کریم یکی حضرت ابراهیم و دیگری حضرت امام حسین (طبق آیه مذکور) را بعنوان نمونه افرادی که به یقین رسیده اند مطرحند. کسانی که در صد اصلاح نفس خود هستند، و از خرد گرائی و عقلمندی استفاده می کنند، به یقین میرسند. موانع یقین شش مورد است که بطور اختصار عبارتند از: ۱- عجب و غرور ۲- مزاح و شوخی بیش از اندازه ۳- همنشینی با افراد نادان ۴- غضب ۵- گوش نکردن به گفتار خردمندان و سالمندان با تجربه ۶- پرحرفی، یکی از آفتهای پرحرفی، کم عقلی و خطا و گناهان زبان است. و پرحرفی روی عقل انسان، اثر منفی میگذارد.

درسی دیگر از عاشورا، رَجَز خوانی یاران آقا اباعبدالله الحسین و خود ایشان می باشد و کسانی رجز می خوانند که اولاً شجاع بوده و هیچ ترس و واهمه ای از مرگ نداشته باشند و ثانیاً دارای فضیلت های خانوادگی بوده باشند، که در روی زمین جزء آقا اباعبدالله الحسین در آن روز با فضیلت تر و عالم تر و شجاع تر و محقق تر از ایشان بر خلافت حقه جد بزرگوارشان نبود و پیروی همه مسلمانان از ایشان واجب بود و امتناع و سرپیچی از ایشان موجب خزلان، دنیا و آخرت خواهد شد.

۸- فرماندهی: مدیریت خانواده و سپاه را به بهترین آرایش و توصیه ها سفارش و اسقرار دادند به طوری که فرمانده یمین و یسار و قلب لشکر را تعیین نمودند و در لحظه آخر که از حضرت زینب پیراهنی خواستند و پیراهنی تنگ برای ایشان آورده شد، قبول نکردند و پیراهن راحتی خواستند.

۹- بصیرت: با بصیرتی که داشتند و بنا به مصالحی حضرت سجاد علیه السلام مریض بودند رسالت اسراء را به خواهرشان زینب واگذار نمودند و ایشان را علت باقیه تعیین نمودند و کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود ولی با افشاگری حضرت زینب کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا را محقق نمودند.

۱۰- رعایت حدود و حکم الهی: رعایت موازین شرعی و حدود الهی در بدترین شرایط جنگی و آن خواندن نماز بود که منجر به شهادت چند نفر از محافظین گردید. لذا نماز اول وقت را برای هیچکاری نباید به تاخیر انداخت (مگر حفظ مال و جان و آبرو) و نماز امام برای حفظ دین بود که از مال و آبرو و جان مقدم تر است.

۱۱- لقمه حلال: کسانی که لقمه هایشان حلال و طیب است از فکری و بصیرتی پاک برخوردارند و فکری شفاف و سالم دارند، اثر لقمه حلال قبول حق و حقیقت است. لذا موعظه و نصیحت و ارشاد را دوست دارند، اگرچه به اهدافشان نرسند. و برعکس کافر همه را به کیش خود می پندارد. اگر کسی از راه حرام و گناه بخواهد به مقصد برسد، هرگز نمی تواند به مقصد برسد، زیرا ید الله فوق اید یهم (دست قدرت الهی بالاترین دستهاست).

۱۲- وفای بعهده: وعده خداوند حق و حتمی است، ولی وعده شیطان و سلاطین و صاحبان ظلم و جور سراب است، لذا آنچه امام به یارانش گفت محقق شد ولی آنچه به یزیدیان وعده داده بودند یا وفا نکردند و یا به حداقل دهان آنها را بستند. شرف و دین خود را یزیدیان فروختند که چی بخرند.

۱۳- مقدس مآبی: دینداری که دچار یک سری کارهای روزمره گی و تکرار و صرفاً جهت ثواب و اجر آخرتی و کسب بهشت باشد تا جائی که به خود و مال و خانواده اش کوچکترین ضرری نرسد و سعی کند در کسب دنیا از دیگران عقب نماند منجر به کوردلی و بی بصیرتی شده و حداقل راضی به ظلم و جور ظالمین خواهد شد ولی آقا اباعبدالله درس بصیرت در دین و توجه به احکام و آیات الهی با درک کامل آن را به بشریت آموزش داد.

حسین فرمودند: اگر مردم مرگ را آنگونه که باید و شایسته است، درست درک می کردند و به امام آن می اندیشیدند هر آینه

دنیا خراب می گشت.

من بزودی می روم و مرگ بر انسان جوانمرد عار نیست، مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است.

۱۴- اتمام حجت با یاران: در شب عاشورا، تاریکی شب بر همه جا سایه افکننده و سکوتی عمیق همه را به فکر فرو برده بود، تنها صدایی که به گوش می رسید، کلمات روحبخش و دل انگیز مردی بود که از اعماق وجودش سخن می گفت و چون سخنانش از ایمان کامل و ولایت علی بن ابیطالب و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نشأت می گرفت بر جسم و جان اثر می گذاشت.

۱۵- مدیریت بحران: امام می گفت بیعتم را از شما برداشتم به هر کجا می خواهید بروید، از تیرگی شب استفاده کنید، فردا روز جنگ است و مسلم هر کس در در اینجا بماند کشته خواهد شد، تصور نکنید فردا بر دشمن پیروز می شوید و غنیمت به چنگ می آوری و به حکومت و سلطنت می رسید. اگر شرم و حیای شما از من مانع از آن است که مرا ترک کنید، سرم به زیر می اندازم تا آزادانه به هر کجا می خواهید بروید و جان خود را نجات دهید. از این فراز نتیجه می گیریم در این شرایط حساس امام با کمال صداقت و راستی با حاضرین سخن گفتند و این خود درسی است در شرایط سخت زندگیمان با دیگران.

۱۶- نقض عهد در مقابل امام معصوم: گروهی آرام آرام در دل شب از نظرها ناپدید شدند، لحظاتی بدین منوال گذشت و سرانجام عده ای که تن به قضای الهی سپرده بودند و مرگ را با آغوش باز پذیرفته بودند ماندند، درسی می گیریم که عهد ناستن به از آن است که ببندی و نپائی.

۱۷- وفاداری یاران: امام پس از فرونشستن همه ها، سر برداشتند و خطاب به یاران فداکار و جانبازان رشید خویش فرمودند: عزیزان من، سپاهیان یزید با من جنگ دارند و مقصود آنها این است که مرا از پای در آورند، شما خون خود را مریزید و به دیار خویش بازگردید ناگهان خروشی از جمعیت مانده برخاست و همه یک دل و یک زبان گفتند آیا برویم و شما را به دشمن واگذاریم، آیا ما زندگی کنیم و سپاهیان پلید یزید، دستهای ناپاک خود را به خون شما بیالایند، مرگ برای ما از این زندگی گوارتر است. از این فراز استفاده می کنیم که همانطوری که پیامبر به مؤمنین از خودشان اولی تر بوده است چه برسد به ماه و مقام و آبرویشان

ما شیعیان بایستی در پیاده شدن اوامر الهی و پیامبر اکرم و مراجع محترم، خواسته های آنان را بر خود مقدم بدانیم و مطمئن باشید که هم در دنیا و هم در آخرت چندین برابر جبران خواهد شد.

۱۸- خدعه دشمن: روز عاشورا علمدار لشکر ابوالفضل العباس بودند و حتی شمر امان نامه ای برای حضرت عباس آورد که ایشان جواب دندان شکنی به وی دادند ولی شرمنده امام حسین علیه السلام شد، درسی که از این فراز می گیریم افرادی مانند شمر که برای دنیا خود از دروغ و تزویر و دین فروشی و قتل نفس زکیه ابائی ندارد، فکر می کنند بقیه هم قابل خریدند و در صورتی که زهی خیال باطل که قیمت حضرت عباس از صدها لشکر یزدیان بالاتر بوده و هست.

۱۹- تشنگی: حالتی بود که در آن روز گرم تاب و توان را از همه بخصوص کودکان و رزمندگان عاشورا گرفته بود. ولی محروم شدن از آب، کامیاب شدن را به دنبال داشت زیرا کلمه محرومیت بار منفی دارد. هیچکس دوست ندارد محروم باشد، اما اگر محرومیت را در مقابل اشباع و قبل از کامیابی قرار دهیم نه تنها بار منفی نخواهد داشت بلکه وجودش ضرورت هم پیدا می کند، لذا گفته اند:

آب کم جوی تشنگی آورد بدستتا بجوشد آب از بالا و پست

۲۰- سقای کربلا: حضرت عباس برادر ناتنی امام بودند ولی خدمات وفداکارهایشان از بعضی از برادران تنی ستوده تر بود، چون معرفت امام شناسی ایشان کامل بود. عباس بمعنای شیربیشه است. و این لقب بخاطر تبحر در جنگ و ستیز با دشمنان بوده بطوریکه بعضی او را

در نبرد با امیرالمومنین شبیه کردند. نام دیگر عباس قمر بنی هاشم (ماه بنی هاشم) و نام دیگر ایشان علمدار کربلا، بطوریکه تمام پرچم و دسته پرچم سوراخ سوراخ شده بود ولی محل گرفتن پرچم سالم که حاکی از قدرت علمدار است. در وصف او ژولیده شاعر معاصر چنین سروده است:

چشم هاز هیبت من در تاب بود محو چشمم، چشمها و چشم من بر آب بود

چشم گفتم، چشم دادم، چشم پوشیدم ز آب من سرا و پا چشم و چشمم جانب ارباب بود مأوریت حضرت ابوالفضل العباس برای آوردن آب از طرف امام و برادر بزرگوارشان ابوالفضل العباس شیرمردی بود که کسی جرأت مبارزه کردن با ایشان را نداشت. و برای آوردن آب چند مشک آب به فرات برد و با تشنگی زیاد به توصیه پدر بزرگوارشان در ماه مبارک رمضان و احترام امام خود از خوردن آب امتناع ورزید تا از کوثر و آب حقیقی سیراب گردد. پس از پر کردن مشک ها به طرف خیمه ها حرکت نمود که چند پلید شیطان صفت با کمین نمودن در پشت نخها و تیراندازی و محاصره نمودن ایشان بطور ناجوانمردانه دو دست ایشان را قطع نمودند ولی با قدرتی که ایشان داشتند با مهارت سواری که داشتند با دندان های مبارکشان مشک آب را گرفته و به خیام اباعبدالله الحسین حرکت نمودند و امیدوار بودند، تا جایی که نامردی تیری به مشک پرتاب نمود. و با کمین نمودن دشمنان از راه دور به تیراندازی و حملات شمشیر و نیزه در حالی که ایشان را محاصره نموده بودند، ناجوانمردانه دو دست ایشان را قطع نمودند و نهایتاً به شهادت حضرت ابوالفضل علیه السلام انجامید، در حالی که لب تشنه بود و در فرات اگرچه می توانست آب بنوشد ولی به احترام برادر بزرگوارشان صرف نکرد. امام سجاد علیه السلام فرمودند، خداوند رحمت کند عمویم حضرت ابوالفضل العباس را، که با ایثار و جانبازی، خود را فدای راه برادرش نمود تا اینکه دستها یش قطع و شهید گردید. و دو بال به او عنایت شد، تا با ملائکه در بهشت پرواز نماید.

هر گل که شکفته شد گل یاس نشد هر سنگ درخشنده که الماس نشد

آمد به جهان فزون علمدار سپاه در رتبه کسی حضرت عباس نشد

در زیارتنامه ایشان می خوانیم السلام علیک یا عبد الصالح المطیع لله ولرسوله ولامیرالمومنین سلام بر توای بنده صالح خداوای کسیکه مطیع پیامبر و امیرالمومنین و امام زمان خود بوده ای، بطوریکه در سن ۳۵ سالگی آثار سجده در پیشانیش آشکار بود، و در همه زمینه ها بصیرت نافض داشتند و اگر چه امام نبودند، ولی در ذهد و تقوا و علم و قدرت و ذکاوت زبان زد بودند. بطوریکه خواسته های مردم بعضاً بوساطت ایشان توسط امام حسن مجتبی و امام حسین علیهم السلام به اجابت میرسید. دیگر اوصاف و کرامات آن بزرگوار آنقدر زیاد است که خود کتاب جاگانه ای را می طلبد.

عدد عباس (علیه السلام) به حروف ابجد ۱۳۳ می باشد که مطابق است با کلمه باب حسین (علیه السلام) و کلمه صاحب الزمان و از ختم های مجرب آنست که اگر کسی حاجتی دارد در یک مجلس یکصدوسی و سه مرتبه بگوید: یا کاشف الكرب عن وجه الحسین اکشف کربی بحق اخیک الحسین علیه السلام (ای برطرف کننده اندوه از چهره حسین، برطرف کن اندوه مرا بحق برادرت حضرت حسین علیه السلام) خداوند حاجتش را بر آورد.

(سحاب رحمت - صفحه ۴۹۸)

۲۱- شهادت: شهادت شهادت است، آخرین فردی که در مقابل یزیدیان حمله کرد و از حریم اسلام محمدی و خیاماهل البیت دفاع کرد، امام حسین علیه السلام بودند که هفتاد و یک تن شهید را شاهد بودند و برای اتمام حجت نهایی از قدرت لدنلی استفاده نمود که با هر حرکت و حمله فوج لشکر یزیدیان راقع و قمع می نمود و کسی جلودار ایشان نبود تا جایی که فرماندهان لشکر نزد عمر سعد آمدند و گفتند ما قادر به کشتن حسین بن علی علیه السلام نیستیم، عمر سعد لعنت الله علیه ایشان را تحقیر نمود و گفت چگونه ممکن نیست، گفتند او فرزند علی علیه السلام است و کسی را یارای مبارزه با او را ندارد، لذا با ناجوانمردانگی از دور و

نزدیک با شمشیر و سنگ یکباره بر آن بزرگوار حمله ور شدند و کاری کردند که شیطان را مسرور نمودند. و در این راستا بی حیایی را به حد اعلا رساندند که بعضی از وقایع عاشورا را مانند جسارت ساربان جهت بردن غنائم قلم از ادای آن قاصر است ولی در زیارت ناحیه مقدسه که یکی از زیارات مشهور و مطلقه امام حسین علیه السلام است. این زیارت از امام زمان علیه السلام صادر شده و صحنه کربلا و حادثه بزرگ عاشورا را به زیباترین وجه در مقابل چشمان اشکبار و قلب داغدار شخص زائر مجسم می نماید و او را در متن واقعه عاشورا قرار می دهد و آنگاه که سراسر وجود انسان را سرشار از عشق و معرفت کرده، جانش را تولی و تبری مأنوس می سازد و سلام بر امام حسین علیه السلام و یارانش و بیزاری از یزید و یزیدیان تاریخ را ورد قلب و زبانش می نماید، مزد سالار شهیدان علاوه بر احیای دین جدشان و استمرار راه و روش ایشان و دیگر ائمه اطهار تا ظهور آخرین ذخیره ولایت، و خداوند شفای امراض را در تربت قبر او (نشانه تربت حقیقی ایشان این است که روز عاشورا آلوده به خون میشود) و اجابت دعا را در زیر قبه او (انشاء الله) و شفاعت امت جدش را (به شرط اینکه حق الناس بگردنشان نباشد) در قیامت قرار داده است .

۲۲- پناه رانده شدگان:

هر کسی از هر دری رانده شده و از همه کس مأیوس باشد، پناهگاهشان مقدماً اهل البیت هستند و نهایتاً خداوند متعال، لذا هر کسی بطریقی به دین الهی وصل شود و محکم آن را بگیرد و از حریم دین دفاع نماید، خداوند متعال او را آنقدر قدر و منزلت و اعتبار می دهد که در زمین و آسمان از او با عظمت یاد کنند. و امام حسین علیه السلام الگو بوده و هست.

۲۳- رنگ دین:

بهترین رنگها در دنیا و آخرت، رنگ بندگی و دینداری واقعی است و چه زیباست شخص دیندار که رنگ عوض نکند و در هیچ شرایطی دین به دنیا نفروشد و امام حسین علیه السلام در این مورد هم الگو و اسوه بوده و هست. سربلندی ار که خواهی با همه یک رنگ باش\*\*\*قالی از صد رنگ بودن زیر پا افتاده است

۲۴- عبودیت واقعی: عبد واقعی سه نشانه دارد .

عبد واقعی ، خودش را مالک نبیند بلکه ، خود را امانت دار بداند .

عبد واقعی ، هر چه در زندگیش پیش آمد (موارد غیر منتظره و غیر پیش بینی شده) پیش آید را مصلحت خدا میداند، و غم و غصه ای ندارد .

عبد واقعی ، در هر زمان و در هر مکان ، راضی به رضای خداست . در غیر اینصورت تو در بند خویشی ، نه در بند دوست و خلاف طریقت بود که از خدا، جز خدا طلب کند. لذا امام حسین علیه السلام عبودیت خود را از طفولیت الی عرفه والی کربلا به سرحد نهایت رسانیدند، تا جائیکه خداوند متعال آیه یا ایتهل النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیتا مر ضیه فدخلی فی عبادی و دخلی جنتی (ای نفس مطمئن که به حقیقت عبودیت و بندگی رسیدی، پیوند به دیگر بندگانم و داخل شو در بهشت خودم) را به وی اطلاق کرد .

۲۵- تقوا:

کسی که شیرینی گناه را تعطیل کند به تقوا می رسد.

گناه لذت آنی و زودگذر دارد، ولی خستگی گناه طولانی و عذاب آور است . تا مادامیکه توبه کند و به شرایط توبه همچون حرّ عمل کند.

بنده ای که تقوا ندارد، بد دل است و کینه توز و این شخص همچو ظرف کثیفی است که هر چه داخل آن ریخته شود، اگر تمیز و مرتب و شیرین و گوارا باشد به علت کثیفی ظرف آن چیزهای تمیز را هم آلوده و کثیف می کند، مثل ثروت حلال و پاک که آمیخته به ثروت حرام و کثیف شود، همانند ویروس همه آنها را بی برکت و حرام می کند تا مادامیکه آنچه حرام و مال کثیف بوده

از ثروت حلال و پاک خارج شود.

۲۶- پختگی:

مراحل پختگی هر چیزی با گرم شدن و داغ شدن و پخته شدن است، ولی بعضاً در مرحله گرم شدن می رسند و متوقف می شوند و مجدداً سرد می شوند.

و بعضاً در مرحله داغ شدن می رسند و متوقف می شوند و مجدداً سرد می شوند.

ولی بعضاً دو مرحله قبل را طی طریق نموده و به مرحله پختگی می رسند، حال اگر سرد شوند، دیگر به خامی بر نمی گردند، لذا افرادی که در دینداری پخته شوند و مراحل اعتقادی خود را به یقین برسانند، محال است دیگر به بی ایمانی نزول کنند، مگر در مراحل تحقیق و شک که همان گرم شدن است، بوده باشند. آقا امام حسین علیه السلام، سرآمد پختگان تاریخ بشریند، زیرا هیچ چیز جلودار ایشان در لقاء الله و رسیدن به هدف مبارکشان که همان اهداف جد بزرگوارشان و پدر و برادر گرامیشان بود مانع نشد و از این آزمایش بزرگ سربلند و پیروز شدند.

ایشان زندگی جاویدان را که پس از زندگی چندساله دنیا است، ترجیح دادند و به پیروانشان راهنمایی کردند که بهای بهشت در دنیا کسب می شود و در عالم برزخ و قیامت برداشت زراعت دنیا است، بنابراین کسانی که به پختگی ایمان رسیده اند، اگر حتی از ایشان ضایع شده به دفاع می پردازند، اگر طرفشان فردی مؤمن و موحد است، با او مدارا و حتی گذشت می کنند، ولی اگر طرفشان فردی معاند و فاسق و فاجر و لامذهب، مثل یزید و بنی امیه است تا پای جان مبارزه کرده و در آخر الامر اگر به مقتضات زمان و مکان نتوانست و توان بیشتری برای احقاق حق خود نداشت آن را به خداوند و ائمه معصومین واگذار می کند. که ایشان را کسی یارای استقامت و دفاع ندارد و شکست ناپذیر مطلقند. و قطعاً هم در دنیا و هم در آخرت عقوبت افراد خاطی به شیعیانشان را خواهند داد. (لذا در احقاق حق بهترین رویه، روش حضرت فاطمه زهرا علیهم السلام است.)

زیرا پیامبر اکرم فرمودند: کسی که ابتداءً مخاصمه بین دو مسلمان را ترک کند برای او بهشت را تضمین می کنم (البته به شرطها و شروطها) بطوریکه (ترحم بر پلنگ تیز دندان نباشد) \*\*\*\*\*ستمکاری بود بر گوسفندان) نباشد.

۲۷- استقامت تا پایان جان:

نقل است، مسئله خمس مال که برای مسلمانان مطرح شد، بسیاری از مسلمانان زبانی زیربار نرفتند و از دادن خمس امتناع ورزیدند، لذا پیامبر اکرم با جمعی از یارانشان به تائب رفته و قصد هدایت و راهنمایی داشتند، ولی مردم تائب به مقابله با حضرت و یارانشان برخاسته و با چوب و سنگ به ایشان حمله ورد شدند.

دختری فرزانه یهودی به پدر خود گفت: پدرجان محمد (صلی الله علیه و آله) دعوی پیامبری می کنند و من در تورات موسی و انجیل حضرت مسیح تحقیق کرده ام و هر دو پیامبر سلف خبر آمدن پیامبر آخرالزمان را در تورات و انجیل داده اند، اجازه بدهید من بروم و با ایشان صحبت کنم اگر او حق گفت و من حقیقت برایم ثابت شد شما هم بپذیرید و الا دین او را نپذیرید.

پدر قبول کرد و آن دختر به ملاقات پیامبر رفت، بدون مقدمه پیامبر فرمودند تو فرزند فلان شخص یهودی هستی و پس از مطرح نمودن حقایق تورات و انجیل دختر به پیامبر ایمان آورد و در مراجعت به پدرش گفت پدرجان به من ثابت شد که محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست، پدر دختر که مردی متعصب و معاند بود به دخترش توهین کرد و از او خواست که دست از ایمانش بردارد لذا او امتناع کرد و با ضربه پدرش نقش بر زمین شد و او را تهدید کرد، اگر از ایمان جدیدش دست بر ندارد، او را خواهد کشت و چون دختر فرزانه اسقامت و پایداری به عقیده و دین محمد صلی الله علیه و آله نمود بر هر کف دست دخترش یک میخ کوبید و دو میخ در چشمانش و یک میخ در قلبش تا جائی که کلمات اشهد ان لا اله الا الله محمد رسول الله دختر قطع شد.

پدر ناراحت و غمگین شد از او سوال کردند برای مرگ (شهادت) دخترت ناراحتی، پدر گفت نه برای اینکه نتوانستم او را از عقیده

اش منصرف کنم ناراحتم، ببینید چه خونهایی پای درخت اسلام عزیز ریخته شده، تا این مذهب به دست من و شما رسیده است. از طرفی درس می‌گیریم پدر مسائل را از پائین و مادی می‌نگرد ولی دختر مسائل زندگی دنیا از بالا و جنبه توحیدی و اینکه دنیا مزرعه آخرت است، و برزخ و قیامت برداشت زراعت و کاشت دنیا است. لذا با آغوش باز و سکنه قلب شهادت را می‌پذیرد.

۲۸- روش زندگی:

رویه زندگی پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام، همگی بر مبنای سادگی و پاکی و صداقت و بندگی خداوند استوار بوده و هست ولی خلفای ناحق و معاویه و یزید و... تصمیم به جایگزینی اشرافیت و پادشاهی و پیروی از اوامر و دستورات نفسانی (شیطان درون) و ابلیسی نمودند و در این راستا از هیچگونه جنایت و دروغ و تجاوز و طغیان و بدعت فروگزاری نکردند. زیرا دنیا برایشان نقد و آخرت که جزء امور غیبی و اعتقادیست نسبی است. پیامبران و ائمه اطهار هم حرفشان بر حسب ظاهر نسبی و غیرشهود بوده است تا افراد امتحان و درجه ایمان آنها مخفی شود.

شیطان و شیطان صفتان به نقد و شهود می‌اندیشند، چون به مسائل غیبی و قیامت (که نسبی است) اعتقادی ندارند، امروز هم تکرار همان روزهای تاریخی است، بنابراین باید به حجت الهی در زمان فعلی که حضرت بقیه الله اعظم روحی لک الفدا و مراجع عظام توجه و تبعیت کنیم.

۲۹- آرامش در دین:

هر شخصی در دنیا یک قلب دارد که کارش پمپاژ نمودن خون در سراسر بدن است ولی قلب مؤمن عرش الرحمان است. مؤمن دارای قلب مطمئن است زیرا قلبش نه برای دنیا است نه برای آخرت، بلکه برای اطاعت از مولای مطلق خود که خداست و نماینده او که حجت هر عصر و زمان است و دیگران قلبشان یا تمایل به دنیا است که فقط دنیایی فکر می‌کنند و دنیایی عمل می‌کنند و یا تمایل به آخرت دارد که برای آخرت تجارت می‌کنند و هرکاری را به آخرت ربط می‌دهند. عظمت انسان به طرز فکر و عمل و ایمانش بستگی دارد، نه به ثروت و مقام و آن هم از نوع غضب و حرامش، ای انسان تو موجود با ارزشی هستی تو باید خلیفه خدا باشی نه نماینده شیطان و در طی راه از هیچ چیز و هیچکس نه‌راسی زیرا و من یتوکل علی الله فهو حسبهُ هر کس به خدا توکل کند، او را کفایت می‌کنند. خداوند متعال، جن و انسان را خلق نکرده، مگر برای عبادت و بندگی و این عبودیت و بندگی بخود انسان تعالی و شخصیت می‌دهد. والا خداوند متعال هیچگونه نیازی به هیچ موجودی ندارد. و میفرماید: من نکردم خلق تا سودی کنم \* بلکه بر بند گام جودی کنم

۳۰- مشکلات در زندگی مشکلات با زندگی:

همه انبیاء و ائمه معصومین در زندگیشان مشکلاتی داشته‌اند و زندگی آنها بر حسب ظاهر با ناملازمات و مخالفتها و سختی‌هایی توأم بوده ولی بعد از اینکه عمل به تکلیف نموده‌اند دیگر به آنچه خداوند متعال برایشان مقدر کرده است راضی بودند و هستند و با زندگیشان بطور مسالمت آمیز کنار می‌آیند و با زندگی سرجنگ نداشته، و ندارند. لذا چون راضی بودند از آرا مش بر خوردار بودند، و هستند.

گناهان دنباله دار و استمرار یافته:

بعضی از گناهان در یک مقطعی شروع و در همان زمان به پایان می‌رسد که یا توسط توبه و یا تلافی نمودن و حلالیت طلبیدن، خاتمه می‌یابد، ولی بعضی از گناهان علاوه بر اینکه از اقدام کننده، توبه و تلافی و حلالیتی بعمل نیامده و اثر آن گناه تا نسل‌های آینده و بعضاً تا ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ادامه می‌یابد و دیگران هم به آن گناه بدعت عمل می‌کنند، لذا اینگونه گناهان، دنباله دار و استمرار یافته می‌گویند که هرچه به آن گناه عمل شود به حساب بنیانگذارش هم حساب می‌شود

و گناه عاملان هم به حساب خودشان است.

اللهم العن اول ظالم ظلمه بحق محمد و آل محمد و آخر تابع له على ذالك

خداوندالعنت کن اول ظلم کننده را بحق محمد و اهل البیت محمد و آخر کسی که تابعیت می کند از آن ظالم.

از جمله گناهان دنباله دار نگفتن بسم الله الرحمن الرحيم با صدای نسبتاً بلند و آشکار و حذف جمله حی علی خیر العمل در اذان و حذف اشهد ان علی ولی الله و نسخ نکاح متعدد و محدود کردن مهریه زنان به بیش از چهارصد درهم و کتمان حقیقت تا وقت مرگ (النار و لاعار) و تبعیض طبقاتی و مخلوط نمودن حق و باطل و باطل را توجیه کردن و هدایت و رهبری و امامت را با حکومت پادشاهان عوض نمودن و .... همه جزء گناهان دنباله دارند.

۳۱- ظرفیت وجودی افراد در دنیا و آخرت:

ظرفیت یعنی گنجایش و تحمل و مقاومت در اوامر و نواهی قدرت مطلقه حضرت باری تعالی، بنابراین هرچه ظرفیت پذیرش انسان بیشتر باشد، عنایت پروردگار هم افزایش می یابد مثلاً ظرفیت پیامبر اکرم اگر دریا باشد بعضی ظرفیتشان به اندازه یک کاسه یا یک قطره است و بعضی ظرفشان وارونه است و قابلیت پذیرش هیچ چیز و منطقی را نخواهد داشت. لذا انسا نهایی عادی چون معصوم نیستند، نه لیاقت هدایت کامله را دارند و نه ظرفیت کامل را، چون هدایت با شکر گذاری رابطه مستقیم و تنگاتنگ دارد. و گناه اگر توبه و بازگشت نشود منجر به گمراهی است. امت اسلام تا زمانیکه پیامبر در میان آنان باشد، عذابی برایشان نازل نمی شود (حتی بعد از شهادتشان) لذا خداوند به مسلمینی که گناه می کنند، غضب کرده و گرانی و کوتاهی عمر و سود نکردن تجار و خشک شدن دریاها و روخانه ها و حبس نمودن باران و امورشان را به افراد بی کفایت و نامرد وامی گذارد. ریشه غضب الهی در بی ظرفیتی و گناه بندگان است و شکر گذاری (نه تنها با ذکر و قلب، بلکه با جوارح و اعضای بدن) موجب پیدایش ظرفیت و نزول نعمت خواهد شد.

داستان های قرآن کریم برای درس و عبرت و آموزش ما انسانهاست لذا چنانچه همه انسانها ظرفیت پیامبر را داشته باشند تا حایی که به درجه پیامبران سلف برسند، برای افاضه فیض خداوند متعال هیچ کار دشوار و غیرممکنی نخواهد بود بعضی داستان حضرت یوسف را که احسن القصص قرآن است، فقط بطور سطحی و اتفاقی و شانسکی نگاه می کنند و می گویند حضرت یعقوب پیامبر، یک پسرش را از دیگران بهتر دوست می داشت و این دوست داشتن ایجاد حسادت و دشمنی با دیگر برادرانش شد و برادران او را به بهانه بازی و گردش همراه خود به چراگاه بردند و تصمیم داشتند او را بکشند که با وساطت یکی از برادرانش او را به چاه انداختند و برحسب اتفاق کاروانی از آن محل می گذشت و او را از چاه بیرون کشید و الی آخر...

درس این داستان از قرآن این است که چرا پدر (حضرت یعقوب) او را بیشتر دوست می داشت جواب اینکه او با دقت و با ادب و متدین تر از دیگر برادرانش بود و خداوند بخاطر ظرفیت بالایی که او از خود نشان می داد، اراده نمود که او را به اوج عزت و شوکت برساند و هرچه یوسف اذیت می دید از دیگران، در عوض به آنها خوبی می کرد و برای هدایتشان به درگاه خداوند دعا می فرمود. در خبر بدین مضمون آمده است که حضرت یعقوب در فراغ یوسف بسیار گریه میکرد. تا اینکه همسایگان به در خانه یعقوب آمدند و گفتند، مدتی است از یوسف خبری نیست، حضرت یعقوب با ناراحتی ابراز داشت، بله این چنین است، و لب به شکوه و شکایت گشود، که ناگهان چشمش سفیدونا بینا گردید. علت را از خداوند جویا شد، وحی آمد هر آنچه به آن علاقه داری واز دست دادی و برایش اندهگین شدی شرک است، و هر آنچه محبوب تو بود واز دادی و متاثر شدی کفر است، مگر در راستما، لذا در قرآن آمده است، به حقیقت زهد و ایمان نخواهید رسید تا اینکه، آنچه دوست دارید اگر از دست دادید ناراحت نشوید، و اگر نعمتی بشما روی آورد، آن نعمت را از جانب خداوند بدانید و زیاد خوشحال نشوید.

و باید توجه داشت هر فکر و اندیشه و عمل ما در زندگی خودمان و حتی در نسل آیندگان مؤثر است. و این تاثیرات، همگی در زندگی برزخی و جاویدان ما مؤثرند، که گفته اند:

نطفه پاک بیاید که شود شامل فیض \*\*\*\*\*ورنه هر سنگ و گلی لولو و مرجان نشود پایبند بودن به قول و قرارداد:

در اسلام طبق آیه فی عهد هم راعون مسلمان موظف است به قول و عهد خود وفادار باشد اگرچه طرف مقابل خلف وعده نماید. لذا قرارداد صلح امام حسن علیه السلام برای برادرشان امام حسین علیه السلام محترم بود اگرچه از همان اول معاویه بن ابی سفیان قرارداد و مفاد آن را نقض نمود، و معاویه ابتداً نقض قرارداد نمود، تا جائی که فرزند خبیثش را جانشین خود نمود، و یزید که فردی شرابخوار و قمار باز بود و میمون باز بود و به زور می خواست از امام حسین علیه السلام بیعت بگیرد که امام علیه السلام تا پای جان خود و عزیزانش مقاومت نمودند و این درس آزادی و آزادگی ایشان برای بازماندگان و نسلهای آینده است که اگر قرار داد از یک طرف نقض شده و لزومی به رعایت آن نیست.

مضافاً به اینکه بهشت محل استقرار انبیاء و پیامبران و ائمه اطهار و مقربان الهی است و کسانی که در دنیا با این گروه مخالفت می کردند و درصدد انتقاد و مسخره و اذیت و آزار اینان بوده اند، چگونه می خواهند در بهشت با خوبان باشند این امکان آنقدر محال است که بخواهیم، آب و آتش، شب و روز و زشت و زیبا را با هم مخلوط کنیم و هیچ اتفاق ناگواری نیفتد. استعمارگران غرب و شرق بر این باورند که اگر بخواهیم به کشورهای مسلمان سلطه پیدا کنیم بایستی ولایت علی بن ابیطالب و فرزندان او را کتمان کنیم و با تزویر و ریا و نفاق حقانیت حضرت علی بن ابیطالب و شیعیان را کتمان نمائیم آن وقت می توان مسلمین را تحت سلطه خود در آوریم. لذا با ایجاد شبهه و دروغ و دنیا طلبی ایجاد تفرقه نمود که متأسفانه تا حدودی هم موفق شده اند. مگر اینکه بیداری مسلمین ادامه یابد و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهورشان محقق گردد.

۳۲- شفاعت آقا اباعبدالله الحسین و دیگر معصومین:

کلمه شفاعت به معنای واسطه و میانجیگری کردن، مقام پایین تر از مقام بالاتر و از شفع گرفته شده است، به معنای دو تا، ولی اینچنین نیست که مقام دون از مقام فوق اگر خواسته ای داشت، حتماً اجابت شود و اگر اجابت نشود مقام دون حق اعتراضی داشته باشد. در آیه ۶۴ سوره نساء خداوند متعال می فرماید:

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا

و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به توفیق الهی مردم از او اطاعت کنند و اگر آنان به خود ستم کرده بودند پیش تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می کرد قطعاً خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند .

لذا مسأله شفاعت سنتی است الهی که حتی در مورد پیامبران سلف هم جاری بوده و هست حال اگر از امام معصوم که جانشین به حق پیامبر خاتم است شفاعت بخواهیم کاری منطقی و پسندیده است، نه شرکی که وهابیت به شیعیان افترا می زند. و حتی فرزندان یعقوب در سوره یوسف بعد از اینکه متوجه شدند خطا کردند، نزد پدر آمدند و گفتند ای پدر برای ما از خدا آمرزش بخواه که ما گناهکار و از لغزشکاران بودیم.

و حضرت یعقوب گفت به زودی (صبر نمود تا شب جمعه فرا برسد و در آن شب دعا نمود) آمرزش خواهم برای شما از پروردگار خود، همانا او است آمرزنده و مهربان. از آیات ۹۶ و ۹۷ سوره یوسف و چندین آیه دیگر، هر عقل سلیمی تشخیص می دهد که در مکتب تشیع بن بست وجود ندارد و اگر خدای ناکرده فردی دچار معصیتی شد و بلافاصله نادم و پشیمان گردید و به درگاه خداوند متعال توبه نمود و به مسئله برزخ و قیامت هم اعتقاد دارد و باید کمک شود که دیگر مرتکب گناه دیگری نشود، لذا باب شفاعت باز شد تا کسانی که به گناهی آلوده شده اند، در اسرع وقت توبه نموده و با وساطت یکی از معصومین به درگاه خداوند متعال رفته و خود را پاک نمایند. )

در روایت است افراد زاهد و پرهیزگار و عابد در قیامت با فوریت داخل بهشت می شوند ولی افرادی، همچون علماء با تقوا و ائمه اطهار و پیامبران تا پیروانشان وارد بهشت خواهند شد که پیروانشان هم حق شفاعت خواهند داشت ولی کمتر.

۳۳- درس دیگر: میدان مسابقات حق و باطل، و باطل با باطل و حق با حق بوده (و خواهد بود، چون کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا).

در جوامع اروپائی فعلی که قائل به تساوی حقوق بانوان و آقایان در همه زمینه ها می باشند، تا جایی پیش رفته اند، که حتی در مسابقات شنا، با وضع جاهلیت اولی، در ماهوارهها به نمایش گذاشته شده، و این را برای خود افتخاری بدانند، در صورتیکه زیر لوا و فرماندهی شیاطینند، در قرآن کریم و المومنون و المومنات، مطرح شده و بر تری هر کدام را به تقوا و علم و عمل صالحی که به طبقه هفتم برسد می داند.

در تقسیم کار بین آقا یمان امیر المومنین و فاطمه الزهرا، کار داخل خانه به حضرت زهرا و کار خارج خانه به حضرت علی علیه السلام واگذار شد. و از این تقسیم کار حضرت زهرا فوق العاده مسرور شدند. (البته این بدین مفهوم نیست، که اگر خانمی در رشته ای تخصصی پیدا کرد، یا مدارجی را طی نموده، در خانه بماند و زحمات وی فنا شود، بلکه بایستی حضور این بانوان در مراکز لازم مشهود شود، با موازین فقهی و شرعی (در غیر اینصورت بهتر است، در منزل از طریق دنیای مجازی مرتبط شوند، که به گناه نیفتند. در کربلاهل حق، که شامل امام حسین و اهل البیت و یاورانشان می شدند، در مصاف با یزیدیان یک نوع مسابقه می دادند، و در سبقت گرفتن به دفاع و جهاد تا شهادت نوع دیگر، همینطور لشگر یزید و یزیدیان.

چقدر خوب بود مسابقاتمان از مسابقات امام حسین و ابو الفضل و امام حسین و زینب الگو می گرفتند. حتی در امور خانوادگی جای مسابقات فرشته ها خالی، و اکثراً در صدد مسابقه شیطانی و دنیا پرستیند، مگر اینکه توبه از گناه کنند.

۳۴- درس دیگر: اینکه علل و ریشه یابی عمل نکردن به حدود الهی موارد زیاد است. ولی سه مورد آن در صدر علل قرار دارد. و عبار تنداز:

۱- نداشتن علم ۲- نداشتن آگاهی ۳- زیر بار حرف حق نرفتن .

در مورد نداشتن علم و آگاهی اختصاص به منافقین و کفار دارد. ولی در مورد زیر بار نرفتن چه مجوزی داریم، من و شما که ادعای شیعه بودن داریم، بایستی از خط و مشی ائمه اطهار علیهم السلام پیروی کنیم، من باب مثال، آقایان امام صادق علیه السلام دوستی داشتند، که یک مرتبه به دیگری فحاشی کرده بود. امام رفاقت خود را با او قطع کردند. لذا رویه چهار ده معصوم برای شیعیان حجت است، نه اعمال مردم جاهل یا مغرض.

۳۵- دعای توسل:

از جمله ادعیه های شیعیان دعای توسل است که در این دعا از چهارده معصوم و خود خداوند متعال استعانت خواسته شده برای استجاب دعاها و مشروع شیعیان که وهابیت آن را شرک می داند، اولاً بنا به دلایل گذشته و صدها دلیل دیگر شرک نیست، بلکه توحید محض است ثانیاً کسی که دعای توسل را می خواند به فراز یا وجیهاً عندالله اشفعی لنا عندالله که می رسد با خود می گوید آن معصومی را که من می دانم درب خانه آبرو دارد و او را شفیع قرار می دهم چه ویژگی هایی دارد حداقل باید به یکی از ویژگی های آن شخصی که صدا می زنم و از او کمک می خواهم خود را مزین کنم مثلاً از پیامبر، حسن خلق از علی علیه السلام تقوا، و از امام حسن مجتبی علیه السلام حلم و بردباری و درایت و شجاعت از امام حسین علیه السلام و از امام زین العابدین علیه السلام زهد و نشر علوم و الی آخر

(نا گفته پیداست صفات حمیده معصومین علیهم السلام همه در حد کامل بوده است ولی در هر کدام نسبت به زمان، یکی از صفات حمیدشان شاخص و الگو بوده است و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همه آنها شاخصها و الگوها را خواهند

داشت. (چون ایشان از تقیه میرا خواهند بود.)

لذا بایستی سخیطی از اعمال و صفات معصومین را دارا باشیم و در فرازهای آخر دعا توسل بدون تعصب به ایشان می‌گوئیم: ای بزرگواران من شما را شفیع قرار دادم به درگاه باری تعالی و اگر چنانچه کسانی را بهتر از شما می‌یافتم از آنان کمک می‌خواستم (یعنی شما بهترین خلق، و بهترین آفرینش و گل سر سبد بشریت هستید)

لذا با دوست داشتن شما و عمل نمودن به دستورات و رویه شما به شما نزدیک شدم و از طریق شما به درگاه خداوند متعال راهنمایی گشتم، شما را بلد راه بودید و هستید و خواهید بود و دیگران که خود در گمراهیید، چگونه می‌توانند راهنما و هدایتگر دیگران باشند. داستانی از یکی از محبان امام حسن العسکری علیهم السلام نقل شده است، که بخاطر فقر و تنگدستی اقدام به سوراخ نمودن دکان صرافخانه ای می‌کند، که شبگردان محل متوجه میشوند، او را دستگیر نموده، به نزد داروغه آورده، و داروغه دستور هشتاد تازیانه میدهد، شخص خاطی میگوید، من از شیعیان امام حسن عسکری هستم، و اگر بمن شلاق بزنی بلائی برایت نازل میشود. لذا داروغه او را نزد امام آورده و ادعای او را باز گو میکند، ولی حضرت میفرماید او دروغ می‌گوید. بنابراین داروغه به دو نفر از ما مورانش دستور اعمال شلاق را میدهد، ولی شلاقها به او اصابت نمی‌کند، و با سعی بیشتر شلاقها به خود ما موران و داروغه بر خورد کرده و به زمین پرتاب میشود. داروغه فکر می‌کند، شاید تبا نی شده، محل و ماموران را عوض میکنند، باز همان وضعیت را مشاهده می‌کنند. و خاطی را به نزد امام آورده و می‌پرسند، چگونه است؟ امام می‌فرماید، اینکه به او صدمه ای وارد نمی‌شود، این کرامت از ناحیه او نیست، بلکه از ناحیه ماست. و آن بجهت این است که او (شخص خاطی) محبت ما اهل البیت را بدل دارد. حال تصور کنید، کسی که شیعه واقعی باشد چگونه حمایت میشود. و امام در سوال داروغه که مگوید، شما دروغ گفتید. او از شیعیان شما نیست؟ و می‌فرماید، او محب ما است و شیعیان ما بر اثر فقر و تنگدستی مرتکب کار حرامی نمی‌شوند و کسی را با خداوند شریک نمی‌کنند، و باعث آبروی ما هستند. و به آنچه خداوند از حلال روزیشان قرار داده اکتفا می‌کنند، و علاوه بر ایمان دارای عمل صالح و خدایسندانه هستند. و ایمان به خدا دارند، و خداوند را با صفات خداین ذات و یکی میدانند، و نسبت به پیامبران ایمان دارند و همه گفتارشان را قبول دارند و عمل می‌کنند. و عقیده دارند که ائمه اطهار هیچکس از امت پیامبر بالاتر از ایشان کسی را نمی‌دانند و اگر همه امت پیامبر اعمالشان در کفه ای از ترازو (ضربت علی یوم الخندق افضل من عبادته الثقلین، پیامبر فرمودند ضربه ای که یلی علیه السلام در جنگ خندق به عمر بن عبدود وارد کردند از عبادات جن و انس بالاتر است، چون تمام کفر در برابر تمام ایمان ایستاده بود) و امیر المومنین را در کفه دیگر قرار دهند، ترجیح دارد مقدارش، مانند آسمان بر زمین و طرف مقابل یک زره بی مقدار. و شیعیان ما از هیچ چیز و حتی مرگ و همه ای ندارند. و برادرانشان را بر خود ترجیح می‌دهند و لا اینکه خودشان احتیاج داشته باشند. و آنها کسانیند که خداوند در جاهائیکه نهی کرده وجود ندارند، و در جاهائیکه امر فرموده از آنها خالی نیست. (مانند مساجد، زیارات قبور ائمه اطهار و روضه ها و هیئت ها) انشا الله بنده و شما از شیعیان حقیقی آن بزرگواران باشیم.

بزرگ فلسفه قتل شاه دین (حسین) این است

که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است

حسین مظهر آزادگی و آزادیست

خوشا کسی که چنین مرام و آئین است

نه ظلم کن به کسی، نی به زیر ظلم برو

که این مرام حسین است و منطبق دین است

همین نه گریه بر آن شاه تشنه لب کافست

که درک آن سبب عز و جاه و تمکین است (دیوان خوشدل)

۳۶- نزول ملائک: آیه الذین قالو ربنا الله ثم استقاموا تتنزل ملائکه (آنانیکه گفتند خدای ما خدای واحد است نه خدایان زر و زور تزویرو مال و جاه و در این راستا استقامت ورزیدند، ما ملائک و امدادهای غیبی خود برایشان می فرستیم، البته بلا فاصله بعد از استقامت در برابر هواهای نفسانی، و آقا با عبد الله الحسین اگر مادر گرامیشان هم در قید حیات بودند، در صحنه کربلا حضور می یافتند. زیرا هدف اصلی احیای دین جدشان و جاری و ساری شدن قوانین قرآن بوده، که در این راستا زن و فرزندانش و خواهر خود را همراهی نمودند. و این بزرگترین درسی است که برای تحقق پیدا نمودن اهداف الهی نباید ملاحظه کاری نمود، و برای فرار از حق و حقیقت، طرفداری نمود. و امام بعد از این استقامت، نیروهای همچون ملائک و اجنه که به کمک ایشان آمدند، ولی ایشان از دریافت کمکشان امتناع ورزیدند و فرموده باشند، خداوند می خواهد مرا شهید ببیند. و درس دیگر اینکه چه بسا گناهی که دامنه قیامت استمرار دارد، و عقوبت پیروان آن گناه هم بحساب خودشان هم بحساب ابداع آن منظور میشود، لذا، اگر اولی و دومی و سومی شیطنت نکرده بودند، نه فدک فاطمه علیها سلام غصب می شد، نه بی حرمتی و شهادت دخت پیامبر و نه شهادت امیر المومنین و نه سبطین پیامبر علیهم السلام و نه اسارت خاندان رسالت و.....

۳۷- درسی که از امام حسین علیه السلام گرفته می شود، خود و خانواده‌مان را تا حد امکان از شرور و گناه باز داریم و به ثواب و صلاح و راهنمایی از درگاه خداوند متعال و اهل بیت مسئلت نمائیم که روزی حلال و تقوا را پیشه خود نمایند و دین به دنیای خود و دیگران نفروشدند و در نسلشان تا قیامت جزئی از یاوران آن چهارده نور پاک و معصوم و چراغهای هدایت و بندگی خداوند باشند انشا الله. در پایان این دروس یاد آور می شوم، این فرازها تنها قطره‌ای از دریای فضائل و آن امام شهید است، که به ذهن و عقل کمترین رسیده، زیرا شهید عاشق خداست و خداوند متعال خود را دیه او قرار داده و در رک بی نهایت سخت است، چون شهید از همه خوبیهای دنیوی گذشته و دیگر هیچ چیزی جز اطاعت مولی (خداوند متعال) و پیروی او برایش مهم نیست، لذا بجای عاشق شدن به ثروت و مقام و جمال و زیبایی و.....، عاشق خالق ثروت و مقام و زیبایی و..... خواهد شد. و در این مرحله است که میتوان برای وصال به خالق از همه دنیا و ما فیها گذشت. و چهارده معصوم علیها سلام اسوه و الگوی بشریتند.

آنکس که ترا شناخت، جان را چه کند سرمایه و عیال و خانمان را چه کند

دیوانه کنی، هر دو جهانش بخشی دیوانه تو هر دو جهان را چه کند

من احبنی عشقنی، و من عشقنی قتلنی، و من قتلنی والیه الیدیه، و من علیه ادیه.

کسی که به من محبت کند، من به او عشق می ورزم و کسی که بمن عشق ورزد او را مکشم (شهید میکنم) و کسی را که کشتم، دیه او بر من واجب می شود. و من خودم دیه اویم، یعنی شهید به وصال حق و حقیقت و بندگی رسیده است.

در خبر است مردم هفت گروهند:

۱- شیر صفتان، آدمهای حریرص ۲- روباه صفتان، آدمهای مکار ۳- خوک صفتان، آدمهای گنا هکار ۴- سگ صفتان، آدمهاییکه زبانشان شر دارد.

۵- گرگ صفتان، آدمهاییکه برای فروش مدح و برای خرید، مذمت جنس را می گویند. ۶- گوسفند صفتان، آدمهای مو من ۷- فرشته صفتان، آدمهایی هستند به ظاهر انسان ولی در باطن از شهرو دیار دگرند. و حتی تا جائی تعالی پیدا می کنند که آنچه در وحی ناید آن شوند،

دل نعره زنان ملک جهان می طلبد پیوسته حیات جاودان می طلبد

مسکین، خیرش نیست که صیاد اجل سر در پی او نهاده، جان می طلبد

۳۸- زینب علل مبقیه کر بلا است: چون کر بلا در کر بلا می ماند اگر زینب نبود..... مکتب صبر را در این عالم

غیر تو نیست مقتدا زینب

ز آنکه آموختی هزاران درس

در بر دخت مصطفی زینب

صدیقه توانا، عقیده دودمان وحی، تربیت شده خاندان نبوت، حضرت زینب کبری (سلام الله علیه)، همو که در بزرگواری و کرامتش بسیار سخن ها گفته و نوشته اند.

زینب (سلام الله علیه) تجسم زهد، ورع، علم، عفاف و شهامت و عقیده طاهره، متعلق به اخلاق الهی است. این بزرگوار (س) راه مقاومت در برابر باطل را به امت نشان داد و فداکاری در راه خدا و چشم پوشی از همه چیز را در راه برافراشتن پرچم حق به همه یاد داد.

ایشان، فداکاری، وزانت عقل، صبر و بردباری، علم وسیع و دانش وافر، سخنان سنجیده و منطقی او در فرصت های حساس توأم با آن مظلومیت و ستم های جانکاهی که به او وارد آمده است، از او چهره یک شخصیت بی نظیر، رزم آور شجاع، جهادگر بی باک و سخنور توانا را در قلوب و اذهان ترسیم نموده است که تا چرخ زمان حرکت دارد، تا نسل ها در روی زمین حیات دارند و تا زمین دور خورشید می گردد این چراغ فروزان، نورافکن جهانیان و نسل های آینده خواهد بود. یاران امام حسین علیه السلام که شهید شدند، راه امام را قبول کردند و در جوار ایشانند، و آنها ئیکه بعد از امام زنده بودند، باید زینبی باشند، و الا یزیدی یا در راه یزیدند.

وفات (شهادت) آن حضرت:

حضرت زینب سلام... علیها، شیرزن دشت کربلا سرانجام پس از عمری دفاع از طریق حقه ولایت و امامت در ۱۵ رجب سال ۶۳ هجری قمری در ضمن سفری که به همراه همسر گرامیشان عبدالله بن جعفر به شام رفته بودند، وفات نموده و بدن مطهر آن بانوی بزرگوار در همانجا دفن گردید.

مزار ملکوتی آن حضرت (دمشق/سوریه)، اینک زیارتگاه عاشقان و ارادتمندان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می باشد. زینب جان! شرمنده ایم که بهای حسینی شدن ما به ((بی حسین شدن تو بود)) و شرمنده تر آنکه تو، بی حسین شدی و ما حسینی نشدیم!

دائیکه چرا چوب شود، قسمتش آتش بی حرمتیش بر لب و دندان حسین است

دائیکه چرا آب فرات است گل آلود شرمندگیش از لب عطشان حسین است

دائیکه چرا خانه حق گشته سیه پوش زیرا که خدا صاحب خانه، عزادار حسین است

۳۹-درس عبور از دنیا به برزخ و قیامت :

ما انسانها پس از عبور از صلب پدر، به رحم مادر و از رحم مادر به دنیا و از دنیا به قبر و برزخ و از برزخ به قیامت در حال عبور و حرکتیم.

لذا اینکه میگویند کل نفس ذائقه الموت. هر کسی مرگ را می چشد، صحیح تر آنست که بگوئیم، هر نفسی در حال چشیدن مرگ است. (از بدو تولد که شروع به نفس کشیدن میکند) و ساعت شنی یا کوکی یا باطری شروع بکار می کند و بمرور دشارژ میشود. در طول این مسیر بقدرت الهی و استفاده از شیر مادر و آنچه از خوراکیها و نوشیدنیها و آموزشها و تربیتها به او اعمال می شود یا کسب میکند، او را قوی و قویتر میکند، تا سن جهل سا لگی و بعد از چهل سا لگی بمروری نیروها تحلیل می رود، تا به افول و مرگ منتهی شود. (البته استثنا عا تی هم وجود دارد)

در طول راه از سه دریا باید عبور کنیم، که در یای اول بدون زحمت طی می شود. و آن دریای رحمت است. که همچون خورشید

واکسیژن و رزق و حیات شامل همه افراد و موجودات زمینی خواهد شد. در فراز اول دعای کمیل امیر المومنین میخوانیم.

اللهم انی اسئلك برحمتك التی وسعت كل شی (خداونداهمانا من تو می خواهم به رحمتت که شامل هر موجودی است). بنا بر این تا زمانیکه در دنیا زندگی میکنیم از رحمت الهی بر خورداریم، مگر اینکه با اعمال خودمان موجبات غضب و عذاب را فراهم کنیم.

۴۰- در یای دوم دریای محبت :

برای ورود به دریای محبت باید از علاقه که مقطعی و پست ترین دوستی است، شروع نمود و آنرا رها کرد. قرآن آنچه مورد علاقه انسان است را مثل مال و ثروت، مقام، شهرت، زیبایی، افتخار، قومیت، نژاد و ورکب و همسر و اولاد و... را متاع دنیا می داند. و متاع دنیا را قلیل و غرور و فریب میداند. تا دل بستگی و علاقه به امور مذکور داریم نمی توانیم به دریای محبت وارد شویم.

محبت بالاتر از علاقه است. و حاضر است از آنچه مورد علاقه اش هست خرج کند، تا محبت خود را ابراز نماید، ولی نه تا پای جان، زیرا جاده محبت همانند خیابان دو طرفه است، لذا اگر یکطرف کوتاهی کند، دیگری دلخور شده و چه بسا منجر به جدائی شوند.

۴۱- سوم دریای ولایت :

کسی که از دریای رحمت و دریای محبت گذشته می تواند وارد دریای ولایت و کمال و کامیابی شود. زیرا ولایت از عشق سرچشمه میگردد، و عاشق حقیقی برای رسیدن به معشوق از آنچه مورد علاقه و محبتش است می گذرد تا حد جان، تا به معشوقش برسد.

یاران امام حسین علیه السلام به دریای ولایت و خلیفه الله امام زمانشان رسیدند، و در این راستا پیروی از حجت خدا کامیاب و درستگار شدند.

خداوند احویات و ملمات ما همانند حیات و ملمات اولیائت قرار بده. آمین یا رب العالمین

۴۲- خواسته های معشوق:

انسانیکه لیاقت عاشق شدن پروردگار خویش را پیدا نموده، حد اقل هدیه خود به معشوق را عبودیت و بندگی و قطع وابستگی از اشیاء (آنچه برای ما لکیت ایجاد میکند) و اطراف و افراد کرده، زیرا اشیاء اسیر دست انسان است و خداوند متعال انسان را برای خودش خلق کرده تا او را به کمال که هدف خلقت است برساند.

۴۳- عنایت معشوش به عاشقش :

انسانیکه به لیاقت عبودیت حضرت حق رسید، در مرحله کمال قدم گذاشته، و پس از طی طریق کمال، به تمام که خلیفه الهی است، خواهد رسید.

در حدیث قدسی داریم عبدی عبادی یجعلک مثلی او مثلی. (بنده من عبودیت و بندگی مرا بجا آور تا ترا مثلی از خود (منهای وحدانیت) قرار دهم. و در قرآن کریم می فرماید، وما خلقت جن و انس الا ليعبدون، ما اجنه و انسان را خلق نکردیم مگر برای عبادت. در هر سالی اول باید در موردیکه ضعیف هستیم به کمال برسیم، بعداً "تمام شویم. منظور از تمام شدن تمام شدن عمر یکسال است، در این مرحله قوه عقل و قوه روح و قوه نفس تحت فرماندهی قلب قرار میگیرند، و قلب و روح یکی شده، و مزین به ایمان واقعی خواهد شد. نور ایمان تجلی گاه قلب و دل است، اگر قلب از روح جدا شد، اعضاء و جوارح گناه و خطا می کنند. رئیس اعضاء زبان است و بقیه اعضاء در امانند اگر زبان کنترل شود. در روایت است چه بسا نعمتی از طریق زبان که گفتن حرف لهو یا لغو بوده از شخص سلب شده،

قال الصادق علیه السلام: اذا اراد الله بعبد خزی یا "اجری فضیحه علی لسانه (هر گاه خداوند رسوائی بنده ای را بخواهد، از طریق زبانش او را رسوا می کند). و حضرت علی علیه السلام: می فرمایند: لتعقیب بعد الغداه و بعد العصر یزید فی الرزق (خصا لص ۵۰۴)

ذکر ودعا پس از نماز صبح وعصر روزی را افزون می کند. که توسط زبان جاری می شود. یکی از گناهان کبیره مسخره نمودن مومنین و مومنات است، که خداوند به پیامبرش می فرماید، ای پیامبر اگر هفتاد بار برای (مسخرکننده آموزش بخواهی قبول نمی کنم، زیرا ترور شخصیت کرده و مردم را از راه حق باز داشته). تنها چیزی که روح را از قلب جدا میکند، حب الدنیا است و نتیجه آن کوری دل است. نور ایمان اگر نباشد، کشور دل تاریک است. روح که از قلب جدا شد، دل کورو تاریک شده شروع به گناه و معصیت می کند. روح یعقوب است و قلب یوسف و جوارح یازده برادران یوسف اند، و دنیا چاه است، و چون یوسف از روح بهره مند شده بود، از چاه خارج شد. و نفس ذلیخا است.

تا دل صدف در شریعت نشود جان، محرم اسرار طریقت نشود بگذار جوانی، که کسی در ره دین با نفس و هوا، پیر طریقت نشود

ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا"سوره مریم آیه ۹۶ (هما نا آنا نکه ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، زود است خداوند مهربان، برای ایشان قرار دهد دوستی را). (یاور و پشتیبانی را)

از اینجا بعد شخص جزء صالحین است. بطوریکه اگر چیزی را احتیاج ندارد، بخرد، چیزی را از دست میدهد که احتیاج داشته است و آن نور ایمان است. اگر تصمیم بگیریم گناه نکنیم، خداوند تمام درهای بسته را برویمان باز میکند و اگر گناه کنیم به نکبت و بد بیاری و بد بختی و بدعاقبتی خواهیم افتاد. (سوره اعراف آیه ۲۰۱). هر کسی زیبایی اندیشه را یافت، به زیبایی تن نمی اندیشد.

خداوند دوست دارد شما متدین باشید و صالح (ان الله حب الیکم الایمان). المومن ینظر نور ربه (مومن به نور الهی نگاه میکند) و آقایمان امام حسین علیه السلام جزء کاملترین انسانها بوده و هستند، بطوریکه در نمازهای پنجگانه میخوانیم السلام علینا علی عبدالله الصالحین (سلام ما بر شما بندگان مطیع و صالح خداوند متعال)

۴۴- درس مواسات به جامعه بشری:

تمام پیامبران و ائمه اطهار از عدالت و دفاع از حقوق ضعیفان و نشر علوم و احکام الهی و مبارزه با فقر، و جهل را سرلوحه خود قرار می دادند و بالعکس حکام ظالم و جور و بی عدالتی به پایمال نمودن حقوق ضعیفان و در فقر و جهل نگه داشتن توده مردم، تا به خواسته های حیوانی خود قائل شده و در نیل به اهداف خود از هیچ ظلم و جوری فروگزاری نخواهند کرد.

درس عدم تعلق به دنیا و آنچه دنیا محسوب می شود:

امام صادق علیه السلام می فرماید: شیعیان ما از اینکه نعمتهای ظاهری دنیا در دست دیگران است غم و غصه نمی خوردند زیرا نعمتهای دنیا همانند شکوفه های زودگذر و چند روزه می باشد، که مقطعی است ولی میوه، هم ماندگاری آن بیشتر است و استفاده های تغذیه هم دارند، بخصوص اگر میوه آخرتی باشد).

لذا در مکتب تشیع اگر خیری وجود دارد، انحصاری نیست و اگر برادر شیعه احتیاجی داشت نایستی دریغ داشت و کمک به برادر دینی و بی تفات نبودن را مواسات گویند.

تا توانی به جهان خدمت محتاجان کن \*\*\*بدمی یا درمی یا قلمی یا قدمی

خدمت به خلق پس از عمل به واجبات از با ارزش ترین اعمال محسوب می شود و برای چنین شخصی قدر و منزلت زیاد قائل شده تا جائی که سخاوت و ایثار و گذشت را در وجود انسانها از افضل صفات حمیده به حساب آورده و کسانی که دارای گرفتاریهای متعدد یا مریضی های متعدد هستند نوعاً آنانی هستند که خسیس و تنگ نظر و بی گذشت هستند و برعکس کسانی که دارای مواسات و گذشت هستند، از زندگی شیرین و قابل تحملی برخوردارند. سید جمال الدین اسدآبادی، میگوید، اروپائیان از دینشان که دست بر داشتند، به تکنولوژی و صنعت رسیدند، ولی مسلمین از آن موقعیکه دست از دینشان برداشتند، و به اعتقاداتشان سست و بی اهمیت شدند، مما لکشان تجزیه و جنگ و ستیز و نفاق و کشت و کشتار بین آنان، با سیاهستهای بیگانه، خصوصاً انگلیس شکل

گرفت، و با دور زدن دستورات اسلام (ایجاد خرافات و شبهه و تخیلات و سحر و جادو و... و خریدن زمامداران وقت، برای پیاده نمودن اهداف پلیدشان همچون قانون کاپیتا سیون) مسلمین را در فقر و جهل و نادانی و خود ناباوری نگه داشتند. تا بحمدالله انقلاب ایران به پیروزی رسید، که الگویی خواهد بود برای بیداری دیگر مسلمین جهان، و این بیداریها به ظهور حضرت صاحب ازمان خواهد رسید، اگر حقوق و تکلیف و احکام را از همدیگر جدا ندانیم، که خود گمراهی دیگری خواهد شد.

ما شیعیان باید طوری زندگی کنیم، که اگر کسی خواست مشرف به این مکتب غنی، تشیع شود اعمال ما شیعیان را که می بیند مجذوب شود، نه اینکه دستورالعمل مکتب تشیع را با زندگی واقعی و روزمره مان مغایر ببیند؟ در اسلام و مکتب تشیع شخص مطرح نیست، بلکه پیروی از دستورات خداوند و پیامبر و ائمه اطهار سعادت دارین را بدنبال دارد و جای بسی تاسف و تأثر است که این چنین نباشد. باید گفت کسانی که از سعه صدر برخوردار نیستند، نه دیگران را به غم و نه به شادی، نمی توانند ببینند که این امر ناشی از عقده های دوران کودکی و بزرگ شدن در خانواده های عقده ای و بی فرهنگ اسلامی ناشی می شود. شیطان از آتش خلق شده و فرشتگان از نور و انسان از خاک، شیطان از ابتداء شیطان خلق نشد، بلکه فرشته ای بود که شش هزار سال عبادت کرده بود، ولی از دستور خالق خود امتناع ورزید، که رانده شده پرورگار شد. لذا مزد بندگی خود را زنده بودن تا روز قیامت طلب کرد و خداوند به او عطا نمود. سپس به عزت و جلال خداوند قسم یاد کرد که بندگانت را، بجز مخلصین (پیامبران و ائمه اطهار و اولیاء الهی) گمراه می کنم.

سوال اینجاست؟ شیطان به خدا و پیامبران و قیامت ایمان داشت (سه اصلی که دلیل بر مسلم بودن است) ولی چون اطاعت از امر خداوند نمود، رانده شد، در صورتیکه به عدالت خداوند و امانت ائمه اطهار هم یقین داشت و شیطان که از شطن گرفته شده است. لقب شیطان گرفت. بنابراین بسیاری از افرادی که به زبان تنها ایمان دارند و در عمل کم می آورند در خط شیطانند و بعضاً "که منکر ضروریات و مسلمات قوانین قرآن میشوند، خود شیطانند. حر بن یزید تحت تاثیر وساوس شیطان قرار داشت، ولی با دعا و تفکر نجات پیدا کرد و دستگارش شد. خداوند از درگاهت مسئلت دارم در نسل ما شیعیان اطاعت از هوای نفس و وساوس شیطانی را تا آخر زمان توقف در دنیا دور فرما، و ما را بدار در آن راهیکه رضای تو در اوست و باز دار از آن راهیکه غضب و سخط تو در اوست. آقا امیرالمؤمنین فرمودند: نیکی کن تا به تو نیکی شود و رحم کن تا به تو رحم شود.

صدها فرشته بوسه بر آن دست می زند کز کار خلق یک گره بسته واکند

۴۵- درس ایمان: ایمان تجلیگاه قلب و دل است، اگر قلب از روح جدا شد، اعضا و جوارح خطا می کنند و تنها چیزی که روح را از قلب جدا می کند، بی ایمانی است، ایمان که نباشد دل کور میشود، و اعضا شروع به گناه کردن می کند. به همین دلیل است گفته اند مجالست با افراد گناهکار انسان را به شک و تردید و سپس بی ایمانی سوق می دهد. ایمان مراتبی دارد که اگر مرتبه صدرا برای ائمه اطهار فرض کنیم، دیگران از کسانی شروع میشود که ایمانشان تاجائی باقیست که شکمشان براه باشد ولی اگر فقر و گرسنگی آمد دینشان هم می رود، مرحله بعد شکمی نیستند ولی نه اهل جهاد مالی و نه اهل جهاد جسمیند و بایک کشیده خوردن یا بی احترامی دیدن دست از ایمان و دینشان می کشند، مرحله سوم آنانیکه هم پای گرسنگی هم پای فقر و بی حرمتی ظاهری و اسارت مقطعی و حتی پای مال و جان و اهل و عیال و عشیره و قبیله برای حفظ و صیانت دین و مکتب سعادت مند شیعه ایستاده اند اینان همچون کوه استوار و همچون طلای قرمز، با شدائد و مشکلات برافروخته تر می شود.

در روایتی هشتمین ستاره تابناک ولایت علی بن موسی الرضا علیه السلام بدین مضموم می فرمایند: ایمان شخص کامل نمی شود تا خصلتی از خداوند و خصلتی از پیامبر و خصلتی از امام معصوم در او نباشد. و ما خصلتی که از خداوند باید داشته باشد کتمان سر مومن است و خصلتی که از پیامبر باید داشته باشد، اخلاق نیکو و مدارا کردن با دیگران است، و خصلتی که از امام معصوم باید داشته باشد سخاوت داشتن است. (واما السائل فلا تنهر فقیر را ناامید مکن اگر چه یک جبه انگور باشد، چون او آبرویش به پای

توریخته، حداقل با زبان خوش با او برخورد کن)

و روح انسان با عبادت و بندگی و تحمل مشکلات بزرگ میشود، اگر کسی روحش کوچک باشد، با کوچکترین نا ملایمات دست از اعتقاداتش بر می دارد و خود را تابع زر و زور و قدرت و تزویر می کند، لذا ظرفیت روحی افراد همان ظرفیت ایمانی افراد است. که گفته اند

الهی به مستان میخا نه ات به عقل آفرینان دیوا نه ات  
الهی به آنان که در تو گمند نهان از دل و دیده مرد مند  
معنی ده، چو ریزیش در سبو بر آرد از دل، آواز هو (خدا)  
۴۶- درس عاطفه و انسانیت به جامعه بشری:

امام حسین علیه السلام از مکه به کربلا- در تشریف حرکت بودند که ابوحنیفه با همراهی خانواده شان مخالفت کرد ولی امام که پایان کار را می دیدند و خانواده خود را از نظر عاطفی نایستی تنها می گذاشتند و از آنان به عنوان سفیر عاشورا، بهره برداری برای تقویت حدود الهی و دین جدشان استفاده شده است.

تا جائی که بشر فعلی باید از خط فکری امام تا انقراض بشریت استفاده کند. مردم اروپایی که احساسات و عاطفه خانوادگی را از دست داده اند. به علت این است که انسان هم احتیاج دارد به دیگران محبت کند و هم از دیگران محبت ببیند و اگر این ابراز محبت یک طرفه شد، پس از مدتی منجر به قطع محبت و ارتباط می گردد.  
به همین دلیل است که اروپائیان به جای عواطف خانوادگی، عواطف حیوانی را جایگزین کرده اند و از حیواناتی مثل گربه و سگ پرستاری و ابراز محبت می کنند.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: اگر کسی به شما محبتی ابراز داشت، این محبت همانند یک یوقی (گردنبندی) به گردن شماست تا آن محبت را تلافی و یا شکر و سپاسگزاری آن را به جا آورید.

در جریان عاشورا در مرحله اول که حرّ سد راه حضرت شده بود، حضرت شروع کننده جنگ نشدند، بلکه به لشکر حرّ آب دادند و از آنها و اسبهایشان پذیرایی نمودند.

ولی در عوض آنها محبت را با جسارت و بی حرمتی جواب دادند و از درجه انسانیت افول کرده و از درجه حیوانیت هم، خود را بی ارزشتر نمودند.

۴۷- درس تکامل انسانیت: انسان دارای قوه غضبیه، و قوه ناطقه و قوه شهویه است.

انسانهایی که قوه غضبیه را با علم و قوه ناطقه را با تدبیر و حلم و قوه شهویه را با حیاء تحت کنترل خود، در آورده اند، به تکامل انسانیت رسیده اند.

و آقایان امام حسین علیه السلام، و سیزده معصومین، از نور واحدی هستند، بطوریکه پدرشان امیر المومنین علیه السلام میفرماید، ایمان شخص کامل نمی شود، تا اینکه خلقت من (پیامبر و در ائمه معصومین) را از نور بداند. و در جای دیگر بدین مضموم می فرماید، خداوند نور ما چهار ده معصوم را در حالی خلق کرد، که آدم هنوز در میان آب و گل بود. کسانیکه سه قوه مذکور را در اختیار دارند، مصداق دو بیتی زیرند.

تن آدمی شریف است بجان آدمیت نه همین لباس زیباست نشان آدمیت  
اگر آدمی به چشم است و گوش و بینی چه میان نقش دیوار و چه میان آدمیت  
اگر این درنده خوئی ز طبیعت بمیرد رسد آدمی بجائی، که بحر خدا نبیند  
بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت (سعدی ره)

اشاره آخر، به فراز و کان قاب قوسین او ادنا از دعای ندبه است.

۴۸- درس حریت و آزادگی: اسوه حریت و آزادگی خود امام حسین علیه السلام میباشند. وسپس یاران با وفایشان از جمله حر بن یزید ریاحی، که چون خود را در سر دو راهی دید، غلبه عقل بر نفس را ترجیح داد و از لشکر یزیدیان به جند الله هجرت نمود و دستگاری شد. که این تصمیم کار شجاعانه بود که در آن مقطع شجاعت می خواست. چون فرمانده یک سپاه چند هزار نفری کم مقامی نبوده نیست. با تمام این اوصاف چون اول کسی بود که راه امام را سد کرد. سر او همراه سرهای شهدا به کوفه برده نشد، و قبیل اش او را خارج از کربلا بخاک سپردند. ولی عمر سعد و امثال وی نفس و دنیا را بر عقل و دین ترجیح دادند و از هجرت بسوی جند الله سرباز زدند و در لشکر شرک و کفر باقی ماندند. و به خیال باطل خود پس از واقعه توبه خواهند نمود، در صورتیکه امیرالمومنین علیه السلام جهت قبولی توبه و استجابت دعاء هر کس یازده مورد زیر را در نهج البلاغه یاد آور میشوند، که به اختصار و مضمومیت عبارتند از:

۱- معرفت خدا شناسی خود را کامل و اصلاح کنیم، و حق او را (شریک قرار ندادن با خداوند رب العالمین) رعایت کنیم.

۲- پیامبر ختمی مرتبت را بخوبی بشناسیم و به دستورات و سنت وی عمل نمائیم.

۳- قرآن را بخوانیم و به مفاد آن عمل نمائیم.

۴- می گوئیم خداوند از مجازات می ترسم، ولی کارهایی میکنیم که ما را به آتش نزدیک میکند (مانند غیبت و دروغ و تهمت و....)

۵- همه ما به پاداش الهی مانند بهشت و نعم آن (مثل حوری و اطعمه و اشربه و....) علاقه داریم ولی در عمل کاری انجام میدهم که ما را از بهشت دور میکند.

۶- همه ما از نعمتهای خداوند در دنیا استفاده می کنیم (از نظر غذا، پوشاک، مسکن و دیگر نعم....) ولی شکر آنرا بجا نمی آوریم.

۷- همانا خداوند اعلان کرده شیطان دشمنی است روشن و آشکار که از او اطاعت نکنید و در گفتارتان او را دشمن خود بدانید، ولی در عمل او را دوست خود می دانیم و خواسته های شیطان را اجابت می کنیم.

۸- شما انسانها، عیب و نقص خود را نمی بینید، ولی به عیب دیگران می پردازید. نقاط ضعف دیگران را می بینید ولی عیوب خودتان را پشت سر خود قرار می دهید، تا نبینید و دیگران هم نبینند، چطور انتظار دارید، با این عیوبی که دارید خداوند دعای شما را مستجاب نماید.

۹- قبل از توبه باید پاک بود، و صدقه ای به مستحقین پرداخت یا کار خیری انجام دهیم و سپس صلوات بر پیامبر و اهل البیت او بفرستیم.

۱۰- اطعمه و اشربه خود را پاک و حلال و طاهر قرار دهیم.

۱۱- از گفتن امر بمعروف و نهی از منکر با شرایطش پرهیز نکنیم.

۱۲- قلب خود را از دشمنی بندگان خوب خداوند مهربان پاک کنید (محبت چهارده معصوم و پیروانشان) و سپس دعا کنید، انشا الله به استجابت خواهد رسید.

۱۳- مجدداً صلوات بر پیامبر و اهل البیت آن بزرگوار بفرستید، چون خود خداوند ملائکه بر وی درود و صلوات می فرستند، و فرستادن صلوات در ابتدا و انتهای دعا خواسته و دعا شما را گارد و محافظت کرده تا به استجابت برسد. از طرف دیگر امام صادق علیه السلام میفرماید، اگر برای دعا و گرفتن حاجتی به مکانی مراجعه کردید، و مطرح کردن آن حاجت فراموشتان شد، خداوند بیرکت صلواتی که در آن مکان فرستادید، حاجتتان را قبول میکند. و امام محمد باقر علیه السلام میفرماید، اگر بنا بدلایلی موفق بخواندن نماز شب نشدید، با فرستادن، صلوات ثواب نماز شب را برایتان منظور میکنند

۱۴- پس از توبه و استجابت دعایمان مصمم به رعایت موارد ذکر شده داشته باشیم و در این راستا از خداوند متعال و چهارده معصوم

پاک بخواهیم ما را ثابت قدم و عاقبت بخیر نمایند .

۴۹- درس اقامه نماز: در ظهر عاشورا خود حضرت اذان و اقامه نماز را گفتند، و در حالی نماز را بپا داشتند که مورد هجوم تیرهای یزیدیان قرار گرفتند و چند نفر کشته و زخمی دادند، بنده و جناب عالی چه عذری برای به تاخیر انداختن نمازتان داریم، بخصوص در مواقعی که حقوقی از دیگران در کار نیست. در وقت نماز طواف هم متوقف می شود، و اگر شرایط جماعت نیست خواندن اذان و اقامه مستحب موکد است، زیرا با گفتن اذان و اقامه دو صف فرشته که از مغرب تا مشرق امتداد دارد به شما اقتدا میکنند.

۵۰- درس اتمام حجت: ایشان با علم یدنلی که از پروردگار عالم داشتند، براحتی می توانستند برای خود و دیگران آب تهیه کنند، ولی برای اتمام حجت بندگی خود و قساوت قلب یزیدیان، کودک شش ماهه خود حضرت علی اصغر را بمیدان آوردند، و فرمودند اگر میگوئید بهانه است خودتان او را آب دهید و بمن بر گردانید، که جواب ایشان تیر سه شعبه اشغی اشغیای حرمه گلوی آن بزرگوار را نشانه گرفت، و به گفته یکی از محققین اروپائی که تصور میکرد، واقعه عاشورا بر سر متاع دنیوی بوده، موقعی که چگونگی شهادت علی اصغر را تحقیق نمود، متوجه حقانیت والهی بودن امام حسین شد و شیعه گردید.

۵۱- مدیریت زمان: در زمان ما انواع مدیریتها مطرح است مثل مدیریت دولتی، مدیریت صنعتی، مدیریت بحران و مدیریت زمان و..... در حالیکه امام حسین علیه السلام در ۵۷ سالگی بشهادت رسیدن، ولی پس از هزار کسری از شهادت ایشان روز بروز بیشتر و بهتر حقانیت ایشان به مردم جهان ثابت شده و پیروان جدیدی را می پذیرند.

دشمن کشت ولی نور تو خاموش نگشت آری آن جلوه که خاموش نشود نور خداست  
امام هشتم علیه السلام می فرماید: کسیکه برای مصائب جدم حسین گریه کند و اشک او بر صورتش جاری شود خداوند تمام گناهان صغیره . کبیره او را (به شرط توبه واقعی) می آمرزد.

### امام صادق علیه السلام می فرماید:

هیچ چشمی و اشکی نزد خداوند محبوب تر از چشم و اشکی نیست که بر حسین علیه السلام بگرید و جاری گردد.  
ثواب آنچه جمع آوری شده را تقدیم می کنم به پیشگاه امام عصر تا ایشان هم تقدیم نمایند به ارواح کبار آبائشان انشاء الله مورد تائیدشان باشد.

۵۲- هدف و نیت امام حسین علیه السلام: در سال پنجم هجری در معراج به پیامبر گفته شد از طرف خداوند متعال، که در سه مورد امتحان خواهی شد. (در صورتیکه در سال هیجدهم هجری واقعه عاشورا انجام می شود).

اول، جوع و گرسنگی و ایثار کردن بر دیگران، پیامبر عرضه می دارد، قبول کردم و تسلیم شدم و صبر و توفیق آنرا از خدا خواستارم .  
دوم اینکه ترا تکذیب می کنند و شما باید حتما جانشین خود را معرفی و اعلان نمائی و باید با مالت و جان با کفار مبارزه کنی و از تمام شداندی که به شمامی رسد صبر کنی، پیامبر عرضه داشت قبول کردم و تسلیم شدم و توفیق و صبر از طرف توست.

سوم یار رسول الله چیزهاییست که مربوط به اهل البیت است، اولش برادرت امیرالمومنین را شهید می کنند و او را از حقش محروم میکنند و حق فاطمه را غصب میکنند (منظور فدک است که بدستور جبرائیل پیامبر به دخترشان هدیه نمودند) و به دخترت ظلم میکنند و او را میزند در حالیکه حامله است بلکه درب منزلش را آتش می زنند و داخل حریم منزلش شده و بر اثر صدمات وارده فرزندش را از دست میدهد و او دو پسر دارد که اولی را با مکر و زهر می کشند و دومی را به سمت جهاد دعوتش می کنند و به شهادت می رسانند. کفار در کشتن او عجله میکنند و به یکدیگر کمک می کنند، حسین را ذره ذره میکنند و باز جر می کشند یا رسول الله فقط او را نمی کشند بلکه فرزندانش را می کشند و غارت اشیاء حتی گوشواره کودکان را از گوش میکشند (ملعون بنی امیه) حسین بن نمیر دید دختر بچه ای لب خیمه ایستاده و گوشواره اش حرکت می کند او را تعقیب کرد تا به او رسید و بدون معطلی گوشواره را

کشید و گوش آن طفل معصوم را پاره کرد) (نقل از کتاب بحار مجلسی در جواب آنانیکه می پرسند امام میدانست شهید میشود یاخیر و....) امام هشتم میفرماید، حسین را مثل گوسفند قربانی گشتند.....

خداوند متعال برای صبر امیرالمومنین جزای او را بهشت و ساقی حوض کوثر قرار داد. و حوض کوثر و جهنم را برای امیرالمومنین علیه السلام سرد و سلامت قرار داد، و کسیکه یک سرسوزن محبت امیرالمومنین را داسته باشد جهنمی نیست. و اگر همه مردم بر محبت امیرالمومنین اجتماع میکردند، خداوند جهنم را نمی آفرید. و جزای پسر اول که با مکروهیله شهید کردند، آنستکه عرش خودم را بواسطه این او و برادرش زینت میدهم و برایشان کرامتی قرار میدهم که به قلب و مغز هیچکس خطور نکرده است. و کسانیکه به زیارت قبر حسین می روند همانند زیارت پیامبر رفتن است. و بر من خدا واجب است که زائر خودم را کرامت کنم. میزبان زائر کربلا خداست. ای پیامبر زائر کربلا همنشین توست در بهشت و منم که ضمانت می کنم حوئج دنیا و آخرتش را بر آورده کنم. و برای پاداش فاطمه، فاطمه می ایستد نزد عرش خدا و خداوند میفرماید، فاطمه امروز ترا حاکم قرار داده ام و تعدادی سوال می کنند خداوند امروز حاکم محشر تویی یا فاطمه؟ خداوند می فرماید، امروز حاکم فاطمه است و من خدای عالم، ای فاطمه هر که بتو ظلم کرده، اختیار در دست توست، فاطمه عرضه می دارد خدایا می خوهم حسن و حسینم را بینم. و در محشر اباعبدالله بدون سردر حالیکه سربار کشان در دستشان است به محشر وارد میشوند و آقا امام حسن در حالیکه خون از گلویشان جاریست وارد محشر میشوند. حضرت زهرا ناله ای می زنند و غش میکنند، بعد بهوش می آیند و میگویند حاجت بخواه، حضرت می فرماید شیعیانم را و شیعیان فرزندانم را می خواهم شفاعت کنم. بغیر کافر و منافق و آنانکه شک در عظمت اهل البیت دارند همه بخشیده میشوند. (درجه و مقام هر کس بستگی به عملکرد دنیای او با خود و دیگران دارد).

روز قیامت اولین پرونده در مورد اولین ظالم، قاتل محسن و اولی و قنفوض است می آورند که تنها این دو نفر قاتل نبودند، بلکه بیست و چند نفر بودند که هر کدام بنحوی به فاطمه اذیت و آزار میکردند. فاطمه به امیر المومنین میگوید، بدان ای ابوالحسن که دومی تازیانه را از قنفوض گرفت و خود می زد.

دادگاه حکم میکند که این دو ملعون را با تازیانه های آتشین بزنند که اگر یکی از این تازیانه هارا به دریا های عالم بزنند آتش می گیرد و اگر به کوهها بزنند کوهها پراکنده می شوند. و در جهنم در تابوت آتشین قرارشان می دهند، و به آنها نیکه تحت ولایت اولی و دومی بوده اند، می گویند چه کسانی شما را گمراه کرده، از جن و انس. جواب می دهند از اجنه شیطان و از انسانها اولی و دومی و..... در محشر آقا اباعبدالله الحسین بدون سر، در حالیکه سر مبارشان در دستشان است وارد می شوند و آقا امام حسن در حالی وارد میشوند که خون از گلویشان جاریست. حضرت زهرا ناله ای می زند و غش می کنند، بعد به هوش می آیند، و خداوند به ایشان میفرماید حاجت بخواه، حضرت می فرماید، شیعیانم را و شیعیان فرزندانم رانجات بده، غیر از کافر و منافق و آنکه شک در عظمت اهل البیت دارد همه بخشیده میشوند و امیر المومنین هم نسبت به بقیه غاصبان اقدام می کنند. هدف امام حسین علیه السلام در چند بیت زیر آمده است.

آمدم در کربلا تا با خدا سودا کنم از دل و جانم حکم او را موبموا اجرا کنم

آمدم تا در ره عهدی که بستم با خدا دین و قرآن را به خون خویشتن احیا کنم

آمدم تا برگ آزادی اسلام را با نثار خون هفتاد و دو تن امضاء کنم

آمدم تا نخل توحید خدا را بارور با نثار اکبر و عباس مه سیما کنم

آمدم تا بر علیه دشمنان جد خود با قیام خویش برپا، محشر عظمی کنم

آمدم تا تشنه لب، جان در ره جانان دهم نقش خود را در زمین کربلا ایفا کنم

آمدم تا بندگان را رهنمائی سوی حق با سیری رفتن ذریه زهرا کنم

آمدم تا بانثار کودک ششماهه ام زاده مرجانه رایبچاره ورسوا کنم

۵۳- درس کمی عده یاران امام حسین علیه السلام (۷۲ نفر) در مقابل یزیدیان (۲۰۰۰۰-۴۰۰۰۰ نفر نوشته اند) ولی سه الی چهار سال که از واقعه عاشورا گذشت، حقیقت و راستی بر خدعه و نیرنگ و ریا و دروغ غلبه نمود و روز بروز و سال بسال عاشورا با محتوای بیشتری در جهان مطرح و عاشقان این راه بیشتر و بیشتر می شوند، لذا اگر در جریان یا اتفاقی یا پیش آمدی غیر مطرqbه و ناخواسته، بنده یا جنابعالی یک نفر و طرف مقابل ده یا بیشتر بنا به قول خداوند متعال (کم من فعتن قلیله غلبه فعته کثیره چه بسا تعداد قلیلی که بر تعداد کثیری پیروز شدند) و رویه امام حسین علیه السلام اقتدا کرده و مطمئن باشید کسیکه از اصول شریعت منحرف نشود پیروز است اگرچه بظاهر یا در مقطعی از زمان مغلوب به نظر آید.

۵۴- در لعن هائیکه به قاتلان امام حسین علیه السلام تا دامنه قیامت نثار میشود،

در زیارت عاشورا که به قولی از خود خداوند متعال نقل شده است و توسط امام محمد باقر علیه السلام نشر و توصیه شده است، (در ۲۲ فراز آن لعن آمده، که عدد ۲۲ جمع دو عدد ۱۱ میباشد و عدد یازده کلمه هو میباشد که (ه) پنج است و، (و) شش است و توصیه شده است موقع صبح و شب خواندن یازده سوره توحید (قل هو الله احد....) را در ذکر روزانه خود قرار دهید تا از شرور شیاطین جنی و انسی در امان باشید) علاوه بر اشخاصی که بنیان گذار ظلم و جور و خدعه و تزویر و ریا و شرک و بی عدالتی بوده اند (جلسه سقیفه بنی صاعده و اعضای شرکت کننده با نظر موافق)، اطلاق به افرادی که میشود که در همان خط فکری سیر و تلاش میکنند، جریان بنی امیه و بعدا بنی العباس از سقیفه شروع شد و تا امروزه فلسطین و لبنان و تظاهرات حضرت بقیه الله ادامه خواهد داشت. از طرف دیگر این واقعه را یک واقعه تاریخی و تمام شده تلقی نکنیم، بلکه شیعیان جهان با هوشیاری کامل متوجه تکرار جریان امویان و عباسیان که هدف وسیله را توجیه میکنند و برای رسیدن به دنیای ایده آل تمام ارزشهای اسلامی و حتی انسانی را در زیر لگدهای خود و ستوران، و تسلیهات نظامی روز له میکنند. که عینیت آنرا در حکومت اسرائیل و ایادی او و هابیهای آل سعود و دیگر هم پالکیهایشان می بینیم.

بخدا پناه می بریم و از او استمداد می طلبیم که بنده و جنابعالی موقع قرائت زیارت عاشورا خودمان، خودمان را لعن نکنیم.

۵۵- درس صله رحم: چنانچه گذشت امام حسین علیه السلام در هجرت خود به کربلا، زن و فرزند و بستگان خود را به همراه آوردند، ولی در شب عاشورا به همگان اتمام حجت نمودند و فرمودند، اگر برای تمنیات دنیوی همراه من هستید، و یا بدهکار بمردمید (حق الناس) بدانید فردا اینجا به کسی رحم نمیکنند، و من بیعت خود را از شما بر میدارم، تا از تاریکی شب استفاده کنید و بروید، تعدادی با خدا حافظی و تعدادی بدون خدا حافظی رفتند، و تنها بستگان واقعی ماندند، لذا امام به قدرت امامت خود جایگاه آنان را نشانشان دادند، به همین دلیل روز عاشورا با حداکثر توان و قدرت مبارزه کردند و از شهادت هیچگونه ترس و هراسی نداشتند. بعکس یزیدیان اجتماع و همبستگی کردند در قطع رحم و بدتر از آن به ظلم و ستمگری و قتل و غارت و اسارت عزیزان پیامبر خاتم، در صورتیکه تنها مزد رسالت پیامبر مودت و دفاع از حریم اهل البیت بوده و هست.

در جوامع ایرانی صله رحم فقط به دید و باز دید همدیگر رفتن است، اگرچه این رفت آمدها خوب و پسندیده است، ولی صله رحم واقعی آنست که اگر بستگان شما مشکلی دارند و در توان شماست که آن مشکل را باز کنید، کوتاهی نکنید، که اگر کوتاهی کردید، و لا اینکه طرف مقابل نفهمد شما قاطع رحم هستید، چه برسد به اینکه حسادت و ورزید و موجبات ناراحتی و مشکلاتی را برایش فراهم کنید که دیگر نمی توان به شما انسان گفت. پناه میریم از شرور شیاطین جنی و انسی.

۵۶- درس آبرومندی: در زیارت عاشورا می خوانیم اللهم اجعلنی عندک وجیه بالحسین علیه السلام. خداودا برای من آبرویی قرار ده به آن، آبروی امام حسین علیه السلام. آبروی امام حسین از اطاعت مولای خود، خداوند متعال نشعت گرفته زیرا امام با خداوند وارد معامله شده و همه هستی خود را در راه خدا ایثار نمود. آبرومندی دنیا زدهها به ثروت و جواهرات و پست و مقام و زیباییهاست، که تمام

اینها عاریتی و موقت است و بعضا مثل جواهرات باید مدام نگران حفظ و سرقت نشدنش باشند که گفته اند .

علم و مال و حشمت و جاه و قران فتنه آرد بر کف بدگوهان، از طرف دیگر این آبروهای ظاهری تا دردناک هستند بدرد میخورد ولی از موقع مرگ، چیزی بجز تقوا و توشه هائیکه بدرد مسافرت بدون بازگشت می خورد بکار نمی آید. مال به نزد اهل کمال تالاب گوراست بعد از آن اعمال صالح.

آقایمان امام حسین علیه السلام روز بروز بر آبرویش افزوده می شود و از مکاتب دیگر حتی هندویان مثل گاندی انقلاب کبیر هند را از واقعه عاشورای امام حسین تبعیت کرده است .

هرکسی در دنیا و آخرت آبرو می خواهد باید پیروی از امام حسین علیه السلام و خط مشی او کند. زیرا قطره چون اصل به دریا میشود دریا شود، و رنه قطره قطره و دریا دریاست. از طرف دیگر در دنیا اگر حداکثر صد سال هم زندگی کنیم در مقابل قیامت که هر روزش پنجاه هزار سال است اندک و ناچیز است و هیچ عاقل و عالمی بینهایت زمان را به یک دقیقه نمی فوشد. از خداوند توفیقی همانند پیامبر و ائمه اطهار داریم. از طرف دیگر کسی آبرو دارد که رضایت خالق را بر رضایت مخلوق مقدم دارد، اگرچه بظاهر و در زمانی کوتاه مورد تمسخر و انتقاد قرار گیرد که باید از بدگویان کج فکر هیچگونه ملالی بخود راه ندهد.

الهم اجعل محیا، محیا محمد و آل محمد و مماتی، ممات محمد و آل محمد برحمتک یا ارحمن الراحمین

۵۷- درسی تنهائی حسین علیه السلام- امام تنها شده بود و دیگر مرد سالمی نبود که به کمک امام بیاید لذا امام فرمودند: هل من ناصر ینصرنی آیا کسی نیست که مرا یاری و کمک کند؟! در این هنگام علی اصغر گهواره اش را تکان داد و شروع به گریه کردن و جواب مثبت به پدر را داد، امام در حالی که شمشیر در دست راست داشتند، دست چپ را داخل بند قنناق علی اصغر کرده و او را برای اتمام حجت هرچه بیشتر به لشکریان یزدید نشان دادند و فرمودند این طفل شیرخوار را اگر آب بدهید می میرد و اگر آب ندهید هم می میرد و اگر می گوئید من طفل را بهانه کرده ام، بیائید بگیرد، آبش بدهید و به من برگردانید که در جواب عمر سعد بن هرمله گفت چرا جواب حسین را نمی دهی، هرمله لعنت الله علیه گفت پدر را نشانه بگیرم یا پسر؟ عمر سعد لعنت الله علیه گفت مگر سفیدی گلوی پسر را بینی و آن لعنت ازل و ابد گلوی طفل شیرخوار را نشانه گرفت بطوری که گردن مبارک به پوست فقط وصل بود و علی اصغر خواست گریه کند، چون که پدر را تنها دید تبسم کرد و حسین علیه السلام خون گلوی طفل شیرخوارشان را به طرف آسمان پرتاب کرده و فرمودند خداوند، این قربانی را از ما قبول فرما. درسی که از این صحنه می گیریم این است که اتمام حجت تا جایی که گمانمان برای هدایت معاندان و مشرکان می رود باید انجام شود و برای رسیدن به هدف نهایی که حقانیت دین خداوند است از هیچ چیزی نباستی فرو گذار کنیم حتی از طفل شیرخوارمان. و ندای امام حسین جهت یاری طلب نمودن هنوز از زبان امام زمان، صاحب العصر و زمان بگوش می رسد. و اگر چه در هفته روزهای دوشنبه و پنجشنبه اعمال محبین و شیعیانشان به نظر مبارکشان می رسد، ولی بنده و جنابعالی در ابعادی که در توان داریم، چقدر سعی و کوشش نموده ایم، انبساط خاطر و نزدیک شدن ظهورشان را با اعمال صالح خود فراهم آوریم.

۵۸- امام حسین علیه السلام در روز عاشورا از شمشیر پدرشان امیرالمؤمنین و عمامه پیامبر استفاده نمودند و این بخاطر اثبات حقانیترا جدشان پیامبر بود و در این رابطه درسی که می گیریم این است که اسلامیت به اسم نیست، بلکه به عمل است و اهل البیت و داخل خانه بودن به عنوان (همسر پیامبر بودن) نیست بلکه به متابعت است از قرآن و عترت.

که قرآن به زنان پیامبر می فرماید: در خانه بمانید! نه اینکه جنگ جمل به پا کنید و ...

نام فروردین نیارد گل به باغخانه روشن نگردد از اسم چراغ

۵۹- درسی دیگر که امام حسین به ما می آموزند، این است که شیعیان واقعی العارفون بالله هستند، یعنی خداشناسی در خلوت و جلوت دارند. و خود را در هر حال و موقعیتی در محضر خدای بینند. و معتقدند آشکار و نهان انسانها برای خداوند آشکار است. لذا سعی

در عمل خالص و صالح دارند.

۶۰-درسی دیگر اینکه، آمرون بامرالله هستند یعنی از اوامر الهی اطاعت می کنید و در این راستا، سمعاً و طاعتاً می باشند نه یومن بیعض و یکفر بیعض که هم الکافرون می باشند. (کسانی که نماز می خوانند و حرام هم می خوردند و خلوت و جلوت آنها فرق دارد و ... خود را مسلمان ندانند)

درس دیگر از امام حسین این است که مؤمن عزت نفسانی دارد، ذلت و حقارت با مؤمن سازگاری ندارد، ذلت و خواری با روح ایمان سازگاری ندارد.

۶۲-درس دیگر از امام حسین علیه السلام: وصایای حضرت به حضرت سجاد و هدایت اوامر به مدیریت حضرت زینب کبری و رهبری و بصیرت امام سجاد حضرت زین العابدین علیه السلام زیرا کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود. و سفارشات که آقا اباعبدالله الحسین به این دو بزرگوار کردند خود قابل تجزیه و تحلیل و پیشگویی های امام بوده است.

۶۳-درس دیگر، اینکه پیامبر اکرم در خطبه غدیر، فرمودند: علی علیه السلام، امامی است که از طرف خداوند برگزیده شده و انکار کننده اش توبه اش پذیرفته نیست، هر چند عبادت زیادی کرده باشد. (این همه بخاطر ولایت عملی از اهل البیت است) (اگر خداوند تکبرورزیدن و زور و ثروت و نیروهای جنی و انسی و حیوانات را میخواست در اختیار پیامبرانش قرار میداد) (اگر چه در باطن در اختیارشان بود) اما خداوند تکبر و خود بر تر بینی را برای همه پیامبران و ائمه اطهار صلوات الله علیهم والسلام، منفور شمرده است.

۶۴-درس عاطفه و انسانیت به جامعه بشری: ام حسین علیه السلام از مکه به کربلا در تشریف حرکت بودند که ابوحنیفه با همراهی خانواده شان مخالفت کرد ولی امام که پایان کار را می دیدند و خانواده خود را از نظر عاطفی نایستی تنها می گذاشتند و از آنان به عنوان سفیر عاشورا، بهره برداری برای تقویت حدود الهی و دین جدشان استفاده شده است.

تا جائی که بشر فعلی باید از خط فکری امام تا انقراض بشریت استفاده کند. مردم اروپایی که احساسات و عاطفه خانوادگی را از دست داده اند. به علت این است که انسان هم احتیاج دارد به دیگران محبت کند و هم از دیگران محبت ببیند و اگر این ابراز محبت یک طرفه شد، پس از مدتی منجر به قطع محبت و ارتباط می گردد.

به همین دلیل است که اروپائیان به جای عواطف خانوادگی، عواطف حیوانی را جایگزین کرده اند و از حیواناتی مثل گربه و سگ پرستاری و ابراز محبت می کنند.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: اگر کسی به شما محبتی ابراز داشت، این محبت همانند یک یوقی (گردنبندی) به گردن شماست تا آن محبت را تلافی و یا شکر و سپاسگزاری آن را به جا آورید.

در جریان عاشورا در مرحله اول که حرّ سد راه حضرت شده بود، حضرت شروع کننده جنگ نشدند، بلکه به لشکر حرّ آب دادند و از آنها و اسبهایشان پذیرایی نمودند.

ولیهما راهان حر در عوض آن همه محبت، با جسارت و بی حرمتی جواب دادند و از درجه انسانیت افول کرده و از درجه حیوانیت هم، خود را بی ارزشتر نمودند.

۶۵-درس اصلاح فرهنگ و زندگی:

اصلاح فرهنگ یک جامعه به تفکر و باورهای قلبی آنان بستگی دارد، حال چه قانون و موازین الهی باشد، چه قوانین بشری. ولی مسلمین که از قرآن پیروی میکنند، باید از آیه ولکم فیکم رسول الله اسوه الحسنه برای شما پیامبر اکرم و ائمه اطهار بهترین الگو هستند.

در واقعه کربلا به ظاهر همگی خود را مسلم میپنداشتند! ولی در عمل یزیدیان فقط و فقط به خواسته های خود وزن و فرزند و دنیا و مال دنیا باور و یقین داشتند. و تفکر آنان محدود به دنیا می شد و دین را تا جائی قبول داشتند که به دنیا و اعتبارات دنیوی و خواسته

هایشان لطمه ای نخورد.

۶۶-درس ارزشها و ضد ارزشها:

اگر در خانواده یا جامعه ای ارزش وضد ارزش، صداقت و راستگویی، با دروغ و تزویر، قوانین با روابط نامشروع و خدا محوری و یکرنگی با کلاه برداری و حيله و خدعه، ارزششان عوض شد، آن جامعه دیر یا زود محکوم به فنا و شکست است. زیرا یزیدیان هدفشان هوای نفسشان و رسیدن به دنیا و تمنیات آن بودند، و هیچ از عقل سلیم و قرآن و سنت اطاعتی نداشتند. بلکه حلوی شیرین و نقد را میخواستند! که مهرهای اصلی به بدترین شکل و خفت و خاری بدرک واصل شدند. امام حسین علیه السلام می فرماید: عزت و بی نیازی با همدیگر از منزل خود خارج شدند و در مسیرشان به خانه توکل برخورد نمودند، و آنجا (در خانه توکل) سکونت گزیدند و سعادت مند شدند. (یعنی اگر کسی عزت و بی نیازی می خواهد باید خود را به خدای بلا شریک بسپارد و متکی به او باشد ((من استعان بغير الله ذل)) کسی که از غیر خداوند کمک و استعانت بخواهد ذلیل میشود. (مگر اینکه جزء پیامبران و جانشینان راستین پیامبران باشند)

۶۷- درس تفکر الهی:

آنانکه با تفکر الهی و مقدس تشیع، زندگی می کنند، دنیا را همانند خانه اجاره ای یا هتل و مهماسرا می بینند، و شهادت در راه خدا و مکتب غنی تشیع را جز سعادت و رستگاری نمی دانند و در زندگی روزمرگی نه ترس و نه خوفی دیده می شود. وسعی بر آن دارند که از قرآن و اهلیت پیروی کنند و خود را به کمتر از بهشت نخواهند فروخت. همانند شهدا بحق کربلا، که از بدو شهادت در ناز و نعمت قرار گرفته اند و تا انقراض بشریت، چگونه زیستشان و ایثارشان زبان زد خاص و عام، و دوست و دشمن خواهد بود.

۶۸-درس تکرار تاریخ-واقعه عاشورا در سال ۶۱ هجری قمری به وقوع پیوسته، ولی تاریخ تکرار میشود، چون کل یوم عاشورا و کل ارض کربلاست.

اگر من و شما در واقعه کربلا ۶۱ حضور داشتیم، در کدام جبهه مبارزه میکردیم، آیا با پذیرش حق از باطل فاصله می گرفتیم و انشا الله جزء یاران امام بودیم یا نه. که در آن مقطع زمانی نبودیم آرزو نمی کنیم، که ای کاش ما با شما بودیم و در دفاع از حریم اهل البیت شهید می شدیم، اگر میگوئیم یا لیتی کنت معهم و در عمل از امام زمان خود مطابعت می کنیم جزء شهدای کربلا خواهیم بود. ولی اگر از دستورات امام زمانمان سرپیچی و تعلل و خود محوری میکنیم، جزء فراریها و بی تفاوتها و خدای ناکرده دشمنان امام محسوب میشویم.

۶۹-درس دنیا زدگی-در جریانات زندگی اگر دنیا و مادیات و نعم آن بیش از اهداف امام حسین علیه السلام و امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف در نظرمان ارزش دارد، بدانیم دنیا زده ایم و عشق به دنیا بر حب و مودت و اطاعت امام که ولایت است برتری دارد. کاسب و تاجر و کارمند و اقشار دیگر که در مسجد برای نماز حضور دارند ولی فکر و دلش در معامله و در آمد و اهداف دنیوی است، در حقیقت نماز نخوانده، بلکه آنچه در نماز حضور قلب داشته بهر مند است (همانند یک راننده که مراقب است از خطوط و خط قرمزها عبور نکند و اگر قصوری شد فوراً اصلاح میکند، عمل کنیم). حال باید نماز خود را با نماز روز عاشورا مقایسه کنیم، که موقع اذان نماز جزء کدام افراد آنروز هستیم، مامومین یا محافظان یا بی تفاوتها یا خدای نکرده تیر اندازان به نماز گزاران؟!!

۷۰-درس محرم و صفر-محرم و صفر همانند فروردین و اردیبهشت برای اعراب شروع سال بود، که با شادی شروع می شد. ولی بعد از شهادت پیامبر ختمی مرتبت و شروع ظلم و غصب و شهادت دیگر عزیزان پیامبر و بدعت گذار یها و بی عدالتی ها این دو ماههای انده و حزن رقم خورده شد، تا حقانیت، حق بر باطل، عدل بر ظلم و جور، و پاکی و صداقت و رستگاری بر دروغ و تزویر و ریا و ناپاکی و خدعه و حيله گری آشکار شود.

محرم و صفر، زمان بالیدن است در کنار نالیدن و اشگ ریختن، بساطش آموزه است نه موزه و تاتر، تمرین خوب نگرستن است

و شعور مذهب است. و کسانی به این اهداف نایل میشوند که عقلشان (حجت الهی و باطنی هر انسان عاقل) هر حقر را تائید و حمایت و هر باطلی را تکذیب و سرکوب کند. معیار حق و باطل راهم قرآن و عترت تعیین می فرمایند و لا غیر. در این راستا دنیا و تمام زیباییهایش را قلیل بدانیم و هیچگاه هیچکس و هیچ چیز و هیچکسی را به آخرت که کثیر و جاودان است را به دنیا که قلیل و زود گذر است نفروشیم. و از صبر و تقوا و عمل صالح و تفکر در نعم آخرت، خود را از حرامهای دنیا باز داریم و به حلالها و آنچه مقدرمان شده راضی شویم تا خداوند متعال هم از اعمال کم و خالص ما راضی شود.

۷۱- درس نهضت‌های موفق: در هر کجای این کره خاکی نهضت و انقلابی که الگوی آن قیام و ایستادگی آقا اباعبدالله الحسین و یاران با وفایشان بوده و خواهد بود، موفق و سر بلند است. مگر اینکه بمرور زمان از آن خط منحرف شده و امیال نفسانی و وسوسه شیطانی، آن نهضت و انقلاب را به بیراهه و ضعف سوق دهد.

۷۲- درس ترور شخصیت- از زمان پیامبر منافقان و کفار، با نسبت‌های ناروای ساحر و کاذب، شخصیت واقعی پیامبر و هدف ایشان را مقشوش میکردند، و در هر زمان این حالت بین مومنین و منافقین و کفار وجود دارد.

۷۳- درس علت العلیل: هر اقدامی چه خوب و چه بد دلیلی دارد و اگر چه دنیا شلوغ و پر جمعیت است و روز بروز هم بر نفوس آن افزوده می شود، ولی بی حساب و کتاب نیست. در کربلا یزیدیان ابراز نمودند کشتن حسین بخاطر دشمنی و کینه ای بوده که از فتح های پدرشان علی ابن ابیطالب داشته اند، لذا یزیدیان ایمانی به اسلام نداشتند و همه اش سیاسی کاری بوده است.

۷۴- درس مبارزه با ظلم: مبارزه با ظلم و ظالم اگر تعطیل شود، نوعی همکاری محسوب میشود و ظالم را برای ستمهای بزرگ و بزرگتر گستاخ و جسور میکند، ظلمی که به آقا اباعبدالله در کربلا شد، شروعش از کوجه های مدینه سرچشمه دارد، که فاطمه دخت پیامبر پس از استدلال حق خود با آیات قرآن دومی سد راه شد و با جسارت و قلدری سند فدک را گرفت و پاره کرد، این بی حرمتی یزیدیان را در کربلا گستاخ نمود که خون عزیزان پیامبر را بریزند. اللهم العن اول ظالم ظلمه بحقه آل محمد و آخره تابعه له علی ذالک.

۷۵- درس آخر: روایات و احادیث باید منطبق با آیات قرآن باشد و هر حدیث و روایتی بایستی از نظر سند و علم رجال و.... تائید شود و اهمیت مکتب تشیع به عتیق و بکر بودن آنست. پیامبری که می فرماید اگر غیبت مومنی را انجام دهید تا چهل روز اعمال صالح شما به پرونده غیبت شونده منتقل می شود و اگر عمل صالحی نداشتید گناهان غیبت شونده به پرونده شما وارد می شود و روز قیامت بسیاری می گویند این پرونده ما نیست و اعمالی مثل مکه و عمره و عتبات و کارهای خیر انجام داده ایم که وجود ندارد، ندا می رسد شما غیبت فلان شخص را کردید و اعمال خوبتان به وی منتقل شد و بالعکس (مسبب غیبت هم از گناه بی بهره نیست). در قرآن هم غیبت کردن را خوردن گوشت میته برادر مومن خوانده و تا چهل روز توفیقات معنوی از غیبت کننده سلب می شود. حال کجای قرآن و حدیث و دین و مسلکی ترورهای انتحاری را تائید کرده یا می کند. فقط منطق کفر و زور و تزویر و دنیا طلبی اینگونه انتحارها و بمب گذاریهای نا جوانمردانه را که منجر به کشته شدن افراد بی دفاع و اطفال و مردم عادی، برای زندگی حیوانی، چند روز دنیا دامن مزند و لا غیر

کمتر از قتل و غیبت، نیش دار بودن زبان، حتی با کنایه است که بعضا منجر به خسارات مالی و جانی و آبروی طرف مقابل خواهد شد که شخص خاطی ضامن است و جزء حق الناس است. و در خانه قبر بستگی به نوع نیشی که زده، به مار و مور و عقرب و غیره تبدیل شده و متوفا را آزار می دهند، و تا زمانیکه صاحب حق حلال نکند در بیابان برهوت خواهد بود.

دل که رنجید از کسی خرسند کردن مشکل است

شیشه بشکسته را پیوند کردن مشکل است

شاید درسهای آموزنده دیگری از واقعه کربلا- استخراج شود، که این حقیر آنرا به زمان دیگری موکول خواهم کرد و اگر عمر

و توفیق یاریم نبود آنرا به دیگر هم مسلکانم واگذار مکنم. و در آخر به خود و دیگران توصیه میکنم ما شیعیان باید طوری زندگی کنیم، که اگر کسی خواست مشرف به این مکتب غنی، تشیع شود اعمال ما شیعیان را که می بیند مجذوب شود، و در زندگیمان خدامحور و چهار ده معصوم را الگو قرار دهیم. (در همه ابعاد زندگی) نه اینکه دستورالعمل مکتب تشیع را با زندگی واقعی و روزمره مان مغایر بینند. خوب باشید و احسان کنید تا خداوند هم به شما احسان کند. و دیگران را بگذارید بجای خودتان و هر چه برای خودتان دوست دارید اول برای بقیه بخواهید. تا در دنیا و آخرت رستگار و کامیاب شوید.

### امام صادق علیه السلام می فرمایند:

هیچ چشمی و اشکی نزد خداوند محبوب تر از چشم و اشکی نیست که بر حسین علیه السلام بگرید و جاری گردد. ثواب آنچه جمع آوری شده را تقدیم می کنم به پیشگاه امام عصر تا ایشان هم تقدیم نمایند به ارواح کبار آبائشان انشاءالله مورد تائیدشان باشد.

حال فرازهاییکه از زیارات مختلف که به وجود مبارک امام حسین علیه السلام در زیارات مختلف اطلاق شده است بتعداد ۱۲۰ که نام گرانقدر یا اشاره شده است، به قرار زیر است. و سپس ادامه دروس عاشورا.

در زیر فرازها و سلام ها ئی چند از خلعتهای الهی (از زیارات مختلف به آن بزرگ بی همتا) را یادآور می شوم.

۱- السلام عليك يا بن رسول رب العالمين .

سلام بر تو ای فرزند فرستاده پروردگار جها نیان.

۲- السلام عليك يا بن امير المؤمنين .

سلام بر تو ای فرزند امیر مومنین علی بن ابیطالب .

۳- السلام عليك يا بن فاطمه الزهراء .

سلام بر تو ای فرزند فاطمه الزهرا (دخت پیامبر)

۴- السلام عليك يا حبيب الله، السلام عليك يا صفوه الله.

سلام بر تو ای دوست خدا، سلام بر تو ای بنده خاص خدا .

۵- السلام عليك يا امين الله .

سلام بر تو ای امین سر خدا.

۶- السلام عليك يا حجة الله.

سلام بر تو ای حجت (دلیل، لگو، معیار، معک، ..... راه) خدا.

۷- السلام عليك يا نور الله. السلام عليك يا صراط الله

سلام بر تو ای نور (راهنما، روشنائی، ..... راه) خدا. سلام بر تو ای راه راست خدا.

۸- السلام عليك يا بيان حكم الله، السلام عليك يا ناصر دين الله.

سلام بر تو ای مبین (بیان کننده) حکم خدا، سلام بر تو ای یاری کننده دین خدا.

۹- السلام عليك ايها السيد الزكي، السلام عليك ايها البر الوفى.

سلام بر تو ای آقای، نیکوکاری. سلام بر تو ای بزگوار، وفادار.

۱۰- السلام عليك ايها الحق الحقيق، السلام عليك ايها الشهيد الصديق.

سلام بر تو ای مقام حق و حقیقت، سلام بر تو ای شهید صدیق

۱۱- أَلْسَلَامُ عَلَيَّ مَنْ جَعَلَ اللَّهُ الشَّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ.

سلام بر آن کسی که خداوند شفا را در خاک قبر او قرار داد.

۱۲- أَلْسَلَامُ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ الَّذِي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ

سلام بر حسین که جانش را تقدیم (دستور الهی) نمود.

۱۳- أَلْسَلَامُ عَلَيَّ مِنَ الْإِجَابَةِ تَحْتَ قُبَّتِهِ

سلام بر آن کسی که محل اجابت دعا در زیر بارگاه اوست. (حتی مجالس امام حسین علیه السلام)

۱۴- أَلْسَلَامُ عَلَيَّ خَامِسِ أَصْحَابِ الْكِنَاءِ

سلام بر پنجمین اهل کسا

۱۵- أَلْسَلَامُ عَلَيَّ حُجَّهَ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سلام بر حج پروردگار جهانیان

۱۶- أَلْسَلَامُ عَلَيَّ وَلِيَّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ

سلام بر ولی خدا و دوست او

۱۷- أَلْسَلَامُ عَلَيَّ خَلِيلِ اللَّهِ وَنَجِيهِ

سلام بر خلیل خدا بنده نجیب او

۱۸- أَلْسَلَامُ عَلَيَّ صَفِيِّ اللَّهِ وَبَنِّ صَفِيهِ

سلام بر بنده بر گزیده خدا و فرزند بر گزیده اش

۱۹- أَلْسَلَامُ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ

سلام بر حسین مظلوم و شهید

۲۰- أَلْسَلَامُ عَلَيَّ أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَقَتِيلِ الْعِبْرَاتِ

سلام بر آن بزرگواری که به گرفتاریها اسیر بود و کشته اشک روان گردید.

۲۱- أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ

سلام بر تو ای پدر بندگان خداوند ای حسین (ای که با جان دادنش دین جان گرفت بعد از او ویرانیش سامان گرفت)

۲۲- أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ: سلام بر تو ای فرزند رسول خدا

۲۳- أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ: سلام بر تو ای فرزند امیرالمومنین و ای فرزند اوصیاء

۲۴- أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ: سلام بر تو ای فرزند فاطمه که بزرگ زنان جهانیان است.

۲۵- أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا تَارَ اللَّهِ وَابْنَ تَارِهِ وَالْوَتْرَ الْمُؤْتَوْرَ: سلام بر تو ای آنکه خونخواه تو و پدرت، خداوند است و آنکه انتقام خونت

گرفته نشد.

۲۶- أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً: سلام بر تو و ارواح پاکی که به آستان مقدست سرسپردند.

بر همه شما باد و از من.

۲۷- مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ: سلام خدا تا هستم و شب و روز برجاست ای اباعبدالله چه بسیار

بزرگ است مصیبت شما.

۲۸- أَلْسَلَامُ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ وَعَلَى بَنِي الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ.

سلام بر حسین علیه السلام و بر علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام و بر فرزندان و اصحاب حسین علیه السلام  
۲۹- السلام عليك يا داعي الله ورباني آيا ته.

سلام بر تو ای دعوت کننده خلق بسوی خدا و مظهر آیات الهی و مرآت صفات ربانی.  
۳۰- السلام عليك يا باب الله و ديان دينه.

سلام بر تو ای درگاه خدا و حاکم و حافظ دین خدا.

۳۱- السلام عليك يا رحمة الله و دليل ارادته. السلام عليك يا تالی کتاب الله و ترجمانه.

سلام بر تو ای حجت خدا (بر حق عالم) و راهنمای بندگان به مقاصد الهیت، سلام ما بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا (حتی با لای نیزه) و مفسر و مبین حقایق آن.

۳۲- السلام عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ، وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ: سلام ما و همه پیروان اسلام بر مصیبت عظمی شما، و بر همه اهل اسلام و چه گران و عظیم است مصیبت شما در آسمانها بر همه اهل آسمانها.

۳۳- فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ: لعنت خدا بر مردمی که برپاداشته اند، بنای ظلم و ستم را بر شما خاندان پیغمبر.

۳۴- وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ: لعنت خدا بر مردمی که شما را از مقام خودتان کنار زدند.

۳۵- وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمُ اللَّهُ فِيهَا: و دور کردند، شما را از رتبه ای که خداوند به شما داده بود.

۳۶- وَلَعِنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهَّدِينَ لَهُمْ بِأَلْتُمُكِينَ مِنْ قِتَالِكُمْ: و لعنت خدا بر مردمی که شما را کشتند و لعنت خدا بر مردمی که فراهم نمودند وسایل جنگ با شما را.

۳۷- رَنْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَاتِّبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَائِهِمْ: روی می آورم بسوی خدا و بسوی شما از آنها (یزیدیان) و از دوستان و پیروان و اولیای آنها.

۳۸- يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، إِنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سَأَلْتُمْ، وَحَزَبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ: ای اباعبدالله الحسین من در صلح هستم با کسی که با شما در صلح است و در ستیزم با کسی که با شما (راه نما) در ستیز است تا روز قیامت.

۳۹- وَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ، وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً: و خداوند لعنت کند آل زیاد و خاندان مروان و بنی امیه را همگی.

۴۰- وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ، وَلَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَلَعَنَ اللَّهُ شِمْرًا: و خداوند لعنت کند پس مرجانه (ابن زیاد) و خداوند لعنت کند عمر پس سعد را و خداوند لعنت کند شمر را.

۴۱- وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ لِقِتَالِكُمْ: و خداوند لعنت کند مردمی را که اسبها را زین و لگام زدند و نقاب افکندند برای جنگ با شما.

۴۲- بِأَيْبِي أَنْتَ وَأُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ، فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ، وَأَكْرَمَنِي بِكَ، أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

پدر و مادرم به فدایت، برای شما که بزرگ است اندوه من، برای شما می خواهم از خدائی که گرامی داشت مقام ترا و به من عزت بخشید بخاطر تو اینکه نصیبم کند، خونخواهی ترا در رکاب امام پیروز (حضرت مهدی ارواحنا له فداک) از اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله که درود خدا بر او و خاندانش.

۴۳- اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: خداوند اقرار ده مرا نزد خودت آبرومند بخاطر حسین علیه السلام در دنیا و آخرت.

۴۴- يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ، وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَإِلَى فَاطِمَةَ، وَإِلَى الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ، وَبِالْبِرَاءَةِ

مِمَّن قَاتَلَكْ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ ، وَبِالْبِرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَسَ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْحِيُورِ عَلَيْكُمْ ، وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَبِالْبِرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَسَ أَسَاسَ ذَلِكَ : ای حسین جان، من تقرب می جویم به درگاه خدا و پیشگاه رسولش و بسوی امیرمؤمنان و بسوی فاطمه و امام حسن و بسوی تو، بوسیله دوستی تو و بیزاری از آنانکه بپاکردند، بنای ظلم را (اولین شروع کنندگان خطا و گناه و انحراف در دین اسلام را)

۴۵- وَبَنَى عَلَيْهِ بُيُوتَهُ ، وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجُورِهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ : و بنا نهادند کاخ ستم خود را بر حق شما و ظلم و جور بر شما را پیشه خود ساختند و پیروان شما.

۴۶- بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ ، وَاتَّقَرْتُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ وَمُؤَالَاهُ وَلِيِّكُمْ ، وَبِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ ، وَالنَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ : بیزاری می جویم بدرگاه خدا و به پیشگاه شما از آنها و تقرب می جویم بوسیله دوستی شما و دوستان شما بسوی خدا و سپس سوی شما و به بیزاری از دشمنان شما و آنانکه علیه شما جنگ بپا کردند.

۴۷- وَبِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ : و بیزاری از دوستان و پیروان آنهایی که جنگ علیه شما را به پا کردند.

۴۸- إِنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سَلَمَكُمْ ، وَحَرَبْتُ لِمَنْ حَارَبَكُمْ ، وَوَلَّيْتُ لِمَنْ وَالَاكُمْ ، وَعَدَدْتُ لِمَنْ عَادَاكُمْ : من در صلح با کسی که با شما در صلح است و در جنگ با کسی که با شما در جنگ است و دوستم با دوستدار شما و دشمنم با آنکه با شما دشمن است.

۴۹- فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ ، وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ : و از خداوند که گرامیم داشته، خواستارم آشنایی شما و آشنایی دوستان شما را.

۵۰- وَرَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ ، أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ : و توفیق و روزیم ده بیزاری از دشمنان شما به اینکه ق ۴رار دهد مرا با شما در دنیا و آخرت.

۵۱- وَأَنْ يُبَيِّنَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ : و پابرجا دارد برای من در پیش ما ثبات قدم را در دنیا و آخرت و از او می خواهم که مرا به مقام پسندیده شما در پیش خدا برساند.

۵۲- وَأَنْ يَزُقَنِي طَلَبَ ثَمَارِي كَمَا مَعَ إِمَامٍ هَدِيَّ ظَاهِرِ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ : و خونخواهی شما را در رکاب امام زمان علیه السلام که راهنمای آشکار و گویای بحق است نصیم گرداند.

۵۳- وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالسَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِنِي بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطَى مُصَاباً بِمُصَبِّئِهِ ، مُصَبِّئَهُ مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَفِي جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ : از خدا خواستارم بحق شما و به مقامی که برای شما است و در نزد او، اینکه پاداشم دهد در برابر اندوهی که بخاطر شما دارم بهترین پاداش را که به یک مصیب زده از مصیبتی که دیده می دهد برآستی چه مصیبت و اندوه بزرگی در اسلام و در همه آسمانها و زمین است.

۵۴- اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صِلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ : خداوندا قرارم ده در این مکان که هستم از کسانی باشم که برسد به از طرف تو درود و رحمت و آمرزش.

۵۵- اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَمَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ : خدایا قرار ده زندگیم را همانند زندگی محمد صلی الله علیه و آله محمد و مرگم را مانند مرگ محمد و آل محمد.

۵۶- السَّلَامُ عَلَى قَتِيلِ الْأَعْيَاءِ : سلام بر کشته شده بدست مردمان پست.

۵۷- السَّلَامُ عَلَى الشِّفَاهِ الذَّابِلَاتِ : سلام بر آن لب هایی که ضربه خورد.

۵۸- السَّلَامُ عَلَى قَتِيلِ الْمَظْلُومِ : سلام بر کشته شده مظلوم

۵۹- السَّلَامُ عَلَى الْعِزَّةِ الْقَرِيبَةِ : سلام بر کسی که اهل بیت غریب بود.

۶۰- السَّلَامُ عَلَى الْمُحْتَسِبِ الصَّابِرِ : سلام بر آن کسی که حسابگر بود و صبر کرد.

- ۶۱- أَلْسَلَامُ عَلَي مَنْ هُتِكَتْ حُرْمَتُهُ: سلام بر کسی که حرمتش هتک شد.
- ۶۲- أَلْسَلَامُ عَلَي الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ: سلام بر کسی که سرش بالای (نی) نیزه رفت.
- ۶۳- أَلْسَلَامُ عَلَي ولى الله و حبيبه: سلام و درود بر ولى خدا و حبيب(دوست)خدا.
- ۶۴- أَلْسَلَامُ عَلَي خليل الله و نجيبه: سلام و درود بر خليل خدا و برگزیده خدا.
- ۶۵- أَلْسَلَامُ عَلَي صَفِي الله و ابنِ صَفِيه: سلام و درود بر بنده برگزیده خدا و فرزند صَفِي خدا.
- ۶۶- أَلْسَلَامُ عَلَي الحسين المظلوم الشهيد: سلام و درود بر حسين ستمديده شهيد.
- ۶۷- السلام عليك يا بن رسول الله: سلام و درود بر تو ای فرزند رسول خدا.
- ۶۸- أَلْسَلَامُ عَلَيك يا بن سيد الاوصياء: درود و سلام بر تو ای فرزند آقای اوصياء.
- ۶۹- أَلْسَلَامُ عَلَيك يا ابا عبدالله، السلام عليك و رحمه الله و بركاته: سلام و درود بر تو ای حسين، سلام و رحمت و بركات خدا بر تو.
- ۷۰- أَلْسَلَامُ عَلَيك يا بن البشير النذير، وَاِبْنَ سَيِّدِ الْوَصِيَّيْنَ: سلام و درود بر تو ای فرزند بشارت دهنده و ترساننده و فرزند آقای جانشينان.
- ۷۱- السلام عليك يا خير الله و ابن خيره: سلام و درود بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش.
- ۷۲- السلام عليك أيها الامام الهادي الزكي و على ارواح حلت بفنائك: درود بر تو ای امام راهنمای پاکیزه و بر روان هایی که فرود آمدند.
- ۷۳- السلام عليك يا ابا عبد الله الحسين و على من ساعدك و عاونك و واساك بنفسه و بذل مهجته في الذب عنك: درود بر تو ای ابا عبدالله الحسين و بر هر که پشتیبانی تو را کرد و با جانش تو را همدردی کرد و بذل و نثار نمود خون دلش را در راه دفاع تو
- ۷۴- السلام عليك يا مولای و عليهم و على روحك و على ارواحهم و على تربتك و على تربتهم: سلام و درود بر تو ای سرور من و بر آنان و بر روان تو و روان آنان و بر خاک تو و بر خاک آنان.
- ۷۵- السلام عليك يا مولای يا ابا عبدالله يا بن خاتم النبیین و يا بن سيد الوصیین و يا بن سيدة نساء العالمین: سلام و درود بر تو ای مولای من ای ابا عبدالله ای فرزند خاتم پیغمبران و ای فرزند سید و اوصیاء و ای فرزند بانوی بانوان جهانیان
- ۷۶- السلام عليك يا شهيد يا بن الشهيد: سلام و درود ای شهيد و ای فرزند(دو) شهيد.
- ۷۷- السلام عليك يا بن سيدة العالمین و على المستشهدين معك سالما متصلا ما اتصل الليل و النهار: درود و سلام ای فرزند آقای دو جهان(امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب) و بر شهید شدگان با تو، درود همیشه تا پیوسته است شب و روز.
- ۷۸- أَلْسَلَامُ عَلَي الشُّهَدَاءِ مِنْ وُلْدِ اميرالمؤمنين: درود و سلام بر شهيدان از فرزندان اميرالمؤمنين.
- ۷۹- كَسَلَامُ عَلَيك يا وارثِ ادمَ صِفْوَةَ اللهِ سلام بر تو ای وارث حضرت آدم برگزیده خدا
- ۸۰- كَسَلَامُ عَلَيك يا وارثِ نُوحِ نَبِيِّ اللهِ سلام بر تو ای وارث حضرت نوح پیامبر خدا
- ۸۱- أَلْسَلَامُ عَلَيك يا وارثِ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللهِ سلام بر تو ای وارث ابراهيم خليل خدا
- ۸۲- أَلْسَلَامُ عَلَيك يا وارثِ مُوسَى كَلِيمِ اللهِ سلام بر تو ای وارث موسى هم گفتار خدا
- ۸۳- أَلْسَلَامُ عَلَيك يا وارثِ عيسى رُوحِ اللهِ سلام بر تو ای وارث حضرت عيسى روح خدا
- ۸۴- أَلْسَلَامُ عَلَيك يا وارثِ مُحَمَّدِ حَبِيبِ اللهِ سلام بر تو ای وارث حضرت محمد حبيب خدا
- ۸۵- أَلْسَلَامُ عَلَيك يا وارثِ عَلِي اميرِ الْمُؤْمِنِينَ و لِي اللهُ سلام بر تو ای وارث علی امیر مؤمنان ولی خدا
- ۸۶- كَسَلَامُ عَلَيك يا وارثِ فاطمه الزهراء: سلام و درود بر تو ای وارث فاطمه زهرا.

۸۷- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مُحَمَّدَ مُصْطَفَى: سلام و درود بر تو ای فرزند محمد مصطفی

۸۸- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَلِيٍّ مَرْتَضَى: سلام و درود بر تو ای پسر علی مرتضی

۸۹- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى: سلام و درود بر تو ای فرزند خدیجه کبری. (نوه در حکم فرزند است)

۹۰- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَ الْوَثْرَ الْمُؤْتُوْرَ: سلام و درود بر تو ای خونی که خدا طلبید و فرزند خونی که خدا طلبید و تنها دادخواه خون توست.

۹۱- السلام عليك يا بن خاتم النبیین، و ابن سید الوصیین و ابن امام المتقین، و ابن قائد الغر المحجلین إلى جنات النعیم: سلام و درود

بر تو ای فرزند خاتم پیغمبران و فرزند سید اوصیاء و فرزند پیشوای پرهیزکاران و فرزند رهرو سفیدرویان بسوی بهشتهای پر نعمت

۹۲- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَرِيحَ الْعُبْرَةِ السَّاكِبَةِ، وَقَرِيْنَ الْمُصِيْبَةِ الرَّائِبَةِ: سلام بر تو ای کشته اشک ریزان و همدم مصیبت پیاپی و مرتب

۹۳- السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى خِدْكَ وَأَبِيكَ، وَأُمِّكَ وَأَخِيكَ، وَعَلَى الْأَثْمَةِ مِنْ بَنِيكَ، وَعَلَى الْمُشْتَشْهَدِيْنَ مَعَكَ: سلام بر تو و بر جد و

پدر و مادر و برادرت باد و هم بر امامان از فرزندان و بر شهید شدگان با تو

۹۴- وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، يَا بَنِيَّ أَنْتَ وَأُمِّي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا بَنِيَّ أَنْتَ وَأُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ: سلام بر تو و رحمت خدا و

برکاتش پدر و مادرم بفرادیت ای فرزند رسول خدا پدر و مادرم به فدایت ای ابا عبدالله

۹۵- این حسین کیست که عالم همه دیوانه اوست این چه شمع است که عالم همه پروانه اوست

دشمن کشت ولی نور تو خاموش نشد آری آن جلوه که خاموش نشود نور خداست

امام فرمودند: من به زودی می روم و مرگ بر انسان جوانمرد عار نیست، مرگ با عزت بهتر است از زندگی با ذلت، اگر مردم

مرگ را آنگونه که باید و شایسته ۱۰۳- است، درست درک می کردند و به آن می اندیشیدند هر آینه دنیا خراب می گشت.

۹۶- السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَأَصْفِيَاءِهِ: سلام بر بندگان مقرب خدا و بر برگزیدگان

۹۷- السَّلَامُ عَلَى أَمْنَاءِ اللَّهِ وَأَجْبَاءِهِ: سلام بر آنانکه امین خدا و دوستان اویند

۹۸- السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَخُلَفَائِهِ: سلام بر یاران خدا و جانشینانش

۹۹- السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ

سلام بر جایگاههای معرفت خدا

۱۰۰- السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِنِ ذِكْرِ اللَّهِ

سلام بر مسکنهای ذکر خدا

۱۰۱- السَّلَامُ عَلَى مُظْهِرِي أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ

سلام بر آشکار سازندگان امر و نهی خدا

۱۰۲- السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ

سلام بر خوانندگان (مردم) بسوی خدا

۱۰۳- كَسَلَامُ عَلَى الْمُسْتَقْرِيْنَ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ

سلام بر استقرار یافتگان در خوشنودیهای خدا

۱۰۴- السَّلَامُ عَلَى الْمُخْلِصِيْنَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ

سلام بر مخلصان در فرمانبرداری خدا

۱۰۵- السَّلَامُ عَلَى الْأَدْلَاءِ عَلَى اللَّهِ: سلام بر راهنمایان بسوی خدا

۱۰۶- السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ، وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ، وَمَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهُ، وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ

اللَّهُ، وَمَنْ اِعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اِعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَمَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: خدا سلام بر آن بزرگوارانی که هر که دوستشان دارد خدای را دوست داشته و هر که دشمنشان دارد خدای را دشمن داشته و هر که آنان را بشناسد خدای را شناخته و هر که نشناسدشان خدای را نشناخته و هر که بدانان چنگ زند به خدا چنگ زده و هر که آنان را رها کند خدای عزوجل را رها کرده است

۱۰۷- اَلْسَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا اَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ، وَمَهْبِطِ الْوَحْيِ وَمَعِيدِنِ الرَّحْمَةِ، وَخُزَّانِ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ، وَأَصُولِ الْكَرَمِ، وَقَادَةَ الْأُمَمِ، وَأَوْلِيَاءِ النَّعَمِ، وَعَنَاصِرَ الْأَبْرَارِ، وَدَعَائِمَ الْأَخْيَارِ، وَسَاسَةَ الْعِبَادِ...

سلام بر شما ای خاندان نبوت و جایگاه رسالت و مرکز رفت و آمد فرشتگان و جای فرود آمدن وحی (الهی) و معدن رحمت (حق) و گنجینه داران دانش و سرحد نهائی بردباری و اصول و اساس کرم و بزرگواری و پیشوایان ملت‌ها در اختیار دارندگان نعمتها و ریشه و اصول نیکان و استوانه‌های خوبان و زمامداران بندگان...

۱۰۸- اَلْسَّلَامُ عَلَى أُمَّةِ الْهُدَى، وَمَصَابِيحِ الدُّجَى وَأَعْلَامِ التُّقَى، وَذَوَى النَّهَى، وَأَوْلَى الْحِجَى، وَكَهْفِ الْوُورَى، وَوَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى

سلام بر پیشوایان هدایت و چراغهای تاریکی و نشانه‌های پرهیزکاری و صاحبان خرد و دارندگان عقل و فطانت و پناهگاه مردمان و وارثان پیامبران

۱۰۹- اَلْسَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَمَسَاكِينِ بَرَكَهِ اللَّهِ، وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ، وَحَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ، وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ، وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ، وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ،

و رحمت خدا و برکاتش (نیز بر ایشان باد) سلام بر جایگاههای شناسائی خدا و مسکنهای برکت خدا و کانهای حکمت و فرزاندگی خدا و نگهبانان راز خدا و حاملان کتاب خدا و اوصیاء پیامبر خدا و فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله، و رحمت خدا و برکاتش (نیز بر ایشان باد)

۱۱۰- اَلْسَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ وَالْأَدِلَاءِ عَلَى مَرَضَاتِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَفْرِّينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ، وَالتَّامِّينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ

سلام بر خوانندگان بسوی خدا و رهنمایان بسوی موجبات خوشنودی خدا و استقرار یافتگان در فرمان خدا و کاملان در دوستی و محبت خدا و مخلصان در یگانه پرستی خدا

۱۱۱- اَلْسَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ الدُّعَاةِ وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ، وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ، وَالذَّادَةَ الْحُمَاءِ، وَأَهْلِ الذِّكْرِ وَأَوْلَى الْأَمْرِ، وَبَقِيَّةِ اللَّهِ

بر خداوند در گفتار و آنانکه بدستورش عمل کنند، و رحمت خدا و برکاتش (بر ایشان باد) سلام بر امامان دعوت کننده (بحق) و پیشوایان راهنما و آقایان سرپرست و دفاع کنندگان و حامیان (از دین خدا) و اهل ذکر و فرمانداران و نمایندگان خدا

۱۱۲- اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ

سلام و درود بر تو ای امین خدا، در روی زمین و حجت خدا بر بندگان، گواهی می دهم که تو جهاد کردی در راه خدا  
اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ، وَوَلِيِّكَ، وَابْنِ رَسُولِكَ، وَسَبْطِ الرَّحْمَةِ، وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلَادِ النَّبِيِّينَ، وَالْمُرْسَلِينَ

خدایا درود فرست بر حسن و حسین دو بنده و دو نماینده‌ات و دو فرزند پیامبرت و دو سبط (دو نوه پیامبرت) پیامبر رحمت و دو آقای جوانان اهل بهشت بهترین درودی را که بفرستی بر یکی از فرزندان پیامبران و مرسلین .

۱۱۳- اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ.

سلام بر تو ای فرزند رسول (فرستاده) خدا.

۱۱۴- لسلام عليك يا بن امير المومنين.

سلام بر تو ای فرزند امیر المومنین (علی بن ابیطالب).

۱۱۵- السلام عليك يا بن سیده نساء العالمین.

سلام بر تو ای فرزند بزرگ زنان عالم. (دخت پیامبر و همسر امام و مادر یازده امام معصوم)

۱۱۶- لسلام عليك يا حبيب الله.

سلام بر تو ای دوست خدا.

۱۱۷- السلام عليك يا صفوه الله.

سلام بر تو ای بنده خاص خدا.

۱۱۸- السلام عليك يا امين الله.

سلام بر تو ای امین سر خدا.

۱۱۹- لسلام عليك يا بيان حكم الله.

سلام بر تو ای مبین حکم خدا.

۱۲۰- لسلام عليك ايها الشهيد الصديق يا ابا محمد الحسن بن علي و رحمه الله و بر كاته .

سلام بر توای شهید صدیق، ای ابا محمد حسن بن علی و رحمت و برکات خدا بر شما.

خداوندا درود بفرست بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اهل البیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و تسریع در امر فرج ذخیره امامت فرما و لعن کن دشمنان ایشان را برکت ده این درود را ابراهیم و آل ابراهیم که شامل شریعت و طریقت و حقیقت دین چون هم خدا و هم پیامبر و هم ولایت در صلوات مذکور آمده و تولی و تبری و استمرار آنها تا حضرت ابراهیم علی صلواتنا علیه. تمام عالم وجود در محضر پیامبر و ائمه اطهار آشکار است مگر کنه ذات خدا.

و آن بدین دلیل است بی نهایت در محدود نمی گنجد ولی بقیه مسائل همانند خمیری که در کف دست مطیع شماسست، به همین ترتیب تمام عالم وجود (مگر ذات خداود متعال) در تصرف چهارده معصوم از ضمیر کف دست ما آشکارتر است.

آقا اباعبدالله الحسین از اول بنا بود که شهید شوند، زیرا در بدو تولد ایشان جبرائیل خدمت پیامبر رسید و ضمن تبریک پیغام شهادت امام حسین علیه السلام را به پیامبر رساند و پیامبر متأثر شد و گریان شدند ولی جبرائیل نوید داد که مقام شفاعت (برای آن گروه از شیعیان که بصورت انسان، وارد محشر می شوند و تحت قبه ایشان دعا را (که مصلحت باشد) به اجابت و شفا در تربت ایشان و بقیه الله را در نسل ایشان قرار دادند.

ولی مؤمن (ائمه اطهار) واقعی را در آسمانها آنطوری می شناسند که در زمین مرد، زن و بچه اش را می شناسد.

مؤمن از ملک مقرب هم بالاتر است، زیرا ملک نمی تواند گناه کند ولی مؤمن می توند گناه کند ولی تقوا را پیشه خود قرار می دهد، لذا اگر کسی به دنیا و مادیات وابسته نباشد مؤمن است و بهشتیان را، ملائک با تعجب می نگرند که چطور مجذوب دنیا نشدند و در ورود به بهشت به مؤمنین می گویند، سلامٌ علیکم بما صبرتم، نعمل عقبی الدار هنیئاً لک، اُدخلوها بسلام آمین: سلام بر شما به آنچه صبر نمودید، خوب سرای آخرتی دارید، گوارایتان باد، داخل شوید به سلامت.

ولی در درب جهنم، خازنهای آن با شدت و غضب با جهنمیان برخورد کرده و می پرسند مگر پیامبران را قبول نداشتید و نماز نمی خواندید و جهنمیان می گویند، اگر عقل خود را بکار می بردیم و گوشمان شنوا بود الان اینجا (جهنم) نبودیم.

اینکه می گویند اشکی جهنم را خاموش می کند، آن اشکی است که از چشم مؤمن بریزد نه اینکه شخص فاسق یا فاسدی اشک بریزد و بیرون از مجلس حسین با کارهایش اشک امام حسین را در آورد، کجا می تواند با اشک مؤمن یکسان باشد.

لذا معصوم فرمودند هر کس که خدا را اطاعت کند و به ما وابسته باشد نفعی برای او هست ولی اگر خدا را پیروی نکند، حتی دوستی ما برای او نفعی ندارد.

ملک الموت، موقع ملاقات با میت فاسق و فاجر با درشتی و کتک مواجه می شود و با توهین و مشت های محکم پذیرایی می شوند و با توهین با آنان برخورد می کنند.

ولی در مقابل مؤمن که صاف و سالم زندگی کند و ایمانش را نگه داشته، مثل یک بنده ذلیل که در مقابل مولای جلیلش اجازه می گیرد، می پرسد بیایم یا خیر، اگر اجازه داد جلو می آید و با عزت او را قبضه می روح می کند و به مؤمن می گوید بخدا قسم از پدر و مادرت به شما مهربانترم. در زمان غیبت اگر کسی خود را از گناه باز دارد ثواب هزار شهید از شهداء بدر و اد را دارد. ثابت قدمها در دین ثوابشان از هزار شهید بالاتر است.

یک طرف سکه شهرت و دنیا است و طرف دیگرش اوج واقعی و رستگاریست. اسیر شهوات، مثل الاغ است بلکه بدتر از آن. مویه و گریه کردن برای نقصان مالی و جانی چندان توصیه نشده است و کسی که عزیزی را از دست می دهد یا مالی و آبرویی از او می رود فقط باید به خدا پناه برد و صبر پیشه نماید ولی برای اولیاء الهی و معصومین خصوصاً آقا اباعبدالله الحسین فضیلت است همینطور زیارت قبورشان، ولی باید این گریه ها و زیارات انسان را متحول نماید و در مراجعت از زیارت یا مجلس عزاداری امه اطهار تصمیم بگیریید به خلق و خوی و رویه آنها اقتداء کنیم و از آلودگیهای شیطانی دست برداریم. کسی که خود را شیعه می داند، در گرفتاریهای خانوادگی و شهری و میهنی خود بی تفاوت نیست و با تلاش و کوشش خود و دیگران مشکلات مادی و معنوی همدیگر را بر طرف می نمایند و الا معاند به حساب می آیند و از تشیع جز نامی نخواهند داشت. چه برسد به اینکه با مخفی کاری و حق کشی و حق و ناحق کردن و یا خدای نا کرده آبروی شیعیان واقعی و ائمه اطهار را برده و مانع تبلیغ مکتب شده و اگرچه نامش فرعون، یزید و معاویه و ... نیست بلکه عملش در راستای جنایات و بی عدالتی های آنهاست لذا آب نمی بیند والا شناگر ماهری است.

حکومت اسلامی یعنی حکومت فرامین الهی بر مردم و مردم هم سماعاً و طاعتاً باید باشند و از خود سلیقه و نظری ندارند زیرا خداوندی که ما را خلق کرده و هر عضوی از بدنمان را با حکمت و درایت در بدنمان قرار داده، بهتر می داند که چه چیزی برایمان حلال یا حرام است و چه کاری به نفع یا ضررمان است ولی بشر ممکن است در مقطعی از زمان بگوید آپاندیس عضو زائد بدن است و در کودکی بایستی عمل شود و پس از چند سال بگوید اشتباه کردیم آپاندیس تا مادامی که عود نکند بایستی عمل شود و در حکم درین بدن است.

کسی که به زیارت چهارده معصوم رفته و در مراجعت از صفات و رفتار آنها درسی نگرفته، چطور می تواند ادامه دهنده حماسه پیشوایان باشد، زیرا گریه و زیارت شرکت در حماسه و استمرار راه ایشان است.

و عاشورا یک حادثه نبود، بلکه یک فرهنگ شیعه گری است که مال و ثروت را برای حفظ آبرویمان بخواهیم و آبرویمان را برای حفظ دینمان که دین با قبول قلبی و اقرار به زبان و عمل به جوارحمان محقق می شود. کسانی که در سه مورد اخیر و یا حتی در یکی از آنها کم بیاورند، به همان اندازه معاند و کافر به دین است. خدا نکند همچون استخرآبی ذلال باشیم، که با مطلاطم شدن و یا حرکت کف آن، تمام لجنها و کثافات بروی آب آمده و ذلالی آب را تاریک و کدر نموده و دیگران از نظاره به آن مشمئز کنند. لذا شیعه بایستی آبروی ائمه اطهار باشد، و از آنچه حرام است، پرهیز نماید،

مگر تقیه داشته باشد و یا از روی عصبانیت، زبان یا قلب یا عمل خود را منحرف کند. (درچنین مواردی باید در اولین فرصت توبه و جبران و اصلاح نماید) لذا تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

اربعین: چهلمین روز شهادت آقا اباعبدالله الحسین، اربعین است که علی القاعده سال بعد از شهادت آقا اباعبدالله الحسین جابرابن

عبدالله که هفت معصوم و پنج امام را درک کرده بود و نابینا شده بود به همراه عطیه که خود مرد دانشمند و مفسر قرآن بود گفت، ای عطیه مرا به کنار فرات ببر تا غسل کنم و چون جابر غسل نمود از قبل دو حوله آورده بود، لذا دو حوله ای را به حالت احرام به خود بست و با یک گیاه خوشبو خود را معطر نمود و در حالیکه دستش در دست عطیه بود به قبر مطهر امام حسین بدون راهنمایی عطیه رفت و تا به تربت پاک آن بزرگوار رسید، عطیه از جابر پرسید از کجا فهمیدی اینجا قبر آن بزرگوار است؟ جابر گفت از بوی حسین و سلام کرد و گفت یا حبیبی و چون جوابی نشنید گفت: چطور می توانی جواب دهی در حالی که بین سر و بدن تو فرسنگها فاصله است.

جابر بن انصاری هم حسین را دوست می داشت، هم عملش را و لذا گفت ای حسین من أَحَبِّ قوم مَعَّ حشرهم کسی که عمل قومی را دوست بدارد با آن محشور می و شد و گفت یا لیتنی کنت معکم ای کاش من هم با شما بودم و در رکابت شهید می شدم. صدای جرس کاروان زینب به گوش رسید و با نزدیکی شدن به قبر مطهر، مثل برگ های پائیز که از درختان می ریزد، کاروانیان خود را از مرکب هایشان به زمین انداختند و اول بچه ها را اجازه زیارت دادند و سکینه گفت: بابا ای کاش نمی دیدم روزی را که از تو جدا شدم و حضرت زینب کبیر آمدند و وا آخاه و یا علی و یا زهرا و یا جدا سر دادند تا جای که بیهوش شدند، چون به هوش آمدند، گفت برادر جان، امانت هایی که به من دادی همه را برگرداندم، فقط یک امانت تو را در خرابه شام جا گذاشتم.

حرکت امام حسین علیه السلام از مکه تا کربلا، حرکت از پیش تعیین شده بوده.

حرکت امام حسین علیه السلام و اسراء از کربلا تا شام، حرکت تنظیم برنامه بوده.

و حرکت اسراء از شام به طرف کربلا و مدینه نقطه اوج نهضت حسینی بوده.

زیرا حضرت زینب به یزید بن معاویه فرمودند ما رأیت الا- جمیلاً- من این حرکت و نهضت را چیزی جزء زیبایی ندیدم. پس از حسین، رسالت رسید به زینب نبود نام حسینی، اگر نبود زینب به حرمت زهراست، و گر نه می گفتم هم از ملک بود افضل، هم از بشر زینب

و امام خانواده خود را به همراه آوردند و برای تطبیق و تطابق و علل مبقیه اسلام: لذا هر کجا مشکلی هست اگر حدود الهی رعایت شده باشد، در کنارش زیبایی است. از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نقل است که فرمودند: علامات مؤمن پنج چیز است، ۱- پنجاه رکعت نماز خواندن در شبانه روز که مراد هفده رکعت فریضه و سی و چهار رکعت نافله است ۲- زیارت اربعین خواندن در روز اربعین ۳- انگشتر در دست راست نمودن ۴- جبین را در سجده بر خاک گذاشتن ۵- بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن است.

## ترجمه زیارت اربعین:

سلام بر ولی خدا و دوست او سلام بر خلیل خدا و بنده نجیب او سلام بر بنده

برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش سلام بر حسین مظلوم و شهید سلام بر آن بزرگوار که به گرفتاریها

اسیر بود و کشته اشک روان گردید خدایا من براستی گواهی دهم که آن حضرت ولی (و نماینده) تو و فرزند ولی تو بود و

برگزیده ات و فرزند برگزیده ات بود که کامیاب شد به بزرگداشت تو، گرامیش کردی بوسیله شهادت و مخصوصش داشتی به

سعادت و برگزیدی او را به پاکزادی و قرارش دادی یکی از آقایان (بزرگ) و از رهروان پیشرو و یکی از کسانی که از حق دفاع

کردند و میراثهای پیمبران را به او دادی و از اوصیائی که حجت تو بر خلقت هستند قرارش دادی او نیز در دعوت مردم جای عذر و

بهبانهای (برای کسی) نگذارد و بیدریغ خیرخواهی کرد و جان خود را در راه تو داد تا برهاند بندگانت را از (گرداب) جهالت و

نادانی و سرگردانی (در وادی) گمراهی و چنان شد که همدست شدند بر علیه آن حضرت کسانی که دنیا فریبشان داد و فروختند

بهره (کامل و سعادت خود را) به بهای پست ناچیزی و بداد آخرتش رادرمقابل بهائی اندک و بی مقدار و بزرگی کردند و خود را در چاه هوا و هوس سرنگون کردند، و تو و پیامبرت را بخشم آوردند و پیروی کردند از میان بندگانت آنانی را که اهل دو دستگی و نفاق بودند و کسانی را که بارهای سنگین گناه بدوش می کشیدند و بدین جهت مستوجب دوزخ گشته بودند آن حضرت (که چنان دید) با شکیبائی و پاداش جوئی با آنها جهاد کرد تا خونش در راه پیروی تو ریخت و حریم مقدسش شکسته شد خدایا آنان را لعنت کن به لعنتی و بالدار و

عذابشان کن به عذابی دردناک سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند آقای اوصیاء گواهی دهم که براستی تو امانتدار خدا و فرزند امانت دار اوئی سعادت مند زیستی و ستوده از دنیا رفتی و گمگشته و ستم دیده و شهید درگذشتی و نیز گواهی دهم که خدا براستی وفا کند بدان وعده‌ای که به تو داده و به هلاکت رساند هر که را که دست از یاریت برداشت و عذاب کند کسی که تو را کشت و گواهم دهم که تو بخوبی وفا کردی به عهد خدا و جهاد کردی در راه او تا مرگت فرا رسید خدا لعنت کند کسی که تو را کشت و خدا لعنت کند کسی که به تو ستم کرد و خدا لعنت کند مردمی که شنیدند جریان کشتن و ستم تو را و بدان راضی بودند خدایا من تو را گواه می گیرم که من دوست دارم هر که او را دوست دارد و دشمنم با هر که او را دشمن دارد پدرم و مادرم بفدایت ای فرزند رسول خدا گواهی دهم که تو براستی نوری بودی در پشت پدرانی بلند مرتبه و رحمهائی پاکیزه که آلوده‌ات نکرد اوضاع زمان جاهلیت به آلودگیهایش و در برت نکرد از لباسهای چرکینش و گواهی دهم که براستی تو از پایه‌های دین و ستونهای محکم مسلمانان و پناهگاه مردمان با ایمانی و گواهی دهم که تو براستی پیشوای نیکوکار با تقوا و پسندیده و پاکیزه و راهنمای راه یافته‌ای و گواهی دهم که همانا امامان از فرزندان روح و حقیقت تقوی و نشانه‌های هدایت و رشته‌های محکم (حق و فضیلت) و حجت‌های بر مردم دنیا هستند و گواهی دهم که من به شما ایمان دارم و به بازگشتان یقین دارم با قوانین دینم و عواقب کردارم و دلم تسلیم دل شما است

و کارم پیرو کار شما است و یاریم برایتان آماده است تا آنکه خدا در ظهورتان اجازه دهد پس با شمایم نه با دشمنان شما درودهای خدا بر شما و بر روانهای شما و پیکرهایتان و حاضران و غائبان و آشکارتان و نهانتان آمین ای پروردگار جهانیان

### نقشه بیست و پنج گنج بزرگ دنیا از زبان امام صادق علیه السلام

- ۱- طلبت الجنة، فوجدتها في السخا: بهشت را جستجو نمودم، پس آن را در بخشندگی و جوانمردی یافتم.
- ۲- و طلبت العافية، فوجدتها في العزلة: و تندرستی و رستگاری را جستجو نمودم، پس آن را در گوشه گیری (مثبت و سازنده) یافتم.
- ۳- و طلبت ثقل الميزان، فوجدتها في شهادة «ان لا اله الا الله و محمد رسول الله»: و سنگینی ترازوی اعمال را جستجو نمودم، پس آن را در گواهی به یگانگی خدا تعالی و رسالت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) یافتم.
- ۴- و طلبت السرعة في الدخول الى الجنة، فوجدتها في العمل لله تعالى: سرعت در ورد به بهشت را جستجو نمودم، پس آن را در کار خالصانه برای خدای تعالی یافتم.
- ۵- و طلبت حب الموت، فوجدته في تقديم المال لوجه الله: و دوست داشتن مرگ را جستجو نمودم، پس آن را در پیش فرستادن ثروت (انفاق) برای خشنودی خدای تعالی یافتم.
- برگ عیشی به گور خویش فرست کس نیارد ز پس، تو پیش فرست

۶- و طلبت حلاوة العباد، فوجدتها في ترك المعصية: و شیرینی عبادت را جستجو نمودم، پس آن را در ترک گناه یافتم.

۷- و طلبت رقة القلب، فوجدتها في الجوع و العطش: و رقت (نرمی) قلب را جستجو نمودم، پس آن را در گرسنگی و تشنگی

(روزه) یافتم.

- ۸- و طلبت نور القلب، فوجدته فی التفكير و البكاء: و روشنی قلب را جستجو نمودم، پس آن را در اندیشیدن و گریستن یافتم.
- ۹- و طلبت الجواز علی الصراط، فوجدته فی الصدقة: و (آسانی) عبور بر صراط را جستجو نمودم، پس آن را در صدقه یافتم.
- ۱۰- و طلبت نور الوجه، فوجدته فی صلاة اللیل: و روشنی رخسار را جستجو نمودم، پس آن را در نماز شب یافتم.
- ۱۱- و طلبت فضل الجهاد، فوجدته فی الکسب للعیال: و فضیلت جهاد را جستجو نمودم، پس آن را در به دست آوردن هزینه زندگی زن و فرزند یافتم.
- ۱۲- و طلبت حذب الله عزوجل، فوجدته فی بغض اهل المعاصی: و دوستی خدای تعالی را جستجو کردم، پس آن را در دشمنی با گنهکاران یافتم.
- ۱۳- و طلبت الرئاسة، فوجدتها فی النصیحة لعبادالله: و سروری و بزرگی را جستجو نمودم، پس آن را در خیرخواهی برای بندگان خدا یافتم.
- ۱۴- و طلبت فراغ القلب، فوجدته فی قلة المال: و آسایش قلب را جستجو نمودم، پس آن را در کمی ثروت یافتم.
- ۱۵- و طلبت عزائم الامور، فوجدتها فی الصبر: و کارهای پر ارزش را جستجو نمودم، پس آن را در شکیبایی یافتم.
- ۱۶- و طلبت الشرف، فوجدته فی العلم: و بلندی قدر و حسب را جستجو نمودم، پس آن را در دانش یافتم.
- ۱۷- و طلبت العبادة فوجدتها فی الورع: و عبادت را جستجو نمودم، پس آن را در پرهیزکار یافتم.
- ۱۸- و طلبت الراحة، فوجدتها فی الزهد: و آسایش را جستجو نمودم، پس آن را در پارسایی یافتم.
- ۱۹- و طلبت الرفعة، فوجدتها فی التواضع: برتری و بزرگواری را جستجو نمودم، پس آن را در فروتنی یافتم.
- ۲۰- و طلبت العز، فوجدته فی الصدق: و عزت (ارجمندی) را جستجو نمودم، پس آن را در راستی و درستی یافتم.
- ۲۱- و طلبت الذلة، فوجدتها فی الصوم: و نرمی و فروتنی را جستجو نمودم، پس آن را در روزه یافتم.
- ۲۲- و طلبت الغنی، فوجدته فی القناعة: و توانگری را جستجو نمودم، پس آن را در قناعت یافتم.
- ۲۳- و طلبت الانس، فوجدته فی قرائة القرآن: و آرامش و همدمی را جستجو نمودم، پس آن را در خواندن قرآن یافتم.
- ۲۴- و طلبت صحبة الناس، فوجدتها فی حسن الخلق: و همراهی و گفتگوی با مردم را جستجو نمودم، پس آن را در خوشخویی یافتم.
- ۲۵- و طلبت رضی الله، فوجدته فی بر الوالدین: و خوشنودی خدا تعالی را جستجو نمودم، پس آن را در نیکی به پدر و مادر یافتم.
- پیامبر فرمودند: هر کس از این دنیا به آخرت می رود باید ده هدیه ببرد و در هر هدیه چهر مطلب
- هدیه ای برای حضرت عزرائیل
- حق و حق دار را رد نمایند.
- آنچه از شما قضا شده است را ادا کنید.
- شوق رفتن بطرف خدا داشته باشید.
- آماده مرگ باشید.
- هدیه قبر
- ترک سخن چینی کنید
- طهارت را رعایت کنید (طهارت جسم، طهارت از بول و طهارت نفس)
- قرائت قرآن، آنچه برایتان میسر است را بخوانید.

قرائت نماز شب نمائید.

هدیه نکیر و منکر

صدق السان، راستگویی باشید

ترك الغيبه، غیبت نکنید و نشنوید

قول الحق، حق را بگوئید و لا به ضرر شما باشد یا کشته شوید

تواضع داشته باشید (آنقدر متواضع باشید که بعضی فکر می کنند عد دی نیستید)

هدیه میزان

كضم الغيظ (خشم خود را فرو بردن)

ورع الصادق (تقوای صادقانه)

تقوای حقیقی (به آنچه خداوند به شما داده، قانع باشید) و حیا کنیم از خدا در خلوتمان

کاری نکنید که بخواهید، مورد مغفرت دیگران قرار گیرید.

هدیه صراط

اخلاص العمل یعنی عمل یکی برای یکی تا موحد شوید

حسن الخلق (لقد خلقنا الانسان في احسن التكوين) انسان در بهترین ساعات خلق شده است، حب دنیا انسان را از خوشی دنیا باز می

دارد و خوش معنوی را از او می گیرد. اولین کسی که باید خوش اخلاق کنیم خودمان، پدر و مادر، همسر و فرزند و دیگران

پیامبر فرمودند: کسی که بد اخلاق باشد از من نیست.

افراد خوش اخلاق، حرکت گلوله‌های قرمز خونشان سریعتر می شود و چهره اش باز و محفظه های پوست بسته نمی شود.

كثرت ذكر الله، زیاد یاد خدا کردن، فذکرو ذکراً كثيراً، یا حی و یا قیوم یا من لا اله الا انت برحمتک التغيث

احتمال العزاء، تحمل کردن اذیت و آزار دیگران

هدیه خازن جهنم:

البكاء من خشيت الله، گریه کردن برای ترس از خدا

چشم گریه، چشمه فیض خداست گریه بر هر درد بی درمان دواست

صدقه السر، صدقه در پنهانی دادن و سعی کنید زیاد معروف نشوید ولی کار زیاد بکنید و دیده نشوید، کم بشناسندت یا

نشناسندت.

ترك معاصي، ترك کردن گناهان (علت ترك نکردن گناهان، کنترل نکردن شکم، کسی که در سیری غذا می خورد، قصی القلب

است، لذا باید به جا بخورید و حلال و طیب بخورید).

نبودن یقین به مقدسات و معنویت، انسان را به گناه آلوده می کند

البرّ بوالدین، نیکی کردن در حق والدین، چه زنده باشند و چه مرده.

حتی اگر آنها به شما ظلم هم بکنند، شما نیکی کنید و صبور باشید، عاق والدین را پیامبرمان فرمودند، حتی یک لحظه را هم شامل

می شود. پس مواظب والدیتان باشید.

هدیه های بهشت

الصبر علی المکاره: صبر بر مصیبت ها و معصیت ها

الشکر علی النعمه: شکر بر نعمتها چه جسمی، چه روحی و چه مادی

الانفاق المال فی طاعه: آنچه در تصوف انسان است، انفاق کنید چه موارد مالی و چه موارد علمی و اجتماعی الحفظ الامانه علی الوقف: آنچه وقف شده است در حفظش کوشش کنیم که مهمترین آن حفظ ولایت امیرالمؤمنین و رویه ایشان است.

هدیه های پیامبر

محبت کردن به پیامبر (خود پیابر رحمت للعالمین است)

پیامبر فرمودند: اول ما خلق الله نوری: اول چیزی که خدا خلق کرد نور من بوده است.

کسی که محبت پیامبر را در دل دارد، کاملاً از ایشان پیروی می کند.

حضرت زهرا فرمودند: سه چیز را دوست دارم، تلاوت کتاب الله، انظر فی وجه رسول الله، انفاق فی سبیل الله

الافتداع لسنه: پیروی کردن از سنت پیامبر، زیرا هفتاد درصد سنت پیامبر از حضرت ابراهمی آورده شده است، لذا عمل به سنتهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همیشه انسان را در صحت و تندرستی و تعدیل ناراحتیهای روحی و روانی نگهدار است.

المحبت لاهل البيت: محبت کردن به خانواده (اهل البيت) پیامبر

رابطه پیامبر با مردم رحمت است: و ما ارسالناک الا رحمه للعالمین

رابطه مردم با مردم مودت است: قل لا اسلکم علیه اجراً الا مودتاً للقربا

رابطه خدا با مردم رحمت و مودت و آرامش است: و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه ان فی ذلک لایات لقوم یتفکرون (روم آیه ۱)

حفظ الا لسان علی الفحشاء:

زبان را از فحش و ناسزاگویی حفظ کنید که اگر رعایت نکردید، پیامبر روز قیامت نگاهتان نمی کند.

پیامبر اکرم در زمان احتظار و رحلتشان از دنیا صفات خود را به ائمه اطهار هدیه دادند عدالت خود را به امیرالمؤمنین، صبر خود را به امام حسن مجتبی، شجاعت خود را به امام حسین، زهد خود را به امام سجاد و...

هدیه جبرائیل

قلت الکل: کم خوری

قلت النوم: کم خوابی

مداومت الحمد، مداومت به خواندن سوره حمد و گفتن شکر.

اگر به مدت چهل روز از مباحات خودتان کم کنید (از خواب و خوراک و چیزهای غیر ضروری) احساس راحتی و آرامش خواهید کرد.

معدة هر کسی به اندازه مشت باز او می باشد، اگر غذای زیادت از حد میل کنید به شیارهای معده به همان اندازه که فشار می آورد به همان اندازه سلولهای مغز را قدرت تفکر و فرتمرکزی آن را کند می کند.

مداومت در قرائت سوره حمد برای رفع گرفتاریها بسیار مؤثر است.

سوره حمد را سبعة المثانی هم می گویند، چون دو بار در هر نماز خوانده می شود و حرف بیست و هشت حرف عربی در سوره حمد وجود دارد و اگر آن را بر مرده ای هفتاد مرتبه خواندید و زنده شد تعجب نکنید تمام قرآن در سوره حمد خلاصه شده است و سوره حمد بخاطر اهدنا صراط المستقیم مربوط به حضرت علی علیه السلام است و چون از طبقه هفتم آسمان به پائین آمده ایم بایستی با هفت آیه حمد در نماز عروج کنیم و بهتر است سوره حمد را با هفت نفس بخوانیم نه یک نفس.

هدیه خداوند

الامر بالنعروف: خوبیها را توصیه نمودن به خود و دیگران

و النهی عن المنکر: بدیها و منکرات را از خود و دیگران بازداشتن

النصیحت لكل احد: خیرخواهی برای همه کس

مؤمن خیرش به همه می رسد و امام صادق علیه السلام فرمودند: مؤمن مثل گوسفند از همه اعضای آن برای همه استفاده می شود.

الرحمة لكل احداً: مهربانی با همه داشته باشید.

هر کس اندوه و مشکلی را از مؤمنی برطرف نماید خداوند در روز قیامت اندوه را از قلبش برطرف سازد.

قال الامام علی بن موسی الرضا صلوات الله و سلام علیه:

مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَطَّ الْفِرَاتِ، كَأَنَّ كَمْنَ زَارَ اللَّهُ فَوْقَ عَرْشِهِ

هر مومنی که قبر امام حسین علیه السلام را کنار شط فرات در کربلا زیارت کند، همانند کسی است که خداوند متعال را بر فراز عرش زیارت کرده باشد.

امام رضا علیه السلام فرمودند: مَنْ رَضِيَ عَنْ اللَّهِ تَعَالَى بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ بِالْقَلِيلِ مِنَ الْعَمَلِ

هر کس به رزق و روزی کم از خدا راضی باشد، خداوند متعال از عمل کم او راضی خواهد بود.

و فرمودند: مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ فَرَجَ اللَّهُ عَنْ قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

هر کس گشایشی بر مؤمن حاصل کند خداوند متعال در روز قیامت گشایش در قلبش ایجاد می کند.

ها هنا سفن النجاح و سفينة الحسين (عليه السلام) اسرع

ما ائمة كشتی نجات هستیم ولی کشتی حسین سریعتر است

ان الحسين (عليه السلام) مصباح الهدى و سفينة النجاح

همانا حسین علیه السلام چراغ هدایت و کشتی نجات است

قیامت بی حسین (علیه السلام) غوغا ندارد شفاعت جز حسین (علیه السلام) معنا ندارد

اگر آید هزاران یوسف از راه حسین (علیه السلام) بن علی همتا ندارد

سرش در روز محشر بی کلاه است هر آنکس جز حسین (علیه السلام) مولانا ندارد

حسینی باش تا در محشر نگویند چرا پرونده ات امضاء ندارد

اگر پرونده ای امضاء ندارد رضایت نامه از زهرا ندارد

امام حسین (علیه السلام) می فرمایند: اگر کسی بی پروا آبروی مردم را می ریزد، سعی کن ترا نشناسد. (تا از شرش در امان مانی) و نیز

فرمودند.

ان العزوالغنی خرجا یجولان فلقیاء التوکل فاستوطنوا.

همانا عزت و بی نیازی از جایگاه خود خارج شدند، پس توکل را ملاقات کردند و آنجا (نزد توکل) منزل گزیدند. (فرهنگ سخنان

امام حسین علیه السلام)

هر که غمت را خرید، عشرت عالم فروخت با خبران از غمت، بی خبر از عالمند

به سینه هر که تمنای کربلا دارد همیشه در دل خود روضه ای بپا دارد

کسی که عشق تو دارد، دگر چه کم دارد بدون عشق تو عالم کجا وفا دارد

بغیر تو که کرم می چکد زانگشتش کجا پادشهی این همه گدا دارد

تو، همچو من سر کویت هزاران داری ولی بدان که گدایان فقط ترا دارند

مترسانیدم از روز قیامت که قیامت قد و بالای حسین است  
 بهشت ارزانی خوبان عالم بهشت من تماشای حسین است  
 به وقت مرگ چشمم را مبندید که چشم من به سیمای حسین است  
 مناجات

اگر عبد گنه کارم تورا دارم چه غم دارم.....اگر مرغ گرفتارم تورا دارم چه غم دارم  
 اگر آلوده و پستم و گر خالی بود دستم.....وگر سنگین بود بارم تورا دارم چه غم دارم  
 اگر آتش برافروزی تن و جان مرا سوزی.....چه باک از شعله نارم تورا دارم چه غم دارم  
 هم از لطف بود هستم هم از جام تو سر مستم.....هم از شوق تو سرشارم تورا دارم چه غم دارم  
 چه در صحرا چه در دریا چه در پایین چه در بالا.....بهر جانب که رو آرم تورا دارم چه غم دارم  
 کیم من عبد شرمنده سیه روی و سر افکنده.....که با این جرم بسیارم تورا دارم چه غم دارم  
 تهی از برگ و از بارم میان لاله ها خوارم.....نباشد کس خریدارم تورا دارم چه غم دارم  
 قرار من، شکیب من، طیب من، حبیب من،.....دوایم ده که بیمارم، تورا دارم چه غم دارم  
 تو ستار العیوبی، تو غفار الذ نوب هستی.....الاستار و غفارم، تورا دارم چه غم دارم  
 سیه رویم، سیه بختم، بدین پرونده سختم.....بدین اشکی که میبارم، تورا دارم چه غم دارم  
 نه آبی در سبو دارم، نه نایی در گلو دارم.....نه بر رو آبرو دارم، تورا دارم چه غم دارم  
 منم میثم، که پیوسته به احسان تو دل بسته.....به غیر از تو، که را دارم، تورا دارم چه غم دارم  
 روایت شده از پیامبر اکرم صلوات الله علیه به اباذر غفاری بدین مضمون:

ای اباذر اعمال انسانهای مومن به آسمان اول می رود اگر صاحب آن عمل غیبت کرده، همانجا آن عمل متوقف می شود، اگر صاحب عمل غیبت نکرده، فرشته مامور آسمان اول اجازه عروج به آسمان دوم را میدهد، در آسمان دوم باز فرشته مربوطه کنترل میکند، اگر عمل آلوده به دنیا طلبی نبوده اجازه عبور به آسمان سوم را میدهند، و همینطور در طبقه سوم، حسد-در طبقه چهارم تکبر و غرور-در طبقه پنجم-ریا، در طبقه ششم-رحم و مروت (قسی القلب نباشد) در طبقه هفتم -حجاب (هم برای آقایان هم برای بانوان، که گفته اند، از زانو بالا برای آقایان کشف عورت محسوب میشود، و بانوان قرص صورت و کفین تاموچ مجاز است، بدون یک تار مو بطور عمد، در محافل عمومی و نامحرم داری)

اباذر به پیامبر عرض کرد یا رسول الله، رعایت این اعمال خیلی سخت است، حضرت فرمودند، یک راه دارد. و آن اینکه بدی دیگران را مطرح نکنید، که از آن بعد اباذر کمتر صحبت می کرد و بیشتر شنونده بود، مگر مطرح نمودن آیات قرآن و فضا ئل اهل البیت علیهم آلاف و تهیت و سلام.

قال الصادق علیه السلام: لو رایت قساوتاً فی قلبک ، او سقماً فی جسمه او نقصاً فی مال و قلیلاً فی رزقه ، فعلم انک تکلم فی ما یرزیک .

اگر دیدی قساوتی در قلبت پیدا شد، یا مریض شدی یا نقصان در مال ت ایجاد شد و یا رزقت کم شد، بدان صحبتی کرده ای که نیاز به آن نداشته ای.

خداوند برای زبان چهار نگهبان قرار داده و یک فرمانده، که عبارتند از عقل (فرمانده) و دلب و دوفک (بعنوان نگهبان) بر سر سفره ای ماهی بریان شده ای آوردند، صاحب دلی گفت، میدانید که چرا این ماهی بجای آغوش دریا و خانواده اش، کف سفره است، کسی از حضار جواب ندادند، لذا وی گفت بعلت اینکه موقعی دهانش را باز کرده که نبایستی باز میکرد. (با دیدن

کرمی قلاب ماهیگیر را ندیده و صید شده است)

بجز حسین مرا ملجاء و پناهی نیست

در این عقیده یقین دارم، اشتباهی نیست

ره نجات حسین است و دوستی حسین

بسوی حق بجز اینطریق، ترا راهی نیست

از پیامبر اکرم روایت شده است، کسیکه به مسجد رفت و آمد کند، تا دانش مفیدی بیاموزد یا به دیگران یاد دهد، پاداش عمره و حجاجی کامل خواهد داشت (لذا مساجد تنها برای نماز و نماز جماعت نیست از آنها استفاده بهیمة تری بشود) در قنوت نمازتان این دعا را بخوانید:

الهم انی استلک الامن والایمان بک والتصدیق بنبیک والعافیة من جمیع البلا والشکر علی العافیة و

الغنی عن شرار الناس، یا رب العافیة خیر مما یدعوننی الیها

خداوندا همانا من از تو استعانت می خواهم امنیت و ایمان بتو را و تائید پیامبرت و سلامتی از همه بلاها و توفیق شکر بر سلامتی و بی نیازی از شرور مردم، ای خداوند سلامتی، بهتر از آنچه چیزیکه ممکن است از تو بمن برسد.

### حدیث پایانی::

قال من زارنی فی تلک البقعة کان کمن زار رسول الله، کتب الله تعالی تلک له ثواب الف حجة مبروره و الف عمره مقبوله . امام رضا علیه السلام فرمودند: کسیکه مرا در این بقعه زیارت کند، همانند کسی است که پیامبر را زیارت کند و برای او ثواب هزار حج مقبول و هزار عمره مبرور است.

آقا یمان امام حسین علیه السلام: در صحنه کربلا وهم اکنون بیشتر از آب تشنه لبیک پیروانش به اهداف جد بزرگوارش حضرت ختمی مرتبت و پدر گرامیشان امیر المومنین بودند، اما افسوس، اینکه بعضا زخمهایش را نشان مردم دادند، و بزرگترین دردش را بی آبی پنداشتند.

الهی بحق بزرگان دین \*\*\* به آن پیشوایان راه یقین

بحق ده و چهار معصوم پاک \*\*\* کز ایشان پدیدار شد آبوخاک

الهی بحق حسین شهید \*\*\* که مارا زرحمت مکن ناامید

به بیمار تب دار زین العبا \*\*\* مریضان اسلام راده شفا

به موسی بن جعفر شه انس \*\*\* و جان اداء ساز قرض همه شیعیان

به حق علی بن موسی الرضا \*\*\* زجان غریبان بگردان بلا

الهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و العن عدوهم و بارک علی ابراهیم و آل ابراهیم (گفتن این صلوات ثواب هزار مرتبه صلوات را دارد)

و السلام علی من التبع الهدی : اربعین سنه ۱۴۳۳ عباسعلی حقیقی زاده اصفهان ۰۹۱۳۳۱۹۹۷۴۱

جهت مطالعه دیگر نوشتارهای این حقیر میتوانید به یکی از سایتهای اینترنت مانند google مراجعه و به فارسی serch کنید، اهل البیت حقیقی زاده، و سپس عباسعلی حقیقی زاده را کلیک چپ نمائید و کتاب مورد نظر خود را انتخاب و مطالعه فرمائید و به دیگران هم توصیه نمائید. همراه ۰۹۱۳۳۱۹۹۷۴۱ جهت هر گونه انتقاد و نقد و راهنمایی معرفی میگردد.

## درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

